

بسم الله الرحمن الرحيم

نام :	شناخت عربستان
نویسنده :	بعثة الامام الخامنّي
تاریخ نشر:	۱۳۸۳/۱۱/۱۰

مقدمه ۹

فصل اول: ۱۱

جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی عربستان

جغرافیای طبیعی ۱۳

موقعیت جغرافیایی ۱۳

عوارض طبیعی ۱۴

بنادر مهم ۱۷

شهرهای مهم ۱۷

آب و هوا ۱۸

جغرافیای انسانی ۱۹

جمعیت، ترکیب و پراکندگی آن ۱۹

رشد جمعیت ۲۰

مهاجرت ۲۰

سابقه تاریخی تشکیل جمعیت ۲۱

اقوام و نژادها و روابط آنها ۲۲

زبان و خط ۲۲

جغرافیای سیاسی ۲۴

اهمیت استراتژیک عربستان در منطقه ۲۴

نقش تعیین کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی ۲۶

فصل دوم ۲۹

آل سعود بر اریکه قدرت

آل سعود ۳۱

محمد بن سعود (۱۱۴۰ - ۱۱۷۹ هـ. ق.) ۳۴

عبدالعزیز بن محمد (۱۱۷۹ - ۱۲۱۸ هـ. ق.) ۳۵

سعود دوم که وهابیان او را کبیر لقب داده اند (۱۱۶۳ - ۱۲۲۹ هـ. ق.) ۴۱

ارتش مصر در عربستان ۴۲

شکست آل سعود و سقوط درعیّه ۴۳

بعضی نتایج لشکرکشی ابراهیم پاشا به نجد ۴۵

سالهای فترت (۱۲۳۴ / ۱۸۱۸ - ۱۳۲۰ / ۱۹۰۲) ۴۶

بازگشت آل سعود به نجد ۴۹

بلعجی تاریخ ۵۱

نیم قرن کوشش و جدال ۵۴

فرزندان ابن سعود ۶۳

فصل سوم ۶۷

ساختار سیاسی عربستان سعودی

ارکان حاکمیت در عربستان ۶۹

۱- مجلس خانوادگی شیوخ ۶۹

۲- پادشاه ۷۰

۳- هیأت وزیران ۷۱

۴- امرای مناطق ۷۱

قانون مجلس شورا ۷۲

مجلس در عربستان ۷۳

تشکیلات حکومتی ۷۳

قوه مجریه ۷۴

قوه مقننه ۷۴

قوه قضائیه ۷۵

الف - دیوان عالی " مجلس القضاء الاعلي " : ۷۵

ب - دادگاه عالی " محكمة التميز " : ۷۶

ج - دادگاه محلي : ۷۷

د - دادگاه ویژه " محكمة الجوزيه " : ۷۸

هـ - دادگاه خاص " المحكمة الخاصة للأحوال الشخصيه " : ۷۸

تقسيمات كشوري و اداري ۷۹

اوضاع سياسي داخلي ۸۰

تحرکات مخالفان سياسي ۸۲

برنامه اصلاحات سياسي ۸۲

تقسيمات كشوري ۸۳

احزاب قانونی و غير قانونی ۸۴

سيستم دفاعي ۸۸

سياست خارجي و اصول آن ۸۹

موضع گيري عربستان در قبال تجاوز عراق به کويت ۹۲

روابط با کشورهای مسلمان ۹۳

جنگ نفت، اشغال کويت توسط عراق ۹۴

مشکلات مرزي عربستان با همسايگان ۹۸

روابط با کشورهای غربی ۹۸

رابطه با چین و شوروی سابق (کشورهای مشترک المنافع) ۱۰۰

عضویت در سازمانها و اتحادیه های سیاسی ۱۰۰

۱- اتحادیه عرب ۱۰۰

۲- شورای همکاری خلیج فارس ۱۰۱

فصل چهارم ۱۰۵

مذهب و تشکیلات مذهبی

مذهب اهل حدیث پیشینه مذهب وهابیت ۱۰۷

شکل گیری مذهب وهابیت و اتحاد رهبران آن با آل سعود ۱۱۷

شیخ محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶/۱۰۷۳ - ۱۷۹۲) ۱۱۸

سازمانهای مذهبی عربستان سعودی ۱۲۷

الف - سازمان رابطه العالم الاسلامی ۱۲۸

ب - سازمان علمای بزرگ " کبار العلماء " ۱۲۹

ج - سازمان امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۹

حوزه های دینی و رهبران مذهبی ۱۳۰

دولت عربستان و مذهب تشیع ۱۳۲

کتابهای ضد شیعی در عربستان ۱۴۱

فصل پنجم ۱۵۱

اوضاع اجتماعي، فرهنگي و آموزشي

گذار از جامعه قبیله اي ۱۵۳

خصایص ویژه اجتماعي ۱۵۴

گرایشهای فرهنگی، اجتماعي نسل جوان ۱۵۵

وضعیت زنان در جامعه ۱۵۶

نظام آموزشي ۱۵۷

کتاب در عربستان ۱۶۰

کتابخانه ها ۱۶۶

مطبوعات ۱۶۹

خبرگزاری های داخلی و خارجی ۱۷۰

رادیو و تلویزیون ۱۷۰

میزان کنترل دولت بر رسانه های گروهی ۱۷۱

بهداشت و درمان ۱۷۲

شناخت عربستان

علی محمدی آشنائی

مقدمه

عربستان سرزمین نبوت و ولایت است. هر ساله میلیونها عاشق از دور و نزدیک به سوی حرمین می شتابند تا از برکات این سرزمین مقدس بهره مند شوند. مسلمانان کشور ما نیز در شمار این عاشقان دلباخته اند که برای عزیمت به آن مکان مقدس، سر از پانمی شناسند.

وجود چنین پیوند مستحکمی، ضرورت آگاه شدن از وضعیت و موقعیت این کشور را ایجاب می کند. احساس این ضرورت، سبب شد تا دست به کار تدوین کتاب حاضر شویم. این کتاب برگرفته از کتابهای زیر است:

عربستان، از سری انتشارات «نظری اجمالی به کشورها» شماره ۱۶، محمد فخری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۲

عربستان، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴

مقاله آل سعود و عربستان، مرحوم استاد مشایخ فریدنی که در فصلنامه میقات حج چاپ شده است.

به علاوه در هر بخش یادداشتهای دیگری با استفاده از منابع مختلف بویژه از آنچه در فصلنامه میقات حج بوده، افزوده شده است.

صفحه ۱۰

صفحه ۱۱

فصل اول

جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی

عربستان

صفحه ۱۲

صفحه ۱۳

جغرافیای طبیعی

موقعیت جغرافیایی

شبه جزیره عربستان در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی در جنوب غربی آسیا قرار گرفته است و از هفت واحد سیاسی: عربستان سعودی، جمهوری ین، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت تشکیل شده است. عربستان سعودی با مساحت ۲/۱۴۹/۶۹۰ کیلومتر مربع از بزرگترین کشورهای این شبه جزیره محسوب می گردد. این کشور بین خط العرض جغرافیایی ۱۶° الی ۳۲° در شمال خط استوا واقع شده و از شمال به اردن و عراق و از جنوب به جمهوری ین و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده، خلیج فارس و از مغرب به دریای سرخ محدود می شود. طول مرزهای عربستان سعودی ۴۵۳۲ کیلومتر مربع می باشد که با عراق ۸۰۸ کیلومتر، اردن ۷۴۲ کیلومتر، کویت ۲۲۲ کیلومتر، عمان ۶۷۶ کیلومتر، قطر ۴۰ کیلومتر، امارات عربی متحده ۵۸۶ کیلومتر و با ین ۱/۴۵۸ کیلومتر مربع مرز مشترک دارد. پایتخت عربستان سعودی ریاض است.

عوارض طبیعی

عربستان سعودی از نظر جغرافیایی به چهار منطقه تقسیم می شود:

۱ - ارتفاعات غربی؛ که جبال سروات می باشد، از خلیج عقبه در شمال شروع و تا منطقه حجاز و عسیر در جنوب ادامه دارد. مابین این کوهها و ساحل دریای احمر دشتی قرار گرفته که به آن تهامه می گویند.

۲ - نجد؛ این منطقه در مرکز شبه جزیره عربستان واقع است و قسمت اعظم شبه جزیره را فرا گرفته است. از جنوب به ربع الخالی، از غرب به حجاز، از شرق به سرزمین احساء و از شمال به عراق و اردن محدود است. این سرزمین دارای ارتفاع بین ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر می باشد.

۳ - منطقه احساء؛ در ساحل شرقی واقع در کرانه های خلیج فارس قرار گرفته است.

۴ - مناطق صحراهای شن زار؛ که به سه قسمت تقسیم شده است:

الف) صحرای نفود: در شمال عربستان واقع شده که هفتاد هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و مرکب از تپه های شن سرخ است.

ب) صحرای دهناء: این صحرا مابین صحرای ربع الخالی و صحرای نفود قرار گرفته است.

ج) در جنوب صحرای دهناء، بیابان بی آب و علف دیگری به نام ربع الخالی قرار دارد که مساحت آن تقریباً ۴۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع می باشد، این بیابان مابین نجد و عمان و حضر موت قرار گرفته، تا نیم قرن بدون هیچگونه تمدن بشری و آبادانی بوده است، امّا در حال

حاضر در این صحرا مقادیر فراوانی نفت یافت شده که شرکت نفت آمریکایی آرامکو در اینجا مشغول فعالیت می باشد. به جز این دو چهره طبیعی، عربستان به سه ناحیه تقسیم شده است:

۱ - تهامه؛ این سرزمین در ساحل دریای سرخ قرار دارد و تا سرزمین نجران امتداد یافته است. در این منطقه شدت گرما و آفتاب سوزان زندگی را مشکل نموده است و علت نامگذاری تهامه نیز به همین دلیل می باشد.

۲ - نجد؛ این سرزمین قسمت اعظم شبه جزیره عربستان را فرا گرفته است. از جنوب به ربع الخالی، از غرب به حجاز، از شرق به سرزمین احساء و از شمال به عراق و اردن محدود می باشد. این سرزمین دارای ارتفاع بین ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر می باشد و به همین جهت آن را نجد می گویند "واژه نجد به معنای سرزمین مرتفع می باشد."

۳ - حجاز؛ این سرزمین در شمال غربی عربستان سعودی واقع شده است و بیشترین قسمت آن را مناطق کوهستانی تشکیل می دهد. از شمال به خلیج عقبه و از غرب به دریای سرخ و از شرق به نجد و از جنوب به عسیر محدود می شود.

امروزه عربستان به استانهایی چون نجد، حجاز، احساء، تهامه، عسیر و نجران ... تقسیم می شود که علی رغم اختلاف منطقه و اقلیم، همه به وسیله حکمران سعودی اداره می شود. نجد قلب صحرا و موطن آل سعود و منشأ فرقه وهابی حنبلی است. در شمال نجد، منطقه جبل شمر واقع است که در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن

بیستم میدان تاخت و تاز آل رشید بوده است. در جنوب شرقی جبل شمر، ناحیه قصیم و وادی ذوالرّمّه و اراضی نجد واقع است. شهرهای عُنَیْزَه و دِرْعِیَّه و بُرَیْدَه، موطن آل سعود و منشأ فرقه وهابی در نجد است. شهرستان سُدیّر و شهر مَجْمَعَه در جنوب شرقی قصیم (۱) می باشد. آبادیهای نجد عموماً در واحه ها و وادیها و شعاب جبال طَوِیق بنا شده اند. ناحیه وَشْم در جنب وادی مَحْمِل و شهر ریاض پایتخت عربستان هر دو در ناحیه عارض واقعند. حجاز را گاهی استان غربی عربستان می نامند و شهرهای مکه و مدینه و یَنبُوع و جدّه و طائف از بلاد حجاز به شمار می روند. شهر نظامی جیزان - جازان - در ناحیه عسیر در تهامه و در ساحل دریای

سرخ است. آنها که هشت هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارد، مرکز ناحیه عَسیر خاص، می باشد و شهر تاریخی نجران در مرز بین واقع است. احساء و قطیف و ظهران (۲) و خُبر و دَمّام در ساحل خلیج فارس قرار دارند و اکثریت سکنه آنها شیعی مذهبند. نفت عربستان از این منطقه استخراج می شود و عمدتاً از بندر نفتی «رأس التّوره» و از خلیج فارس صادر می گردد.

شهرها و استانها و اراضی عربستان غالباً به نامهای باستانی یا به

۱ - معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۶۷ - برای اطلاع از تاریخ و جغرافیای نجد نیز به همین کتاب، ج ۵، ص ۲۶۱ و تاریخ نجد نوشته امین ریحانی و سایر کتابهایی که در منابع این مقاله صورت داده شده مراجعه شود.

۲ - این شهرها در منطقه نفت خیز عربستان واقع است و مرکز فعالیت شرکت «آرامکو» می باشد.

صفحه ۱۷

اسم عشایری که در آنها ساکنند خوانده می شود. این تقسیمات حدود مشخصی ندارند بخصوص که اهالی آنها مرتباً در حال کوچند و نسبت جمعیت این کشور با مساحت آن از پنج نفر در هر میل مربع کمتر است. در این کشور کشاورزی و صنعت عمده ای - غیر از نفت - وجود ندارد و فقط يك عُشر از مجموع اراضی آن قابل زراعت می باشد.

بنادر مهم

مهمترین بنادر عربستان «جده»، «دمام» و «ینبع» نام دارد که جده بزرگترین بندر و محل ورود اکثر زوَار خانه خدا است. دومین بندر این شهر دمام و ینبع نزدیکترین بندر عربستان به اروپا و آمریکای شمالی است. جزیره متعلق به عربستان «صنافیر» است که در شمال دریای سرخ و در مدخل جنوبی خلیج عقبه قرار گرفته است.

شهرهای مهم

مهمترین شهر عربستان جده است. شهرهای این کشور از سه جهت دارای اهمیت می باشد؛ یا از نقطه نظر مذهبی یا تجاری و یا کشاورزی.

شهرهای مذهبی: شامل دو شهر مکه و مدینه است. مکه به علت وجود بناهای مقدس؛ مسجدالحرام که شامل کعبه معظمه، مقام ابراهیم، چاه زمزم، صفا و مروه، منا و عرفات، غار حرا؛ و مدینه نیز به علت قرار گرفتن قبر مطهر حضرت رسول - ص -، مسجدالنبی

صفحه ۱۸

و قبرستان بقیع دارای ارزش والای مذهبی هستند.

شهرهای تجاری: چون بنادر جده، دمام و ینبع.

شهرهای کشاورزی: شهرهای طائف، بریده، تبوک، نجران، خمیس مشیط از نقطه نظر کشاورزی دارای ارزش بالایی هستند. مهمترین شهرهای عربستان با ذکر جمعیت آنها در زیر آمده است.

ریاض ۶۶۶/۸۴۰ نفر جده ۵۶۱/۱۰۰ نفر

مکه ۳۶۶/۸۰۰ نفر تبوک ۷۴۸۰۰ نفر

طائف ۲۰۴۸۵۰ نفر بریده ۷۰۰۰۰ نفر

مدینه ۱۹۸۱۸۰ نفر خمیس مشیط ۵۰۰۰۰ نفر

دمام ۱۲۷۸۰۰ نفر الکبار ۴۸۸۰۰ نفر

هفوف ۱۰۱۲۷۰ نفر نجران ۴۷۵۰۰ نفر

آب و هوا

آب و هوای این کشور در تابستان بسیار گرم و در زمستان هوا معتدل می باشد. بارندگی به مقدار کم صورت می گیرد. به جز در مناطق شرقی که سالیانه ۴۰۰ میلی متر بارش دارد.

صفحه ۱۹

جغرافیای انسانی

جمعیت، ترکیب و پراکندگی آن

بر طبق آخرین آمار منتشره از سوی سازمان آمار و جمعیت عربستان شمار جمعیت این کشور ۱۷۰۵۰۹۳۴ میلیون نفر برآورد گردیده است که در این میان، تعداد اتباع سعودی و افراد خارجی مقیم عربستان بدین شرح می باشد:

جدول شماره ۱ - شمار اتباع سعودی

اتباع سعودی ۷۲/۱۲۳۰۴۸۳۵۷٪

ذکور ۵۰/۶۲۱۱۲۱۳۴٪

اناث ۴۹/۶۰۹۳۶۲۲۶٪

جدول شماره ۲ - شمار افراد خارجی مقیم عربستان

افراد خارجی ۲۷/۴۶۲۴۴۵۹۳٪

ذکور ۷۰/۳۲۵۵۳۲۸۴٪

اناث ۲۹/۱۳۶۹۱۳۱۶٪

رشد جمعیت

رشد جمعیت در این کشور ۳/۴ درصد می باشد که اگر این رشد جمعیتی همچنان باقی بماند تا سال ۲۰۰۰ به ۱۹ میلیون نفر خواهد رسید. در این کشور درصد سعودیهایی زیر ۱۵ سال، ۴۵/۳٪ از کل جمعیت را دربر می گیرد و جمعیت کل افراد زیر ۱۵ سال ۷۲۷۴۰۰۰ نفر و جمعیت بالای ۶۵ سال ۴۱۷ هزار نفر که درصدی حدود ۲/۶ می باشد.

آخرین آمار رشد جمعیت مربوط به سال ۱۹۹۳ به شرح زیر می باشد:

جمع متولدین ۶۷۴/۳۹۴ نفر

میزان تولد " از هر ۱۰۰۰ نفر " ۴۲٪

جمع مرگ و میر ۱۱۴/۰۰۵ نفر

میزان مرگ و میر " از هر ۱۰۰۰ نفر " ۷/۱٪

عمر متوسط حیات " زنان " ۶۸ سال

عمر متوسط حیات " مردان " ۶۵ سال

مهاجرت

در این کشور مهاجرت روندی رو به رشد دارد. چنانکه به آمار منتشره توسط سازمان آمار و جمعیت عربستان نگاهی بیفکنیم این موضوع روشنتر خواهد شد. بر طبق این آمار وزارت دارایی و اقتصاد عربستان، تا پایان سپتامبر ۹۳ میلادی ۷۲/۲٪ از کل جمعیت این کشور را اتباع آن تشکیل می دهند و تا پایان سپتامبر ۹۳ بیش از چهار میلیون

و ۶۲۴ هزار نفر، حدود ۲۷٪ از کل جمعیت کشور را اتباع خارجی تشکیل داده است. نوع دیگر مهاجرت در این کشور، مهاجرت از مناطق روستایی و دورافتاده به مناطق شهری می باشد که به علت یکسان نبودن امکانات اجتماعی در شهر و روستا این روند رو به رشد بوده است.

سابقه تاریخی تشکیل جمعیت

از نظر جغرافیایی، عربستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. قسمت شمالی به علت خشک و غیر قابل سکونت بودن، تاریخ یکنواختی داشته است. مردم این قسمت، مردمان کوچ نشینی هستند، اما در قسمت جنوبی کشور به علت دارا بودن آب و هوای مساعدتر، جمعیت متراکم و مردم شهرنشین می باشند.

چند عامل باعث مهاجرت‌های گسترده در این شبه جزیره گردیده است. اول، در قسمت جنوب یک راه بین المللی به نام «بخور» وجود داشته که این منطقه را از یک سو به دریای مدیترانه و از سوی دیگر به مصر متصل می نمود؛ اما در آغاز قرن دوم میلادی دریانوردان رم متوجه اقیانوس هند گردیدند و راه بین شرق و غرب را به منطقه شمالی تغییر دادند و لذا از اهمیت راه جنوب کاسته شد. دوم؛ در جنوب شبه جزیره سدّ بزرگی به نام مأرب وجود داشته که عامل مهمی در شکل گیری جمعیت در شبه جزیره عربستان بود، اما به تعبیر قرآن کریم این سد شکسته شد و این مسأله عامل مهمی در انجام مهاجرت‌ها

بوده است. این مهاجرت‌ها از دو طریق صورت می گرفته است؛ عده ای از جنوب به شمال و برخی از شرق به غرب مهاجرت کرده اند که در این مسیرها به اقتضای زمان و نیاز مهاجران، شهرک‌هایی تأسیس و در نتیجه حکومت‌هایی به وجود آمده است. گروه‌هایی از مهاجران که از جنوب به شمال کوچ کرده بودند، در شهر مکه

مستقر شدند. بطور مشخص دو قبیله خزاعه و جرهم در این شهر سکنی گزیدند، که اکثر مردم عربستان از این دو قبیله نشأت می‌گیرند. در حال حاضر تعداد چهار هزار قبیله در این کشور وجود دارد.

اقوام و نژادها و روابط آنها

نژاد مردم عربستان سامی است. مورخان، اعراب را به دو دسته بایده و باقیعه تقسیم کرده اند. اعراب بایده یا اقوام نابود شده مثل عاد و ثمود می‌باشند و اعراب باقیعه که به دو دسته یعنی اعراب عاربه و مستغربه تقسیم می‌شوند. قبایل قحطانی را عاربه یا اعراب اصیل و سایر اعراب که از قسمتهای دیگر آمده اند؛ مثل نژاد حضرت اسماعیل را مستغربه می‌گویند. مهمترین طوایف در عربستان عبارتند از: مطیر، عتیه، بنی سلیم، قریش، هذیل، البقوم، عدوان، بنی حارث، بنی لحيان، بنی سعد، شمر.

زبان و خط

زبان رسمی کشور، زبان عربی می‌باشد که از زبانهای سامی است.

صفحه ۲۳

زبان دوم مردم عربستان سعودی زبان انگلیسی است که در دستگاههای دولتی و مراکز تجاری و دانشگاههای این کشور از آن استفاده می‌شود. علاوه بر این دو زبان، زبانهای اردو، پشتو نیز در میان مهاجرین رایج است. خط مردم عربستان عربی است. بر اساس آخرین آمارگیری، گروههای تشکیل دهنده جامعه عربستان را بیشتر آفریقایی، هندی، پاکستانی و مصری شامل می‌شوند، که جمعاً ۲۵٪ از کل جمعیت را شامل می‌شوند و ۷۵٪ باقی اعراب عربستان می‌باشند. قبل از جنگ دوم خلیج فارس و اشغال کویت، اعراب حدود ۱۰٪ از کل جمعیت مهاجر عربستان را شامل بودند که بعد از جنگ دوم خلیج فارس از این درصد کاهش یافته و بر درصد مصریان افزوده شده است.

جغرافیای سیاسی

اهمیت استراتژیک عربستان در منطقه

کشور عربستان سعودی با واقع شدن در منطقه حساس خلیج فارس و دارا بودن بزرگترین ذخایر نفتی جهان، از دیدگاه جهانی دارای ارزش بسیاری می باشد. این کشور تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با ایران بعنوان یکی از دو ستون استراتژی آمریکا " بویژه از دوره نیکسون و کسینجر " در منطقه بوده است. اما بعد از سقوط شاه و به خطر افتادن منافع دول غرب در خاورمیانه، عربستان سعودی توانست نقطه قابل اتکایی در جهت جانشینی شاه بعنوان کلیدی برای تأمین منافع آمریکا در منطقه درآید، از سوی دیگر با داشتن پیشینه دینی بسیار کهن و قرار گرفتن خانه خدا (کعبه) در این کشور، به خودی خود نقش بسیار مهمی را نیز در بین کشورهای مسلمان جهان دارا می باشد.

این کشور از نقطه نظر جغرافیایی و قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، همیشه مورد توجه سران قدرتهای بزرگ

بوده است. از یک جهت دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ و از سوی دیگر در دست داشتن ۴۱ ذخایر نفت جهان، همواره این کشور را در موقعیتی جدا از کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس " به استثنای ایران و عراق " قرار می داد.

با قدرت یافتن مصر در زمان جمال عبدالناصر و حرکت فکری وی و همچنین بروز کودتا در سوریه و یمن جنوبی سابق و عراق، توجه قدرتهای غربی به این کشور، که کشوری جدید با خط فکری میانه روی بود، بیشتر گشت. علاوه بر این ریاض سعی داشت تا با استفاده از شراکت قومی و فرهنگی با دیگر اعراب حوزه خلیج فارس همیشه نقش بزرگتر آنان را بازی کند و با برقراری روابط عمیق و نزدیک با دولتهای عرب منطقه سیاست خود و خواسته های غرب خصوصاً آمریکا را در این بخش از جهان پیاده نماید؛ چرا که حفظ این منطقه همیشه از نقطه نظر استراتژیکی برای ابرقدرتها مهم بوده است. در گذشته به علت این که این منطقه بر سر راه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده و محل رفت و آمد اقوام و ملل مختلف بود و در حال حاضر نیز به دلیل وجود منابع عظیم نفتی و همچنین ایجاد سدّی در برابر نفوذ ایران در کشورهای منطقه و جلوگیری از به خطر افتادن منافع آنان، دارای ارزش می باشد. دول غربی در جهت مقابله با پیشروی افکار مذهبی - انقلابی در منطقه و تا قبل از فروپاشی شوروی مقابله با خطر کمونیسم با فروش آواکسهای آمریکایی و تسلیحات بسیار پیشرفته سعی نمودند تا خلأ ناشی از حذف قدرت ایران را در

صفحه ۲۶

منطقه جبران نمایند. عربستان سعودی بعلت مشابه بودن ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با آن، و آسیب پذیر بودن این حکومتها از دیدگاه این دولت، سعی نمود با تجمع آنان در شورای همکاری خلیج فارس و عقد قراردادهای امنیتی با آنان، نفوذ خود را هر چه بیشتر در منطقه حفظ نماید و نهایتاً عربستان سعودی با در دست گرفتن نقش رهبریت منطقه و جهان عرب سعی نمود دولتهای ضعیف منطقه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد، این مسائل مهمترین دلایل انگشت گذاری کشورهای قدرتمند بر ریاض بود؛ چرا که با نفوذ در این کشور بطور غیر مستقیم می توانند از حمایت دول کوچکتر خلیج فارس نیز بهره مند گردند.

نقش تعیین کننده هر يك از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

عربستان سعودی از نظر جغرافیایی از يك جهت به خلیج فارس و در جانب دیگر به دریای سرخ این دو شاهراه حیاتی جهان مرتبط است. اما استفاده از هر دو آبراه فوق الذکر مساوی است با عبور از تنگه هرمز و تنگه باب المندب که اولی تحت نفوذ ایران و دوّمی تحت نظر جمهوری یمن است، در راستای همین مسأله، عربستان سعودی

در پی یافتن مسیرهایی جهت جایگزین نمودن تنگه هرمز برای صدور نفت بود چرا که این کشور روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت از این راه صادر می نماید، در پی این موضوع از سال ۱۹۷۵ این کشور سه طرح ساختمان خط لوله نفتی را برای این منظور اعلام و همزمان مبادرت به

صفحه ۲۷

سرمایه گذاری کلان در طرح گسترده تأسیس پایگاه نظامی در سواحل خلیج فارس در «قطیف» نمود.

به هر حال این کشور سعی فراوانی جهت کاستن نفوذ ایران و یمن از دو تنگه فوق نمود. اما از نقطه نظر منابع طبیعی، داشتن ۴۱ ذخایر نفتی جهان بهترین امتیاز برای ریاض محسوب می شود. این کشور با نداشتن مواد مصرفی، بهترین بازار برای کشورهای صنعتی و همچنین بازار بزرگی نیز برای تسلیحات و تجهیزات نظامی و صنعتی غرب می باشد. بدینگونه وابستگی دوجانبه ای بین غرب و عربستان سعودی مشهود می باشد. از یک سو این غرب است که نیاز به نفت و مشتقات نفتی و حربه نفتی عربستان را دارد و در مقابل عربستان احتیاج به اجناس ساخته شده بازارهای دیگر کشورها را دارد. به همین دلیل است که کشورهای غربی بدون هیچ قید و شرطی از دولت عربستان حمایت می کنند.

افزایش درآمد حاصل از صدور نفت و فروش آن به عربستان سعودی، این امکان را به این کشور داده است که به گسترش نفوذ سیاسی خود در کشورهای دول عرب منطقه و در این اواخر پاکستان و افغانستان بپردازد.

مسأله دیگری که بر امتیاز عربستان افزوده است، وجود خانه خدا (کعبه) در این کشور است. مسلمانان سراسر جهان همه ساله در مراسم مخصوص در این کشور حاضر شده و به انجام فرایض دینی خود می پردازند، با توجه به این مسأله مشاهده می کنیم که هر سال مبلغ

صفحه ۲۸

بسیاری به خزانه دولت وارد می شود که این لحاظ مادی است ولی از نظر فرهنگی احتیاج کشورهای مسلمان به این مکان مقدس از دیدگاه مذهبی، بینشی همراه با احترام برای عربستان سعودی به ارمغان آورده است. عربستان سعودی به دلیل داشتن بزرگترین ذخایر نفت جهان و جمعیت بسیار اندک از نظر نیروی انسانی کارآمد، کشوری بسیار فقیر می باشد. به همین دلیل در این کشور و بسیاری دیگر از کشورهای نفت خیز، شاهد حضور گسترده کارگران و کارشناسان خارجی هستیم که در بخشهای مختلف صنعت نفت و نظامی فعال هستند. بدینگونه کمبود نیروی انسانی، عربستان را یک کشور مهاجرپذیر نموده که برای گردش چرخهای اقتصادی، نظامی، اداری، خدماتی خود به نیروهای انسانی خارجی نیازمند است. در این جا مسائل و عواملی که باعث اهمیت یافتن بسیار عربستان سعودی به جهات مختلف استراتژیکی، سیاسی و اقتصادی شده اند را یادآور می شویم:

۱ - واقع شدن در خاورمیانه.

۲ - پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به خطر افتادن منافع دول غرب در منطقه و اهمیت یافتن عربستان سعودی از نظر آمریکا.

۳ - تلاش جهت بدست گرفتن رهبری جهان عرب و بازی کردن نقش اصلی رقابت سیاسی در همین راستا.

۴ - ارتباط با خلیج فارس و دریای سرخ.

۵ - در دست داشتن ۴۱ ذخایر نفتی جهان.

۶ - وجود مهمترین مکان مقدس مسلمانان در این کشور.

۷ - نداشتن جمعیت فعال به حد کافی و وجود بازار کار برای مهاجران.

فصل دوم

آل سعود بر اریکه قدرت

صفحه ۳۰

صفحه ۳۱

آل سعود

سالهای اول قرن بیستم، دوران اوج سیاست استعماری و فعالیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک انگلستان در خاورمیانه و خلیج فارس بود. خطر پیشرفت سریع آلمان در منطقه که تا عراق و خلیج فارس پیش آمده بود و راه هند را به خطر می انداخت، دولت انگلیس را بر آن داشت تا از سویی داردانل و باب المندب و سایر تنگه ها و معابر و بنادر راه هند را در کنترل خود درآورد و از سویی دیگر قدرت خویش را در خلیج فارس و دریای عمان تثبیت و بی رقیب و دولتهای منطقه را فرمانبردار خویش سازد. در همین مسیر «لرد کرزن» نایب السلطنه انگلیس (در مستعمرات هند) به سال ۱۳۲۱/۱۹۰۳ به خلیج فارس آمد و شیخ کویت و سایر مشایخ کنار خلیج را تحت حمایت دولت متبوع خود ساخت و راه دریایی خلیج فارس و دریای عمان را بر روی آلمان و سایر دول اروپایی بست. (۱)

۱ - برای تفصیل قرارداد ۱۹۰۷ رجوع شود به تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود، ج ۷، ص ۲۰۳۳ به بعد، تهران، ۱۳۳۲ هـ. ش.

دولت انگلیس در سال ۱۹۰۴/۱۳۲۲ با شتاب اختلافات خود را با فرانسه و روس رفع کرد و با آن دو دولت، اتحادیه ای برای رویارویی با آلمان تشکیل داد.

در سال ۱۹۰۷/۱۳۲۵ روس و انگلیس برای بریدن پای آلمان از خاورمیانه و خلیج فارس، طبق معاهده ای مناطق نفوذ و فعالیت خود را در ایران و سایر بلاد منطقه قسمت کردند. دولت انگلیس برای تأسیس پایگاه مطمئنی در منطقه، از طرفی شریف حسین پادشاه حجاز را به وسیله کلنل لورنس فریب داد و به فکر تأسیس دولت متحد اسلامی و اتحاد اسلام و عرب انداخت و از طرف دیگر دفتر اتحاد اسلام «پان اسلامیزم» را در لندن تأسیس نمود و سر رشته ارتباط سران و دولتمردان کشورهای مسلمان را در دست خود گرفت. - همان دفتری که بعدها بیشتر منادیان وحدت اسلام با آن سر و کار پیدا کردند - بنا به اصل «فَرَّقْ تَسُدْ» = تفرقه بینداز تا در مقام ریاست باقی بمانی» دنیای اسلام را تجزیه و تضعیف کرد و به بهانه های ناسیونالیستی، آنها را به جان هم انداخت و دولتمردان مسلمان را زیر بال خود گرفت. بعد هم که آلمان در برابر او سرسختی نشان داد، جنگ جهانی را به راه انداخت که حاصل آن شکست آلمان و عثمانی و روی کار آمدن دولتهای دست نشانده و احزاب نژادپرست و تقویت قومیت عربی... و مآلاً سیادت انگلستان بر خاورمیانه عربی بود. خانم گرتورد بل منشی سرپرسی کاکس کمیسر عالی انگلیس در بغداد، ضمن نامه ای که به پدرش نوشته سیاست بریتانیا را در خاورمیانه ضمن يك جمله چنین

خلاصه کرده است: «پدر! از بس که شاه ساختم خسته شدم!» (۱)

آل سعود از اعقاب ربیعۀ بن نزار بن معد بن عدنان و از بنی بکر بن وائل و بنی ذُهل بن شیبان بشمار می روند. چون جدّ اعلاّی ایشان محمد بن سُعود در درعیّه بر بنیاد تعلیم ابن عبدالوهاب حکومت این طایفه را تأسیس کرد آنان را «آل سُعود» خواندند. نسبت سعود را چنین آورده اند: سعود بن مُقرّن بن مرّخان بن ابراهیم بن موسی بن ربیعۀ بن مانع مریدی. (۲)

مانع (۳) از مشایخ قبیله بکر بن وائل بود و در قصبه دُرُوع از توابع طایف می زیست. او به سال ۱۴۴۶/۸۵۰ به دعوت پسر عم خود ابن درّع که امیر منفوحه (۴) و حجر الیمامه (۵) و جَزْعَه، در نجد بود، نزد وی رفت و واحه المُلَبَّید و العُضَیّه را از او به تیول گرفته به کشاورزی پرداخت. اما مانع و پسرش به شیوه سایر مشایخ عرب خوی جنگجویی و تجاوز داشتند و گاهگاه به قبایل همسایه حمله می بردند. ربیعۀ به آل یزید

۱ - نامه های خانم گروتروود بل، ج ۲.

۱۹۲۷. London ۶۲۱ Vols, IIP۲ Lady bell. The letters of gerryude bell.

۲ - صقرا الجزیره، ج ۱، ص ۳۹.

۳ - همان منبع، ص ۴۰.

۴ - منفوحه، در لغت اسم مفعول است، از نفع الطیب، یعنی وزیدن بوی خوش یا نفع الصبا یعنی وزیدن نسیم صبا که بوی عطر می پراکند. و نام قریه ای است در نجد که زادگاه و مسکن و مدفن اعشی قیس، شاعر جاهلی در آنجا بوده است - معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۴.

۵ - همان منبع از ص ۴۴۱ تا ۴۴۷.

تاخته مردان آن قبیله را از دم تیغ گذراند و زنان و اموالشان را تصاحب کرد. پسر او هم که موسی نام داشت از راهزنان معروف نجد بود و در عهد او، آل سعود به صورت دسته‌ای غارتگر در نجد شناخته شدند. ابراهیم دو پسر به نام وَطْبَان و مُقَرَّن داشت که اوّلی سردودمان آل وطبان - ساکن زبیر نزدیک بصره - بود و دوّمی جدّ اعلاّی آل سعود است که در نجد به سلطنت رسیدند. از احوال مُقَرَّن و نیاکان او تفصیلی در تاریخ باقی‌مانده است. همین قدر می‌دانیم، سعود پسر مقرر نخستین فرد معروف این خاندان است که در درعیّه به امارت رسید. وی بر آل مَعْمَر که احوال او بودند، تاخته اهالی درعیّه را قتل عام کرد و آل مَعْمَر را به عُیَیْنَه متواری ساخت و خود در آن شهر به امارت نشست. او در سال ۱۷۲۷/۱۱۴۰ در درعیّه درگذشت و پسرش محمد حکمران آن شهر شد.

محمد بن سعود (۱۱۴۰ - ۱۱۷۹ هـ. ق.)

چنان که گذشت، محمد بن عبدالوهاب وقتی نتوانست در عیینه بماند به درعیّه رفت. وی در آنجا به خانه یکی از شاگردانش که عبدالله بن سُوَیْلَم نام داشت وارد شد و سایر شاگردان و مریدانش دور او را گرفتند. محمد بن سعود به تشویق برادرش ثنیان و مَوْضِی همسرش از فرصت استفاده کرده به دیدار شیخ رفت و با او پیمان اتحاد منعقد کرد. از آن پس شیخ محمد مجال پیدا کرد نقشه‌هایی را که سالها در سر کشیده بود عملی کند و دولت وهابی را بر پایه‌ای استوار تأسیس نماید.

صفحه ۳۵

محمد به اشارت شیخ و ارشاد او ارتشی مجذوب و خونریز از اعراب تشکیل داده شروع به دست اندازی و غارت قبایل نجد کرد. «عُرَیْعَر» امیر احساء و حسن بن هبّه اللّه امیر نجران، در سال ۱۷۶۵/۱۱۷۸ برای رفع غائله وهابیان، بر درعیّه تاختند. لیکن محمد بن سعود به تدبیر شیخ این خطر را دفع کرد. امیر احساء را ناگزیر از بازگشت به شهر خویش کرد و با امیر نجران پیمان صلح منعقد نمود. دهم بن دَوَاس، امیر ریاض دشمن سرسخت شیخ از سال ۱۷۴۷/۱۱۶۰ حملات خود را به درعیّه آغاز کرده بود که سالها ادامه داشت و موجب کشتار بسیار از طرفین شد. امیران حُرَیْمَلَاء و ضَرِیّه نیز هر وقت فرصت می‌یافتند بر درعیّه حمله می‌بردند. اما محمد بن سعود مقاومت می‌کرد و ابن عبدالوهاب نیز در میدان جنگ حاضر می‌شد و روحیه سربازان را تقویت

می‌کرد. سرانجام محمد بن سعود در ۱۷۶۵/۱۱۷۹ بعد از بیست سال حکمرانی و جنگ درگذشت و جای خود را به پسرش عبدالعزیز سپرد.

عبدالعزیز بن محمد (۱۱۷۹ - ۱۲۱۸ هـ. ق.)

در مدت دویست ساله حکومت آل سعود دو امیر در این خاندان به قدرت و مهابت و قساوت شهرت یافتند؛ یکی عبدالعزیز بن محمد بن سعود (۱) و دیگری عبدالعزیز بن عبدالرحمان. اولی به پشتیبانی شیخ

۱ - قلب جزیره العرب ص ۳۲۸، ابن بشر ج ۱، ص ۱۷، صقراجزیره ج ۱، ص ۶۴.

صفحه ۳۶

محمد بن عبدالوهاب کشوری وسیع به تصرف آورد و دومی مملکت عربی سعودی را تأسیس کرد.

عبدالعزیز بن محمد به سال ۱۷۷۳/۱۱۸۵ بر عشایر متحد نجد تاخت و آنان را در قریه حایر (۱) شکست داد. بعد سپاهیان امیر ریاض را در سال ۱۷۷۳/۱۱۸۷ تار و مار کرد و پس از مرگ دهم شهر ریاض را به تصرف آورد. در ۱۷۷۶/۱۱۹۰ شهر ترمذ را گشود و سال بعد دو ناحیه مهم سُدیر و وَشَم تسلیم او شدند. (۲) سپس با امیر عیینه و سایر مشایخ نجد پیمان آشتی منعقد کرد و بیشتر قبایل آن خطه به عقیدت وهابی گراییدند. او اراضی خرج و تهامه و شهرهای مجمعه و حرمه و بُریده را تصرف کرد و در جنگ با غالب بن مُساعد شریف مکه، پیروزی با او بود. در حمله به جبل شَمَر و حایل و قصیم بعد از قتل و غارت بسیار، آن نواحی را به تصرف آورد و با قتل عامهای بی رحمانه، اعراب سراسر عربستان را مرعوب و فرمانبردار خود ساخت.

اگر درنده خوئی عبدالعزیز و پسرش سعود نبود، نه امارت سعودی دوام می‌یافت و نه مسلک وهابی رواج پیدا می‌کرد. به فرمان او هر مسلمان غیر وهابی چه شیعی و چه سنی واجب القتل و مال و ناموسش بر وهابیان حلال بود. تا کشف نفت هزینه ارتش و بودجه

۱ - حایر در لغت یعنی حوض و گودالی که آب باران در آن جمع شود و نام محلی بوده است در نجد. مدفن و تربت حسین بن علی - ع - در کربلا نیز حایر نام دارد، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲ - این نواحی که سابقاً واحه و وادی بوده امروز به شهرهای آباد تبدیل شده است.

صفحه ۳۷

کشور سعودی از همین محلها، تأمین می شد. از جمله فتوحات عبدالعزیز که موجب شهرت او در عربستان شد، فتح مکه و مدینه و طایف بود که مشاهد متبرکه و قبور ائمه را ویران کرد و رسوم وهابی را در حجاز جاری ساخت. تصرف بحرین و چند امارت ساحلی خلیج فارس سابقه ای برای آل سعود بوجود آورده که همواره به آن استناد می کنند. در اواخر امارت عبدالعزیز بود که شیخ، در عمر نود و یک سالگی - و به قول «ابن بشر» مورخ نجدی در نود و هشت سالگی درگذشت.

از کارهای ننگین عهد عبدالعزیز این بود که پسرش سعود به امر او و فتوای علمای وهابی در فروردین ۱۲۱۷ هـ . ق. به کربلا حمله کرد و اهالی آن شهر مقدس را قتل عام نمود، حرم حسین بن علی - ع - و عباس بن علی - ع - را ویران کرده به آتش کشید. در این حمله که به بهانه دست اندازی اعراب شیعی خزاعل به حجاج نجدی صورت گرفت شهر کربلا کاملاً غارت شد و خیابانهای آن از کشتگان انباشته گردید. اعراب وهابی کشتگان را برهنه می کردند و لباسشان را می ربودند. (۱) به مشاهد کربلا هر اهانتی توانستند کردند و جواهرات نفیس و پرده ها و قندیلها و هر چه طلا و نقره و اشیاء گرانبها و نذورات که در خزانه حرما بود به یغما بردند. سپس اشیاء غارتی را بر شتران بار کرده به طرف نجد بازگشتند. می خواستند نجف را نیز ویران و قتل عام

۱ - اعراب اسم جنس است به معنی عرب بادیه نشین، فرد آن اعرابی است - اعراب جمع عرب نیست.

کنند لیکن سیلاب بهاری راه را برایشان بست و ناچار به درعیّه بازگشتند.

محمد تقی سپهر شرح حالی درباره حمله سعودی به کربلا نوشته که خالی از اشتباه نیست ولی خواندنی است. او می نویسد: «عبدالوهاب نامی از عرب بادیه سفر بصره کرد و در نزد يك تن از علمای بصره که محمد نام داشت يك چند از زمان متعلّم بود و آن گاه از آنجا به اراضی ایران آمده در اصفهان متوقف گشت و در نزد علما به تحصیل علم نحو و صرف و معانی و بیان پرداخت و نیز از اصول و فقه بهره تمام یافت و در مسائل شرعیّه آغاز اجتهاد نهاد. و در اجتهاد خویش اصل و فرع دین چنان نهاد که خدای فرد، رسل و رسائل بفرستاد و پیغمبر آخرالزمان قرآن بیاورد و دین خویش بنمود. بعد از او خلفا هر يك مجتهدی بودند مانند ابوبکر و عمر و عثمان و علی و شافعی و ابوحنیفه و جعفر صادق. بدین گونه مجتهدی از پی مجتهدی دیگر برسد و باید مجتهدین استخراج مسائل از کتاب خدای کنند. و بسیار چیز را بدعت دانست. از جمله بنای قباب عالیّه بر قبور ائمه و انبیا و تذهیب بقاع به زر و سیم و موقوف داشتن اشیاء نفیسه در مضامع متبرکه و طواف مراقد ایشان و تقبیل عتبه را شرك دانست و مرتکبین این اعمال را با بت پرستان برابر نهاد... با این عقاید از اصفهان به وطن خویش مراجعت کرد و با عبدالعزیز که یکی از مشایخ عرب بود پیوست و او را با خود در این عقاید همدست کرد... عبدالعزیز را به خاطر آمد که بر قلعه نجف تاختن کرده قبه مبارک را

پست کند و موقوفات بقعه شریفه را برگیرد و زائرین آن حضرت را که به گمان خود بت پرست می پنداشت مقتول سازد. پس لشکری به مسعود داده و او را بدین مهمّ مأمور داشت. مسعود با مردم خود به طرف نجف

اشرف سرعت نموده قلعه نجف را به محاصره انداخت و چند کُرت یورش به قلعه برده مقصود حاصل نکرد و از آنجا بی نیل مرام مراجعت کرده آهنگ کربلا نمود و با دوازده هزار تن از ابطال رجال خود چون سیلاب بلامنافضه به کربلا درآمد و در این هنگام بامداد روز عید غدیر بود. پس تیغ بی دریغ در سکنه آن بلده نهاده پنج هزار تن از مرد و زن مقتول ساختند و ضریح مبارک را در هم شکسته آلات زر و سیم و جواهر رنگین و لآلی ثمن که سالهای فراوان از هر کشوری و کشورستانی بدانجام حمل داده و خزینه نهاده بودند به نهب و غارت برگرفته قنادیل زرین سیمین از را فرود آوردند و خشتهای زر احمر را از ایوان مطهر باز کردند و چندان که توانستند در تخریب آثار و بنا کوشش کردند و بعد از شش ساعت از شهر بیرون شدند و اشیاء منهبیه را بر شتران خویش نهاده به جانب درعیّه کوچ کردند» - در هاشم گزارش سپهر باید یادآوری شود که نام رهبر مذهبی وهابی محمد بن عبدالوهاب بوده و او با محمد بن سعود پدر عبدالعزيز پیمان همکاری بسته است. نام پسر عبدالعزيز هم سعود بوده و حمله سعود به نجف بعد از کربلا بوده است.(۱)

۱ - ناسخ التواریخ، ج ۱، تاریخ قاجاریه، وقایع سال ۱۲۱۶ هـ. ق.

صفحه ۴۰

اما یکی هم پیدا شد که به شیوه خود وهابیان از امیر سعودی انتقام بگیرد. در تابستان ۱۲۱۸ / ۱۸۰۳ روزی عبدالعزيز هشتاد و سه ساله در مسجد طریف در درعیه پیشاپیش نمازگزاران امامت می کرد. ناگاه مردی در کسوت درویشان از پشت سر بر او حمله کرد و کارد خود را تا دسته در پشت او فرو برد و او را به قتل آورد. گفتند که وی مردی شیعی از اهالی کربلا بود(۱) و بدین طریق انتقام خون ناحق همشهریان خود را گرفت. او از چندی پیش به صورت طالب علم به درعیه آمده نزد مشایخ وهابی مشغول تحصیل بود. مردی آرام و سربراه می نمود و همه روزه برای نماز در مسجد می آمد و پشت سر عبدالعزيز نماز می گزارد تا آن روز که مجال یافت و کار او را ساخت. وهابیان بر آن مرد حمله برده سرش را بریدند و عبدالعزيز نیز بعد از ساعتی چند جان داد.

متصرفات سعودي در عهد عبدالعزيز به شرح ذیل بود: عَسِير و تهامه، حجاز، عُمان، احساء، قطیف، زیاره و بحرین، وادي الدّوایر، خَرْج، مُحْمِل و شَم، سُدَيْر، قَصِيم، جبل شَمَر، درعیّه، مَجْمَعَه، مَنِيح، بِيْشَه، رَنِيّه، ثَرابه و...

در زمان عبدالعزيز انگلیسیها خاندان سعودي را شناختند و با سعودیان رابطه دوستی برقرار کردند. «اولریخ ژاسپر زیتس» (۲) مستشرق آلمانی در همان ایام با لباس درویشی به مکه آمد و در موسم

۱ - صقر الجزيرة، ج ۱، ص ۵۴. در تاریخ ابن بشر آمده است که قاتل مردی کرد به نام عثمان از اهالی عماریه - نزدیک موصل - بود.

. Ulrich jasper seetxen -

صفحه ۴۱

حج در عرفات سعود بن عبدالعزيز را دیدار کرد - که سادگی او را می ستاید - این مستشرق را در ین کشتند و یادداشتهای ارزشمند سفر حجازش از ین رفت.

سعود دوم که وهابیان او را کبیر لقب داده اند (۱۱۶۳ - ۱۲۲۹ هـ. ق.).

او امیری شجاع ولی سفاک و بی باک بود و از نیروی ابتکار و اراده و سرعت عمل بهره کافی داشت. فتوحات سعودی در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس به دست او انجام گرفت و در سی سال آخر عمر پدرش، همه امور کشور سعودی در دست او بود. سعود به سال ۱۲۰۳ هـ. ق. ۱۷۸۸م به حکم ابن عبدالوهاب از سوی پدر به ولایت عهد منصوب شد و بعد از مرگ عبدالعزيز مدت یازده سال بر عربستان سلطنت می کرد. حتی مورخان وهابی هم نتوانسته اند درنده خوئی و قتل عامهای هولناک او را پنهان دارند. اشراف حجاز و امرای عرب طی نامه هایی باب عالی را متوجه خطر روزافزون قدرت پیشتاز وهابیان ساختند و به آنان فهماندند که این طایفه به

عربستان بسنده نمی‌کند و هدفشان تسلط بر سراسر متصرفات عثمانی و همه مسلمانان است. سرانجام دربار اسلامبول تصمیم به رفع غائله وهابی گرفت و محمد علی پاشا حکمران مصر را مأمور کرد لشکری مجهز به عربستان اعزام کند و سعودیان و وهابی‌ان را از بیخ و بن براندازد. در همین اوقات بود که سعود در عمر شصت و شش سالگی در درعیه به بیماری سرطان روده درگذشت و از عذاب مشاهده ویرانی کشورش به دست مصریان

صفحه ۴۲

نجات یافت.

ارتش مصر در عربستان

هیبت وهابی‌ان تحت سلاطین عرب را به لرزه درآورده بود. در آن ایام کسی از بیم هلاکت جرأت سفر حج و زیارت نداشت. شریف غالب (۱) پادشاه حجاز از هول جان‌نظار به وهابیگری می‌کرد و بعد از شکستی که از سعود خورد (۱۲۲۱ هـ. ق.) دستور داد قبور ائمه را در بقیع و سایر مشاهد و مزارات متبرکه را در مکه و مدینه با خاک یکسان کنند. او استعمال دخانیات را حرام اعلان کرد و مذهب حنبلی سفلی وهابی را در حجاز رسمیت داد... اما او و سایر بزرگان حجاز در نهان با دربار اسلامبول مکاتبه داشتند و برای نجات کشور خود می‌کوشیدند. سرانجام سلطان سلیم بن مصطفی (متوفی در ۱۲۲۲ هـ. ق.) امپراطور عثمانی مصمم به براندازی وهابی‌ان و آل سعود شد و محمد علی پاشا را مأمور این مهم فرمود. او هم ارتشی مخلوط از سربازان ترک و آلبانی و عرب به فرماندهی پسرش طوسون پاشا به حجاز اعزام داشت. طوسون در سال ۱۲۲۷ / ۱۸۱۲، از بندر یئیع وارد مدینه شد و آن شهر را گشوده به سوی مکه شتافت. گرچه مقاومت وهابی‌ان شدید بود اما در برابر آتش توپخانه مصریان کاری از پیش نبردند و شکست یافتند. طوسون وارد

۱ - تاریخ مکه، ج ۲، ص ۱۲۵ - شریف غالب با ناپلئون بعد از این که وی مصر را متصرف شد مکاتبه داشت و از سوی ناپلئون پیشنهادهایی برای عقد قرارداد بازرگانی دریافت کرده بود. پاسخ یکی از نامه‌های ناپلئون در صفحه ۲۶ همین مأخذ نقل شده است.

صفحه ۴۳

مکه شد و بعد از چند روز محمد علی پاشا نیز وارد مکه گردید. او شریف غالب را به جرم اهمال و سازش کاری معزول و زندانی کرد و برادرش سرور بن غالب را به مقام شریف مکه منصوب نمود. (۱)

شکست آل سعود و سقوط درعیّه

بعد از سعود بن عبدالعزيز پسرش ابراهیم (ف ۱۲۳۵ هـ. ق.) به امارت درعیّه رسید ولی از سوی بین او و عمویش عبدالله بن عبدالعزيز بر سر جانشینی اختلاف افتاده بود و در نتیجه جنگ خانگی سعودیان را ناتوان می کرد و از سوی دیگر ارتش مصر به سوی نجد در حال پیشروی بود. محمد علی پاشا که از پیروزی ارتش خود اطمینان حاصل کرده بود به قاهره برگشت و طوسون را با عده کافی و توپخانه قوی روانه نجد ساخت. طوسون بدون هیچ مانعی تا قلعه رس - دویست و هفتاد کیلومتری شمال شرقی مدینه - پیش رفت ولی در آنجا با مقاومت شدید وهابیان برخورد کرد و با دادن تلفات بسیار نتوانست به پیشروی ادامه دهد. ناچار به پیشنهاد وهابیان تن به ترک محاصره داد و به قاهره بازگشت.

۱ - ابراهیم پاشا ابتدا با عبدالله به نیکی رفتار کرد و او را با چهار صد تن از رجال سعودی نزد محمد علی پاشا به قاهره فرستاد. محمد علی نیز او را به اسلامبول روانه کرد. در آنجا او را در بند کرده چندی برای عبرت ترکان در کوچه و بازار گرداند و بعد در میدان ایاصوفیه به قتل آوردند. همراهانش را نیز در سایر میادین اسلامبول کشتند. صقر الجزيرة، ج ۱، ص ۶۵.

محمد علي پاشا از طوسون به سبب ضعفي كه نشان داده بود خشمگين گشت و او را توبيخ و از امارت معزول كرد و پسر ديگرش ابراهيم پاشا را مأمور تسخير نجد ساخت. ابراهيم با لشكري تازه نفس به نجد رفت و خود را به درعيّه رسانده پايتخت آل سعود را در محاصره گرفت. او با آتش سنگين توپخانه مقاومت وهابيان را درهم شكست و آنان را ناگزير به تسليم بلاشرط ساخت. عبدالله بن سعود - كه برادر را بركنار كرده و خود به جاي او نشسته بود - بعد از شش ماه مقاومت قلعه و پادگان درعيّه را تحويل مصريان داد (۱۲۳۴ / ۱۸۱۸) و هيأتي را به رياست عمش عبدالله بن عبدالعزيز - كه شيخ آل سعود بود - همراه شيخ علي بن محمد بن عبدالوهاب نزد ابراهيم پاشا فرستاد. به دستور ابراهيم اموال و املاك خاندان سعودي و ابن عبدالوهاب ضبط شد و عبدالله بن سعود را به اسلامبول بردند كه در آنجا محكوم به سربريدن گرديد. علماي وهابی و امراي سعودي را يا سر بريدند و يا تيرباران كردند و بعضي را به دهانه توپ بستند يا پي سپر سم ستوران ساختند. احمد بن رشيد حنبلي قاضي درعيّه را در حضور ابراهيم شكنجه هاي شديد دادند از جمله دندانهايش را يكي يكي كشيدند. سپس پايتخت سعودي را به آتش كشيدند و تمامي خانه ها و آباديهاي آن را ويران كردند و شهر را با خاك يكسان كردند. نخيلات و باغها و زراعتهاي درعيّه را نيز معدوم نمودند... زنان و كودكان و پيران بقيه السيف را به ساير بلاد نجد كوچاندند و بعض امراي سعودي و مشايخ اولاد عبدالوهاب را به قاهره تبعيد كردند. وقتي ارتش مصر از درعيّه

برمي گشت ديگر در آن شهر هيچ مال و آبادي و هيچ ساكني باقي نمانده بود.(۱)

بعضي نتايج لشكرکشي ابراهيم پاشا به نجد

نتايج لشكرکشي مصريان به عربستان را مي توان به صورت ذيل جمع بندي كرد:

۱ - درعيّه و ساير شهرهاي وهابی بعد از حدود نود سال آبادانی، غارت و ويران گرديد.

۲ - کشور وسیع عبدالعزيز و پسرش سعود متلاشی شد.

۳ - تعداد بی شماری از اعراب وهابی قتل عام شدند.

۴ - پیشرفت دعوت وهابی متوقف شد و رعبی که از وهابیان در دلها پیدا شده بود از بین رفت.

۵ - سلطنت سعودی منقرض گردید.

۶ - همراه با سربازان مصری و ترك و آلبانی، فرهنگ غربی تا قلب عربستان راه یافت، و پای اروپاییان به آنجا باز شد. بطوری که يك سال بعد از سقوط درعیّه (۱۲۳۶ / ۱۸۲۰) ارتش انگلیس در بحرین مستقر شد و نفوذ آن دولت در خلیج فارس توسعه یافت.

۷ - بعد از این پیروزی بود که فکر ناسیونالیزم عرب در سر محمد علی پاشا و بعد شریف حسین پیدا شد و در قرن بیستم منشأ تحولات

۱ - شوکانی، البدراطالع، ۲۶۲/۱، قاهره، ۱۳۴۸ هـ. ق. در دو مجلد - ابن بشر ۱۷۶-۱۳۱ - قلب جزیره العرب ۳۳۱/...

صفحه ۴۶

شگرف در خاورمیانه گردید.

۸ - اندیشه وحدت قومی عربی، بعد از این پیروزی، در سر رجال عرب پیدا شد و از مصر نشأت گرفت.

۹ - اندیشه تشکیل دولت بر اساس اسلام و قوانین اسلامی از همان ایام عملی شناخته شد.

۱۰ - بعد از فتح عربستان و سوریه بود که محمد علی پاشا کشور خدیوی مصر را مستقل اعلام کرد...

سالهای فترت (۱۲۳۴/ ۱۸۱۸ - ۱۳۲۰/ ۱۹۰۲)

بعد از سقوط درعیه تا چند سال کسی از خاندان سعودی به فکر سلطنت نیفتاد. ابراهیم پاشا مقام حکمرانی نجد را به یکی از اعیان مصر به نام اسماعیل پاشا واگذار کرد و او از سوی خود افسری به نام خالد پاشا را که مردی ستمکاره و مهمل بود روانه نجد کرد. صحرانشینان نجدی از ضعف وی استفاده کرده به حالت بدوی و غارتگری برگشتند و به جان هم افتادند. در سال ۱۲۳۵/ ۱۸۱۹ ترکی (۱) پسر عبدالله بن سعود جمعی از اعراب را با خود همراه ساخته ریاض و بعد عارض را تصرف کرد و ارتش مصر را از این دو شهر بیرون راند. سپس اعراب جبل شمر و مطیر را با خود یار ساخت و دولت گونه ای تشکیل داد. در ۱۲۴۲/ ۱۸۳۳ فیصل بن ترکی از مصر گریخته به پدر پیوست و به یاری

۱ - از زمان ترکی بن عبدالله بن محمد بن سعود امارت سعودی از اولاد عبدالعزیز فحد به اولاد برادرش عبدالله منتقل شد و تا امروز در همین سلاله باقی است.

صفحه ۴۷

او احساء و قطیف را گرفت و ترکان را از وادی حنیفه بیرون راند. مشایخ قبایل شمر و حایل نیز با ترکی پیمان دوستی بستند و کار سعودیان دوباره رونق گرفت. امّا بنی اعمام ترکی به فرماندهی مشاری بر او تاختند و ترکی را به قتل رساندند. مشاری در ریاض به امارت نشست لیکن در سال ۱۲۹۴/ ۱۸۸۷ فیصل پسر ترکی به کمک آل رشید ریاض را بازگرفت و مشاری را کشته، خود به جای او نشست. وقتی این خبرها به محمد علی پاشا رسید امیری را به نام خورشید پاشا مأمور نجد کرد و ریاض را گشوده جمعی از وهّابیان را به قتل آورد و فیصل را با دو پسرش عبدالله و محمد و دو برادرش و جمعی از بنی اعمامش در بند کرد و به قاهره تبعید نمود. محمد علی پاشا یکی از امیرزادگان سعودی را که تربیت اروپایی داشت و از انضباط و فرمانبرداری او مطمئن بود به جای فیصل به حکومت نجد منصوب کرد (۱۲۵۴/ ۱۸۳۸) امّا وقتی او به ریاض رسید اعراب بر او شوریدند و او را بیرون کردند. خالد سالها در عربستان در بدر بود تا این که به سال ۱۲۷۸ هـ. ق. در جدّه درگذشت. (۱)

محمد علي پاشا بر اثر فشار روس و انگلیس که حامیان عثمانی بودند، بعد از اعلام استقلال ناچار شد ارتش خود را از جزیره العرب فراخواند. فیصل بن ترکی بعد از رفتن مصریها فرصتی پیدا کرده از قاهره به نجد آمد و در ریاض به حکومت پرداخت و تا سال ۱۲۸۲ در

۱ - بعضی سال وفات خالد بن سعود بن عبدالله را - ۱۲۵۷ هـ. ق. و محل فوتش را مکه نوشته اند - الأعلام زرکلی ج ۳، ص ۳۳۷.

صفحه ۴۸

آنجا بود. اما بعد از مرگش باز جنگ خانگی آل سعود شروع شد و به جان هم افتادند. آل رشید فرصت پیدا کرده ریاض را متصرف شدند و شیخ کویت دست اندازیهای خود را به نجد آغاز کرد. ارتش عثمانی در سال ۱۲۸۸ هـ. ق. به کمک کویتهای استان شیعه نشین احساء و قطیف را تصرف کرده ضمیمه بصره کردند. محمد بن رشید شمري (۱) در سال ۱۳۰۶ هـ. ق. بر آل رشید غلبه کرده ریاض را از ایشان گرفت و ضمیمه حکومت حایل ساخت. همین امیر شمري در سال ۱۳۰۸ هـ. ق. ناحیه قصیم و عُنَیزه و بُرَیْدَه را بگشود و یکه تاز صحاري نجد شد.

بعد از فیصل پسرش عبدالرحمان برای استرداد ریاض با عشایر قصیم علیه ابن رشید متحد گشت و با او وارد جنگ شد. اما بسختی شکست خورد بطوری که دل از امارت برگرفته نجد را ترك گفت و رهسپار قطیف و احساء گردید. در احساء استاندار عثمانی به او پیشنهاد اطاعت کرد تا حکومت ریاض را بازیابد اما نپذیرفت و وارد کویت شد. شیخ کویت ابتدا به او اجازه اقامت در خاک خود را نداد و عبدالرحمان ناگزیر چندی در قطر بسر برد. ولی بعد از چندی با موافقت مقامات عثمانی به کویت بازگشت و ده سال در آنجا با عسرت بسر برد تا آن که پسرش عبدالعزيز ریاض را بگشود و او و سایر افراد

۱ - محمد بن عبدالله بن علي شَمَرِي امير حایل - در مغرب نجد - بزرگترین امراي آل رشید بود که از سال ۱۲۸۵ هـ.ق. بعد از قتل پنج نفر از برادرزادگان خود به امارت رسید و در صحاري شام و عراق و نواحي مدینه و نجد و یمامه و اطراف ین حکومت مي کرد. وفاتش به سال ۱۳۱۵ در حایل اتفاق افتاد. قلب جزیره العرب، ص ۳۳۴ - عقد الدرر - تألیف جمعه ابراهیم، ص ۹۹، دمشق، ۱۳۷۲ هـ.ق.

صفحه ۴۹

خانواده را به آن شهر برگرداند.

بازگشت آل سعود به نجد

عبدالعزيز بن عبدالرحمان در ایام جنگهای داخلی نجد و درگیریهای خونین پسران فیصل با یکدیگر، روز ۲۹ ذی حجه ۱۲۹۳/۱۸۸۰ در ریاض متولد شد، در پنج سالگی الفبا را یاد گرفت و قرآن می خواند و اجزائی از کتاب الهی را ازبر داشت، در هشت سالگی همراه با عمّش محمد بن فیصل و شیخ عبدالله بن عبداللطیف آل شیخ در مجلس مذاکره آشتی با محمد بن الرشید حضور داشت. در ده سالگی گرفتار مصائب زد و خوردهای خانوادگی شد و در یازده سالگی با والدین خود ناگزیر از ترك ریاض و کوچهای پیاپی در صحاري احساء و کویت و الربع الخالی گردید. او در این سفرهای پرخطر فنون جنگهای صحرائی و حکومت بر صحرائشینان را فراگرفت و در شعر و ادب عربی مهارت یافت. قسمت اعظم قرآن و احادیث نبوی را حفظ کرد و از امثال عربی و تاریخ و جغرافیای عربستان و وقایع و ایام قبایل و مفاخر و مثالب آنان و احوال رجال و سرداران صحرا اطلاع کافی به دست آورد. او بدویان را شناخت و خویها و توقعات و نیازهای ایشان را درک کرد و اخبار نجد و سرگذشت نیاکان خود را از پدر و سایر رجال سعودی شنید و از چگونگی مداخلات بیگانگان بخصوص ترکها و انگلیسها و آلمانیها در عربستان آگاهی کافی پیدا کرد. ضمناً از خاندان ابن عبدالوهاب

اخبار سیره و مغازی رسول الله و تاریخ اسلام و شرح مذاهب اسلامی را بیاموخت و در مدرسه اجتماع بدوی تجارب بسیار اندوخت ... و خلاصه آن که فردی شایسته برای حکومت در صحرا و کارشناسی مطلع از فرهنگ و سنن عربی بار آمد.

پدرش بعد از ترك ریاض ابتدا به یکی از قبایل عجمان پناه برد اما زندگی بین آن اعراب را برای خود و خانواده اش ناامن و پرخطر دید. پس به «الرَّيْعُ الحَالِی» رفته چند ماهی را بین قبیله بنی مُرّه گذراند. آن ماهها سخت ترین ایام زندگی عبدالعزیز بود. بنی مُرّه وحشی ترین و خونخوارترین اعراب صحرا بودند و شرایط بسیار دشوار زندگی در صحاری سوزان و بادهای سموم و گرسنگی و تشنگی و خوردن سوسمار و خرماي خشك و شیر شتر برای امیرزاده ای جوان چون او سخت و بلکه غیر قابل تحمل می نمود. مع ذلك همه این دشواریها را ناگزیر بر خود هموار کرد و راه و رسم مبارزه با فقر و گرسنگی و تشنگی را بخوبی فراگرفت.

خانه عبدالرحمن در کویت کوچک و نامناسب بود، افراد خانواده او فقط دو اطاق خواب و يك اطاق نشیمن و يك اطاق برای انبار و پخت و پز داشتند. لیکن در همین سرای كوچك حرفهای بزرگ زده می شد و رجال سیاسی عرب و اروپایی در آن رفت و آمد می کردند. ترکها می خواستند عبدالرحمان را به سوی خود بکشند. شیخ کویت که از روی کشته دو برادرش گذشته به امارت رسیده بود و آرزوی تسلط بر عربستان را در سر می پروراند. پیوسته حرکات و فعالیتهای

عبدالرحمان را زیر نظر داشت. روسها می کوشیدند از ضعف ایران و عثمانی استفاده کنند و بر راه دریایی هند مسلط شوند. آلمانیها با ترکان عثمانی ساخته، درصدد بودند راه آهن برلین را به کویت متصل سازند و بالأخره انگلیسیها که بیش از سه قرن در خلیج فارس سابقه داشتند و در بوشهر و سایر بنادر معتبر ایران نمایندگی

سیاسی و بازرگانی دایر کرده بودند - و دامنه نفوذشان از مشرق تا اقیانوس کبیر امتداد داشت - نقشه های دقیق برای عربستان طرح کرده، مراقب عبدالرحمان و عبدالعزيز بودند و آن پدر و پسر را می آزمودند.

عبدالعزيز همه این جریانات را می دید و مذاکراتی را که با پدرش می شد می شنید و در ذهن خود نقشه استمداد از بریتانیا را برای استرداد ملك موروث می پروراند. قبل از او شیخ مبارك از این راه رفته و کشتیها انگلیسی را برای حمایت خود به ساحل کویت کشیده بود. عبدالرحمان در ایام اقامت در کویت بخت خود را برای حمله به عشایر قحطانی و جنگ با آل رشید برای پس گرفتن ریاض از ایشان آزمود اما شکست خورد. شیخ مبارك هم يك بار به ریاض حمله برد لیکن در برابر حریف بسختی مغلوب گردید (۱۳۱۸ / ۱۹۰۰) مقدّر این بود که ریاض به دست عبدالعزيز فتح شود و سلطنت سعودی بار دیگر در نجد استقرار یابد.

بلعجی تاریخ

عبدالعزيز وقتی به مرز بیست سالگی نزدیک شد، تصمیم گرفت

صفحه ۵۲

خطر کند و به هر قیمت شده پایتخت خانوادگی را از آل رشید بازستاند. او در این وقت مثل پلنگ صحرا، چابک و زورمند و مغرور و به قدر کافی تجربه نظامی و سیاسی آموخته بود. دیگر تحمل زندگی محقر و جیره خواری شیخ کویت را نداشت. از این رو بعد از اندیشه بسیار، نقشه ای جسورانه برای فتح ریاض کشید و فکر خود را با پدرش و شیخ مبارك در میان نهاد. ابتدا هر دو مخالفت کردند و مخصوصاً شیخ مبارك که ضرب شست ابن رشید را چشیده بود، او را از این اقدام پرخطر برحذر داشت. اما عبدالعزيز آن قدر اصرار ورزید تا هر دو را موافق ساخت. شیخ کویت چند شتر و تعدادی سلاح و مقداری آرد و روغن و شکر و قهوه و خرما در اختیار او گذاشت و عبدالعزيز همراه نوزده تن از خویشان و دوستان از جمله برادرش محمد و پسرعموهایش عبدالله بن جلاوی و عبدالعزيز بن مساعد به سوی سرنوشت به راه افتاد. چند ماهی بین اعراب برای یافتن یاران کارآمد گردش کرد اما جز بیست جوان ماجراجوی قابل اعتماد کسی را نیافت. این جمع چهل نفری به سوی ریاض

عزیمت کردند و در زمستان سال ۱۳۱۹/۱۹۰۱، از بین عشایر احساء و نجد گذشته شبانه خود را به منزلی نزدیک آن شهر رساندند.

عبدالعزیز که تا آن ساعت نقشه استراتژیکی خود را بر یاران فاش نساخته بود به ده تن از ایشان امر کرد که در آن منزل بمانند و از شتران و بُنه و خوارباری که داشتند محافظت کنند. به ایشان گفت اگر تا بیست و چهار ساعت دیگر نیامدم شما به کویت برگردید. سپس با بیست و نه

صفحه ۵۳

نوجوان نخبه که شجاع ترین جنگاوران صحرا بودند شبگیر پیاده به سوی قلعه ریاض - که الْمُصْمَك نام دارد - به راه افتاد. این دسته همه مسلح به شمشیر بودند و بعضی طپانچه هم داشتند. حاکم ریاض از سوی ابن رشید عَجَلان نام داشت و او شبها را در قلعه می خوابید و صبح زود برای صرف صبحانه به خانه خود که دیوار به دیوار قلعه بود می رفت. عبدالعزیز و همراهان با تدبیری ماهرانه، ابتدا به خانه ای در جنب خانه عجلان وارد شدند و بعد آهسته از دیوار بالا رفته به خانه او رفتند. به دستور عبدالعزیز دو همسر عجلان که در آن خانه خفته بودند در اتاقی بازداشت شدند. یکی از آن دو از وابستگان آل سعود بود و اطلاعات سودمندی در اختیار سعودیان گذاشت.

عبدالعزیز و همراهان آن شب را به خواندن قرآن و نماز و خوردن قهوه و خرما گذراندند و نخواستند و سپیده دم شمشیرها را حمایل کرده و پشت دروازه مَصْمَك موضع گرفتند. وقتی عجلان دروازه قلعه را گشود که بیرون بیاید، ابن سعود و همراهانش را منتظر خود دید. او به شتاب برگشت که دروازه را ببندد اما سعودیان به او مجال ندادند و وارد قلعه شدند. در دالان قلعه جنگ خونینی درگرفت که به پیروزی ابن سعود منتهی شد و عجلان به قتل رسیده مصمک به تصرف عبدالعزیز درآمد. در این نبرد کسی از سعودیان کشته نشد اما هشتاد نفر محافظان قلعه که به سختی مقاومت کردند همه کشته شدند. بدین ترتیب شهر ریاض روز چهارشنبه چهارم شوال ۱۳۱۹ هـ. ق. برابر با دوازدهم ژانویه ۱۹۰۲ م. به تصرف عبدالعزیز بن عبدالرحمان درآمد.

اثر حربۀ ابن جلاوي پسر عم عبدالعزیز که به طرف عجلان پرتاب کرده و به خطا به دروازه خورده بود هنوز باقی است و نویسنده آن را دیده است.

نیم قرن کوشش و جدال

به موجب قانون صحراء حق یعنی زور. عبدالعزیز هم به همین حق، طی نیم قرن به زور شمشیر خود همه قدرتهای شبه جزیره عربستان را درهم کوبید و برای تحکیم مبانی سلطنت خویش از کشتار بی امان و دسته جمعی مخالفان خویش مضایقه نکرد. وقتی اهل ریاض خبر سقوط مَصْمَك و قتل عجلان و یارانش را شنیدند دسته دسته رو به عبدالعزیز آوردند. تمامی اموال و اسلحه و اسبان و شتران ابن رشید به دست ابن سعود افتاد و او در ریاض سلطنتی را بنیان نهاد که تاکنون که نود سال از آن می گذرد، محور سیاست شبه جزیره و عامل تعیین کننده در جهان عرب به شمار می رود.

شرح زندگی افسانه ای و کشورگشایی های ابن سعود در دوره پنجاه و یک ساله سلطنت او در صدها کتاب و مقاله در زندگی و بعد از مرگ او به رشته تحریر درآمده است و در این مقاله مجالی برای تفصیل آنها نیست. ذیلاً فهرستوار بعضی اقدامات بنیادی عبدالعزیز را - که چهره عربستان را دگرگون کرده است - به عرض خوانندگان می رساند:

۱ - استقرار پایتخت سعودی در ریاض که موجب آبادانی آن شهر و امنیت صحاری نجد شد.

۲ - بعد از غلبه بر ارتش عبدالعزیز بن رشید، (۱) امیر سفاک و قدرتمند حائل و صحاری نجد، در محل «دِلْم» سراسر نجد تسلیم وی شد. - ۱۳۲۲/۱۹۰۴ - ۳. - ارتش عثمانی را که به یاری ابن رشید آمده بود در محل

«شینانه» در هم شکست. - ۱۹۰۴م - ۴. - ابن رشید را در محلّ «روضه مُهتاء» شکست قطعی داد و او را به قتل رساند. - ۱۹۰۶/۱۳۲۴ - ۵. - اعراب کویّی را که به تحریک شیخ مبارک و عثمانیها به جنگ آمده بودند شکست داد. - ۱۹۰۶م - ۶. - ارتش عثمانی را شکست داد و از نجد بیرون راند. - ۱۹۰۶م - ۷. - در سال ۱۹۱۲/۱۳۳۰ برنامه اسکان اعراب صحراگرد و تأسیس واحدهای رزمی کشاورزی را در نجد و قصیم آغاز کرد و از راهزنان خونخوار مجاهدانی بالانضباط و معتقد به مذهب حنبلی وهابی به نام «اخوان» به وجود آورد که در «هِجَر» - جمع هِجرت - ساکن شده ضمن عمل کشاورزی احکام دین و فنون جنگ صحرائی را فرا می گرفتند و تا آخرین نفس در جنگها پایداری می کردند و عقیدت وهابی را در عربستان تبلیغ می نمودند. بسط قدرت عبدالعزيز (که به نام ابن سعود معروف شده است) و فتوحات او و رعب و هیبتی که از وهابیان در دهها

۱ - عبدالعزيز بن متعب بن عبدالله الرشید (ف ۱۳۲۴ هـ . ق.) بعد از عمّ خود محمد بن عبدالله به امارت حائل و نجد رسید. شرح احوال او به تفصیل در دایرة المعارف اسلامي و قلب جزيرة العرب / ۳۴۵ مندرج است.

صفحه ۵۶

افتاده بود همه نتیجه حملات شجاعانه اخوان بود. گارد ملی یا سپاه پاسداران سعودی که امروز حافظ امنیّت صحرا هستند و در همه جا حضور دارند بازمانده تشکیلات «هِجَر» و اخوان است.

۸ - استان احساء و قطیف و هُفوف و سراسر منطقه شرقی عربستان را از ترکان عثمانی گرفت و ضمیمه قلمرو خویش ساخت. - ۱۹۱۳/۱۳۳۱ - ۹. - دولت آل رشید را در حائل منقرض کرد و آن ناحیه و اراضی شمالی عربستان را به تصرف خود درآورد. - ۱۹۲۱/۱۳۳۹ - ۱۰. - در محلّ عقیر - در کنار خلیج فارس با «سرپرسی کوکس» کمیسر عالی انگلیس در عراق ملاقات و معاهده همکاری با انگلستان را امضاء کرد و به مسأله تحدید حدود نجد و عراق فیصله داد. این نخستین پیمان رسمی بود که ابن سعود با دولت انگلستان بست و شرح آن را امین ریحانی - نماینده کمپانیهای نفت آمریکایی - در کتاب ملوک العرب و در تاریخ نجد الحدیث شرح داده و خود او هم در این ملاقات حضور داشته است. (۱) ۱۹۲۲/۱۳۴۱ - ۱۱. - ابن سعود که مصمّم به تسخیر حجاز شده

بود در سال ۱۳۴۲/۱۹۲۳ شورایی از علمای وهّابی در ریاض تشکیل داد تا نظر خود را درباره حرمین و حکومت شریف حسین بیان کنند. این شورا به اتفاق آرا شریف حسین و دولت او را محکوم کردند و فتوا دادند که عبدالعزیز صالحترین فرد برای اداره امور حرمین است. این شورا

۱ - ملوک العرب، ج ۲، ص ۵۵ تا ۶۲.

صفحه ۵۷

رأیهایی که صادر کرد مقدمه حمله ابن سعود به حجاز و تصرف آن استان بود.

۱۲ - ابن سعود در سال ۱۳۴۳/۱۹۲۴ لشکر به حجاز برد و بعد از کشتارهایی بی رحمانه طایف و مدینه، ملک حسین شریف مکه را شکست داد و شهر مقدس مکه و مدینه و سایر بلاد حجاز را تصرف کرد. بعد از این پیروزی بود که خود را پادشاه نجد و حجاز خواند و دولت انگلیس نخستین دولتی بود که این سمت او را به رسمیت شناخت. ۱۳ - ابن سعود روز بیست و سوم جمادی الثانی ۱۳۴۴ / هشتم ژانویه ۱۹۲۶، از اهالی مکه بیعت خواست که به سمت «ملک حجاز و سلطان نجد و ملحقات» با او بیعت کنند. ۱۴ - در تاریخ بیستم رمضان ۱۳۴۸/۱۹۲۹ بر عرشه یک کشتی انگلیسی با فیصل اول، پادشاه عراق ملاقات نمود و این دو دشمن دیرین بیشتر اختلافات خود را حل کردند. ۱۵ - در تاریخ هفدهم جمادی الاولی سال ۱۳۵۱ / هجدهم دسامبر ۱۹۳۲ به موجب فرمانی نام کشور خود را «المملکة العربیة السعودیة» گذاشت و در شانزدهم محرم ۱۳۵۳ / ۱۱ مه ۱۹۳۳ پسرش سعود را ولیعهد خویش ساخت. (۱)

۱ - پرچم سعودی هم بعد از این درست شد که زمینه آن سبز است و روی آن نقش شمیر و کلمه شهادتین منقوش است. به امر ابن سعود به احترام شهادتین هرگز پرچم سعودی نیمه افراشته نمی شود.

۱۶ - بعد از فتح حجاز به فکر رهبري جهان اسلام و تشكيل وحدت اسلامي و وحدت عربي افتاد. همان خیالی که پیش از او در سر شریف حسین پیدا شده بود.

۱۷ - بعد از جنگهاي سختی در سال ۱۳۵۳ هـ. ق. با حسن ادریسی (۱) پادشاه تهامه و امام یحیی (۲) پادشاه یمن آشتی کرد و آن دو عملاً مطیع ابن سعود شدند. ۱۸ - بزرگترین خوشبختی ابن سعود پیدا شدن نفت در منطقه شرقی بود که امتیاز استخراج آن را به کمپانی آمریکایی استاندارد اویل و سپس شرکت «آرامکو» واگذار کرد. از سال ۱۹۳۹/۱۳۵۸ جریان نفت سعودی به کشورهای غربی آغاز شد و درآمد آن موجب آبادانی عربستان و ثروت بی کران سعودیان گردید. (۳) ۱۹ - در دو جنگ بزرگ جهانی به کمک انگلستان، موفق شده عربستان را بی طرف و امن نگاه دارد. ۲۰ - در تاریخ دوم ربیع الاول ۱۳۶۴ / ۱۵ فوریه ۱۹۴۵ در قیوم - مصر - با روزولت رئیس جمهور آمریکا (۴) ملاقات و مذاکره کرد. در

۱ - شرح احوال سادات ادریسی به تفصیل در کتاب ملوک العرب ریحانی از ص ۲۲۸ تا ص ۳۹۲، ج ۱، مسطور است. همچنین رجوع شود به صقر الجزيرة، ج ۳، ص ۴۵۳ به بعد. ۲ - برای شرح احوال امام یحیی به ملوک العرب ج ۱، ص ۷۶ تا ص ۲۲۴ رجوع شود. ۳ - تفصیل پیدا شدن نفت در منطقه شرقی عربستان و تاریخ امتیاز و شرکتهای نفتی که در کار استخراج آن هستند و درآمدهای آن در نشریه آرامکو Aramco مندرج است. ۴ - روزولت به یادگار این دیدار يك فروند هواپیما تقدیم ابن سعود کرد - صقر الجزيرة ج ۳، ص ۴۹۲.

همین سفر بود که با فاروق - پادشاه مصر - و شکری قوّتی رئیس جمهوری سوریه و نیز با وینستون چرچیل نخستوزیر و انتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان دیدار و گفتگو کرد. ۲۱ - قدرت و ثروت ابن سعود و موقعیت ممتاز او نزد دولتهای عربی و غربی سبب شد که شیوخ خلیج فارس از او حرف شنوی داشته باشند و به برتری او معترف گردند. ۲۲ - علی رغم دشمنی کهن خاندان سعودی با اعقاب محمد علی پاشا روابط سیاسی و فرهنگی نزدیک با ملک فاروق پادشاه مصر برقرار ساخت. ۲۳ - وفاداری خود را به غرب در تمام عمر خود حفظ کرد. هنوز اعقاب او از ثمرات این دوستی متقابل برخوردارند. ۲۴ - ابن سعود و چهار فرزندش - که یکی بعد از دیگری به سلطنت رسیده اند - از برقراری هرگونه رابطه با روسیه شوروی و اجازه تشکیل حزب و جمعیت سیاسی خودداری کرده اند. شاید یکی از عواملی که مانع پیشرفت افکار کمونیستی در عربستان شده است همین باشد.

۲۵ - علی رغم مخالفت علمای وهابی، از ویران کردن گنبد و روضه مطهره رسول الله (ص) خودداری کرد. البته دخالت دولتهای اسلامی - از جمله ایران - با وساطت آمریکا و انگلیس در این امر مؤثر بوده است. ۲۶ - تعمیر کعبه مشرفه و بازسازی مسجد الحرام و آب رسانی به

صفحه ۶۰

مکه و احداث طرق و شوارع و مدارس و بیمارستانها و توسعه عمران و آبادی ... امری است که سعودیان به آن افتخار می کنند. (۱) عبدالعزیز ابن سعود در تاریخ نهم نوامبر ۱۹۵۳ م/ ۱۳۷۳ هـ. ق. در طایف در عمر هشتاد سالگی درگذشت. جنازه اش را به حکم وصیت به ریاض برده در گورستان عمومی دفن کردند. نویسنده در ریاض آن گورستان را دید و مشاهده کرد که قبر ابن سعود فرقی با سایر قبرها نداشت و به جای مدفن شاهان قدیم سعودی و علمای وهابی که کهنه شده است مرده دفن کرده اند. روش زندگی ابن سعود تا پایان عمر بدوی و عربی و طبق سنن حنبلی وهابی بود. سادگی و بی تکلفی را با قساوت و مهابت در خود جمع داشت و از بخششهای سخاوتمدانه دریغ نمی کرد. شاعر و خطیبی فصیح و توانا بود و اوقات فراغت را با

۱ - عباس بن عبدالمطلب به خود می‌بالید که صاحب منصب سقایت حاجیان است و شیبه بن عثمان از این که خانه کعبه را تعمیر کرده، کلیددار و خادم بیت است افتخار می‌کرد. اما امیرالمؤمنین - ع - به آن دو فرمود من شش ماه پیش از هر دوی شما نماز گزاردم و در راه خدا جهاد می‌کنم. خدای این آیت را بر پیغمبر فرستاد: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» یعنی آب دادن حاجیان از زمزم و عمارت مسجد الحرام و کعبه را با آن کس که به خدای و روز رستاخیز ایمان آورده و نماز را برپای داشته و در راه خدای جهاد کرده است یکسان می‌دانید؟ نه. یکسان نیستند و خدای قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. - سوره توبه، آیه ۱۹ - واحدی در اسباب النزول، ص ۱۸۲، هند ۱۳۱۵ هـ. ق. - طبری در تفسیر جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۸ مصر ۱۳۲۳ هـ. ق. - فخر رازی در تفسیر کبیر ذیل آیه شریفه مذکور و سایر مفسرین سنی و قاطبه مفسرین شیعه این آیه را در شأن امیرالمؤمنین (ع) دانسته‌اند. مقصود این که خدمت حرمین شریفین و تعمیر آن بدون تقوی و عمل به احکام اسلامی ارزشی ندارد.

صفحه ۶۱

علما و اهل ادب و تاریخ می‌گذرانند. گرچه به ظاهر مهربان می‌نمود اما در عمل مستبد و خشن و بی‌گذشت بود و مأمورانش طیفی از رعب در همه جا پراکنده بودند؛ روشی که مطمئن‌ترین و قاطع‌ترین شیوه فرمانروایی در صحرا است. در سیاست خارجی به غرب متکی بود و در سیاست داخلی از پشتیبانی علمای وهابی و احساسات اسلامی مردم و رسوم عشایری استفاده می‌کرد. در کار رادیو و مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی شخصاً و بطور روزانه مراقبت داشت. روشی که تا امروز در عربستان ادامه دارد. با نوشتن قانون و تأسیس وزارت دادگستری و تشکیل پارلمان و محاکم عرفی مخالف بود و به جز فقه حنبلی هیچ قانونی نزد او ارزش نداشت. قبایل صحراگرد را به وسیله رؤسای آنها در اختیار داشت و اداره می‌کرد. تا امروز، در روزهای پنجشنبه اگر ملک در ریاض باشد ریش سفیدان و مشایخ عشایر را می‌پذیرد و به سخنانشان گوش داده، حاجاتشان را برمی‌آورد و به هر یک عطای فراخور اهمیت عشیره او می‌دهد. ابن سعود تا مدتی با بودجه نویسی مخالف بود و می‌گفت همه درآمدهای کشور ملک من است و کسی حق ندارد تصرفات مرا در این اموال محدود سازد. هیأت دولت در عهد ابن سعود و پسرانش آلت بلااراده‌ای برای اجرای اراده ملک‌اند و از برادران

و خویشاوندان ملك يا وابستگان ایشان انتخاب مي شوند. افسران و افراد ارتش و گارد ملّي نیز از عناصر مطمئن و معتقد به مذهب حنبلي وهابی هستند. هیچ غیر سعودي اعم از عرب و عجم در اراضي مکه و مدینه حق مالکیت ندارد و به هیچ غیرمسلمان

صفحه ۶۲

اجازه سکونت در عربستان نمی دهند(۱) و هیچ معبدی جز مسجد در کشور سعودي نیست. شیعیان که در احساء و قطیف و دمام و ظهران و خُبَر، و چند هزار نفر هم به نام نَحاوله در مدینه سکونت دارند در اقلیت و تحت فشارند. از عهد ابن سعود تاکنون تبلیغات وهابی در اطراف خلیج فارس و بحر عمان و در هندوستان (هند و پاکستان و بنگلادش) و مالزی و اندونزی و سری لانکا و مالدیو... و سایر مناطق سنی نشین شرق ادامه دارد و نتایج مهم سیاسی از آن برده می شود. اما سیاستهای ناسیونالیستی عربی اثری در ابن سعود نداشت و مذهب و موقعیت خود را بالاتر از این جهت گیریها می شمرد.

تداوم قدرت سعودي مرهون رسوم عربی صحرايي و پیوستگیهای عشیره اي و ولاء و خویشاوندیهای نسبی و سبی است. عبدالعزیز و سایر افراد خاندانش از طوایف نیرومند عرب زن می گیرند و از این راه طرفدار و هم عقیده بسیار پیدا می کنند. در ریاض به این جانب گفته شد که ابن سعود هنگام مرگ ۱۱۲ پسر و تعداد بی شماری دختر از زنان گوناگون باقی گذاشت. همه اعقاب عبدالرحمان بن فیصل - پدر عبدالعزیز - که تعدادشان به قرار مسموع به چهار هزار نفر می رسد از خزانه دولت مستمری کافی دریافت می دارند و برادرانی که

۱ - به عمر خبر رسید که رسول الله(ص) در بستر موت فرموده است: لا یَجْتَمِعَنَّ بحیرة العرب دینان. یعنی البته نباید در جزیره العرب دو دین وجود داشته باشد. وقتی صحّت این خبر بر عمر ثابت شد دستور داد - یهود " و نصاری " را از عربستان بیرون کنند - ابن هشام - السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۵۶، قاهره، ۱۳۶۴ هـ. ق.

از يك مادرند با هم متحد و حافظ منافع احوال خویش و قبیله مادر مي باشند.فرزندان ابن سعود

از سي و شش سال پيش كه عبدالعزيز بن سعود در گذشته تا امروز چهار پسرش، يكي بعد از ديگري به سلطنت عربستان رسيده اند. چنان كه گذشت ابن سعود پسرش سعود را با تصويب شوراي علماي وهابی به وليعهدي اول و پسر ديگرش فيصل را به وليعهدي دوم و وزارت خارجه تعيين كرد. وقتی سعود به سلطنت رسيد فيصل را وليعهد اول و برادرش خالد را وليعهد دوم اعلام كرد. فيصل بعد از چندي پس از جلب نظر شوراي روحانيت برادر را از سلطنت خلع نمود و خود زمام امور را به دست گرفت. (۱۱ آبان ۱۳۴۶ هـ. ش) او برادرش خالد را وليعهد اول و نایب نخستوزیر و برادر دیگرش عبدالله را وليعهد دوم تعیین کرد و سمت نخستوزیری و وزارت خارجه را خود برعهده گرفت. او مردی دوراندیش و با هوش و حوصله بود. در دوران سلطنت او عربستان رو به رشد نهاد. و با همه دولتها روابط دوستانه را حفظ کرد. در دوران وزارت شيخ احمد زكي يانی وزير نفت سعودي و مبتكر سازمان دولتهاي صادر كننده نفت (اوپك OPEC) ثروت عربستان بيش از حد انتظار زياد شد. با آمريكا و انگليس هر دو صميميت داشت. براي امنيت كشور و رفاه حال حجاج بيت الله گامهاي نسبتاً خوبی برداشت و نسبت به شييعان و ساير مسلمانان غير وهابی

رفتاري مسالمت آميز داشت. براي پيشرفت تمدن و صنعت و فرهنگ كوشش بسيار كرد و امن و رفاه را تا دورترين نقاط صحرا امتداد داد... مع ذلك سرانجام دستخوش توطئه و مطامع آل سعود گرديد و برادرزاده اش او را به قتل رسانيد (۱۳۹۵/۱۹۷۵) بعد از فيصل برادرش خالد كه مردی آرام و كم حرف بود به سلطنت نشست ولی او بیمار و ضعیف بود و بعد از هفت سال بدون این که خدمت مهمی به کشور خود کرده باشد درگذشت (۱۳۶۲ هـ. ش). بعد از خالد برادرش فهد پادشاه شد. طبق وصیت ابن سعود پسرانش به ترتیب سن، به شاهي مي رسند. وي برادرش عبدالله را وليعهد اول و برادر ديگرش سلطان را وليعهد دوم و وزير دفاع و هواپيماي و

برادرزاده اش سعود بن فیصل را وزیر خارجه تعیین کرده است. اما سمت ریاست دولت را خود عهده دار است. او تنها پادشاه سعودی است که زبان انگلیسی را به طلاق تکلّم می‌کند. طبق سنت سعودی روابط محکمی با آمریکا و انگلیس دارد. مردی کارآمد و سختگیر است اما روش اعتدالی و بی طرفی را به عکس اسلاف خود رعایت نمی‌کند و علناً به تعصب قومی عربی پیوسته است. برای تشکیل شورای همکاری شیوخ خلیج فارس و برای تأسیس اتحاد نظامی ایشان (سپر جزیره) و تقویت اتحادیه عرب پیشقدمی نشان می‌دهد و از بذل دلارهای نفتی در این راه مضایقه ندارد. همین روش ناصواب است که منتهی به مسلح شدن شیوخ و ناامنی خلیج فارس و ناامنی منطقه شده و پای آمریکا و سایر دولتها را به خلیج فارس باز

صفحه ۶۵

کرده است. با کینه‌ورزی و سوء سیاست، شیعیان احساء و قطیف را به قیام مسلحانه واداشته است. برخلاف پیشینیان خود آداب شرعی را ولو به ظاهر رعایت نمی‌کند. ثروت سرشار ملت خود را در راه حفظ نظامهای فاسد عربی صرف می‌کند... و گناه نابخشودنی او کمکهایی بی حساب به رژیم آتش افروز عراق در جنگ تحمیلی هشت ساله با ایران است که منجر به شهادت و معلول شدن و مفقود شدن صدها هزار جوان بی گناه و ویرانی قسمت عظیمی از کشور ما شد. گناه زشت دیگر رژیم او برهم زدن امنیت حج و هتک حرمت حریم کعبه و کشتار حاجیان ایرانی و غیرایرانی در موسم ۱۴۰۷ هـ. ق. و بعد منع حاجیان کشور، از ادای فریضه حج است، «و من أظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها». (۱)

۱ - سوره بقره، آیه ۱۱۴ - یعنی چه کسی ظالمتر است از آن که مردم را از بردن نام خدای در مساجد او بازداشته و در ویرانی آن کوشیده است.

صفحه ۶۶

نژادنامه خاندان سعودی

سعود بن محمد بن مقرن

محمد

عبدالعزیز عبدالله

سعود ترکی

عبدالله مشاری فیصلعبداللهجلدی

عبدالله سعود عبدالرحمن محمد

عبدالعزیز " ابن سعود "

سعود فیصل سلطان خالد فهد

" ملک سعود " " ملک فیصل " " ملک خالد " " ملک فهد "

صفحه ۶۷

فصل سوم

ساختار سیاسی عربستان سعودی

ارکان حاکمیت در عربستان

نوع حکومت عربستان سلطنتی مطلقه و استبدادی و قدرت در شخص پادشاه متمرکز است. در این کشور قانون اساسی وجود ندارد و حاکمان ادعا می‌کنند که شریعت اسلامی قانون اساسی ماست. قوای سه‌گانه حکومتی در کشور شکل نگرفته و مصوبات هیأت وزیران که به ریاست شاه (که خود عهده دار مقام نخست وزیری هم هست) تشکیل می‌شود، به عنوان قانون مورد عمل قرار می‌گیرد. اخیراً حکومت، طرح ایجاد يك شوراي مشورتي را اعلام نموده است.

۱ - مجلس خانوادگی شیوخ

یکی از کانون‌های سلطه در کشور، مجلس خانوادگی شیوخ است. این مجلس در مسائل کلی حاکمیت، از جمله: ترسیم خطوط کلی سیاست داخلی و خارجی نقش دارد. اعضای این شورا از ثروتمندان و متنفذان قبایل و وابستگان آل سعود هستند. گرچه نمی‌توان از لحاظ

سلسله مراتب این شورا را بالاتر از قدرت شاه دانست ولی در حقیقت این شورا رابطه معکوس با قدرت پادشاه دارد، یعنی هرچه قدرت پادشاه بیشتر باشد مجلس بیشتر جنبه مشورتی و تشریفاتی پیدا می‌کند و هرگاه پادشاه

ضعیف باشد شورا نقش قوی تري ایفا می کند، به عنوان مثال در سال ۱۹۶۵ در جریان عزل ملك سعود تحت عنوان عدم لیاقت و نصب ملك فیصل به عنوان شاه کشور، مجلس شیوخ نقش قدرتمندانه ای داشت، ولی در اغلب موارد نقش شورا تشریفاتی بوده است.

۲ - پادشاه

قدرت حکومتی در نظامهای سلطنتی اصولاً در شخص شاه متمرکز است که شدت و ضعف آن بستگی به توان فردی او دارد. شاه در کشور عربستان به عنوان رئیس هیأت وزیران نیز می باشد و هیأت وزیران پس از شاه عالی ترین رتبه حکومتی را تشکیل می دهند. اداره هیأت وزیران در غیاب شاه به عهده ولیعهد و تحت عنوان نایب اول نخست وزیر و پس از او به عهده نایب دوم نخست وزیر است.

در حال حاضر دو برادر شاه، عبدالله و سلطان به ترتیب عهده دار نیابت اول و دوم هستند. در سیستم پادشاهی عربستان حکومت پس از مرگ شاه به برادر بعدی وی می رسد. گفته می شود اخیراً شاه فهد کوشش هایی را به منظور موروثی کردن حکومت برای فرزندان خود شروع نموده است.

صفحه ۷۱

۳ - هیأت وزیران

اعضای هیأت وزیران از سه دسته تشکیل یافته اند:

الف - گروه شاهزادگان؛ که وزارتخانه های دفاع، امور خارجه، کشور و ارگانهای حساس حکومتی را در اختیار دارند.

ب - گروه تکنوکراتها؛ که در امور تخصصی صاحب نظر هستند.

ج - گروه مذهبی؛ که تصدی وزارتخانه های فرهنگی و آموزشی را بطور سنتی و قراردادی به عهده دارند، این گروه عمدتاً از اخلاف عبدالوهاب بنیانگذار مذهب وهابیت و از خانواده او هستند. همانگونه که گفته شد قوه

قضائیه به صورت واقعی در کشور شکل نگرفته و وزیر دادگستری که عضوی از کابینه و زیر نظر پادشاه انجام وظیفه می‌کند امور قضایی کشور را اداره می‌کند.

۴- امرای مناطق

امرای مناطق چهارده گانه (استانها) همه از خانواده سلطنتی هستند و وظایف استانداران را به عهده دارند و عهده دار حفظ و نگهداری سلطه کلی حکومت و سلسله آل سعود در مناطق و استانها هستند.

عربستان تا سال ۱۴۱۲ هـ. ق. فاقد قانون اساسی بود و حکام عربستان سعودی ظاهراً بر پایه دستورات قرآن و سنت حکم صادر می‌کردند، تا این که پس از سی سال و اندی انتظار در سال ۱۴۱۲ هـ. ق. ملک فهد قانون اساسی و قوانین مجلس شورا و مناطق ایالتی را به تصویب رسانید.

صفحه ۷۲

قوانین سه گانه عربستان سعودی در تاریخ ۱۴۱۲/۸/۲۷ هـ. ق. به تصویب رسید. این قانون دربرگیرنده ۸۳ اصل است. در بند اول آن چنین آمده است:

«مملکت عربستان سعودی دولتی عربی، اسلامی و دارای استقلال کامل است و دین آن اسلام و قانون اساسیش کتاب الله و سنت پیامبر و زبان رسمی آن عربی و پایتختش ریاض است»، و در اصل پنجم:

«سیستم حکومتی در مملکت عربستان سعودی، پادشاهی است و حکومت در فرزندان پادشاه بنیانگذار عبدالعزیز عبدالرحمن فیصل آل سعود و فرزندانش موروثی است و با صالحین آنان برای حکومت بر مبنای کتاب الله و سنت پیامبر بیعت می‌شود.»

بر طبق اصل ۲۴ قانون اساسی:

«قوای دولت بر سه قوه استوار است: قوه قضائیه، قوه اجرایی و قوه قانونگذاری. این سه قوه در انجام وظایف خود بر مبنای این قانون و دیگر قوانین، هماهنگی به عمل می‌آورند و پادشاه مرجع تمام این قوا می‌باشد.»

قانون مجلس شورا

این قانون دربرگیرنده ۳۰ اصل است که به دو اصل آن اشاره می‌کنیم:

«مجلس شورا از يك رئيس و شصت عضو که پادشاه آنان را از

صفحه ۷۳

میان اهل علم و تجربه برمی‌گزینند، تشکیل می‌گردد و تمام حقوق اعضا و وظایف آنان در تمام زمینه‌ها به دستور پادشاه تعیین می‌شود» و اصل ۱۰: «رئیس مجلس شورا و معاون و دبیر کل مجلس و برکناری آن به دستور پادشاه انجام می‌پذیرد و حقوق و وظایف آنان توسط فرمان پادشاهی تعیین می‌شود.»

مجلس در عربستان

اولین مجلس در دوران حکومت خاندان آل سعود به زمان عبدالعزیز باز می‌گردد. در سال ۱۹۲۶ م. / ۱۳۴۵ هـ. ق. عبدالعزیز برای استقرار پایه‌های حکومتی خود اقدام به مطرح کردن مجلسی از سران قبایل و شخصیت‌های مهم عربستان نمود. البته این مجلس بعداً به حال تعلیق درآمد. در زمان ولیعهدی فهد، وی قول تشکیل یک کمیسیون ۹ نفره را برای بررسی طرح تشکیل مجلس نمایندگان داد. اما مجلسی در عربستان تشکیل نشد. تنها مجلسی که در حال حاضر در عربستان قرار دارد مجلس خانوادگی شیوخ است که از ثروتمندان قبایل تشکیل شده است و آنها حق دخالت در امور سیاسی و اقتصادی را ندارند. این مجلس در عزل ملک سعود و جایگزینی فیصل نقش مهمی را ایفا نمود.

تشکیلات حکومتی

کشور پادشاهی عربستان دارای حکومت پادشاهی مطلقه است. بنابر قانون اساسی جدید پادشاه ولیعهد را از میان فرزندان یا نوادگان

عبدالعزيز انتخاب مي نمايد. شاه علاوه بر داشتن قدرت پادشاهي مقام نخست وزيري را نيز به عهده دارد. هيأت دولت با ۴۵ عضو فقط جنبه مشورتي دارد. در حال حاضر پادشاهي به عهده فهد بن عبدالعزيز السعود مي باشد که در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۲م. به اين مقام دست يافت. وليعهد اول عبدالله بن عبدالعزيز است.

قوه مجريه

در کشور عربستان شاه رياست قوه مجريه و متصدي پست نخست وزيري مي باشد.

قوه مقننه

در عربستان مجلس شورا از يك رئيس و شصت عضو که پادشاه آنان را از ميان اهل علم و تجربه برمي گزيند، تشکيل مي گردد و تمام حقوق اعضا و وظائف آنان در تمام زمينه ها به دستور پادشاه تعيين مي شود. تعيين رئيس مجلس شورا و معاون و دير کل مجلس و برکناري آنان به دستور شخص شاه انجام مي گيرد و حقوق و وظائف آنان توسط فرمان پادشاهي تعيين مي شود. مجلس به مدت چهار سال هجري تشکيل جلسه خواهد داد. اگر چنانچه بين تصميمات مجلس شورا و رئيس مجلس و وزرا اتفاق نظر انجام نگرفت، تصميم گيرنده نهايي پادشاه خواهد بود. (۱)

۱- اصل ۳، ۱۰، ۱۳ و ۱۷ قانون مجلس شورا.

در کشور سلطنتی عربستان سیستم قضایی وابسته به خانواده سلطنتی و خانواده آل شیخ می باشد و چهار مرجع قضایی دارند که عبارتند از: دیوان عالی، دادگاه عالی، دادگاه محلی و دادگاه ویژه.

الف - دیوان عالی " مجلس القضاء الاعلی " :

تعداد اعضای این دیوان یازده نفر می باشد که پنج نفر آن دائمی و بقیه به عنوان قاضی موقت مشغول انجام وظیفه هستند. انتصاب قضات زیر نظر شخص شاه و ارشد آنها رئیس می باشد. تمام دادگاههای کشور زیر نظر دیوان عالی هستند. اختیارات آنها موارد زیر را دربرمی گیرد:

۱ - تهیه گزارش برای وزیر دادگستری جهت امور مذهبی.

۲ - بررسی مسائلی که از طرف شاه منتقل شده است.

۳ - ارائه پیشنهاد در مورد امور قضایی بعد از درخواست از طرف وزیر امور دادگستری.

۴ - تجدید نظر در مورد مجازات اعدام، بریدن دست.

در دیوان عالی رأی اکثریت قابل اجرا است، اما اگر جلسه به منظور تجدید نظر در مورد مسأله ای باشد چنانکه يك تن از اعضا حاضر نباشد، وزیر دادگستری یکی از اعضای موقت دادگاه مذکور را به عنوان عضو دائمی معرفی می نماید که امکان دارد این فرد یا رئیس محکمه تمیز " دادگاه عالی " یا معاون او - یکی از وکلای وزارت

دادگستری یا یکی از رؤسای محکمه العامه در مکه، مدینه، ریاض، جدّه باشند. بجز جلسه فوق، جلسه ای که جهت رسیدگی به مسائلی که از طرف وزیر دادگستری به دیوان عالی ارجاع شده است شرکت و حضور کلیه اعضا لازم است و در صورتی که عضوی در جلسه حاضر نباشد وزیر دادگستری يك نفر از محکمه تمیز را به عنوان عضو این دادگاه منصوب می نماید. تصمیم دیوان عالی به عنوان رأی نهایی تلقی می شود و حکم صادره جهت اجرا به دایره مربوط ارسال می شود.

ب - دادگاه عالی " محکمه التميز " :

مسائل مورد بررسی این دادگاه، مسائل گوناگونی از قبیل جنایی و شخصی می باشد. بدین صورت که بعد از تصمیم گیری نهایی در دادگاه محلی، در صورتی که متهم نسبت به حکم صادره اعتراضی داشته باشد پرونده به دادگاه عالی ارجاع داده می شود و در آنجا مجدداً بررسی می گردد. اگر حکم صادره درست تشخیص داده شود، همان نظر اولیه تأیید و در غیر این صورت دادگاه عالی جهت بررسی مجدد و صدور حکم دیگر به دادگاه محلی برمی گردانند. در زمانی که جهت بررسی پرونده اعضای دادگاه عالی تشکیل جلسه می دهند، هیچیک از طرفین دعوا یا وکیل آنها نمی توانند در جلسه دادگاه حاضر باشند. در صورتی که به حکم صادره توسط دادگاه عالی نیز اعتراض شود، پرونده به دیوان عالی ارجاع داده می شود و آن دیوان موظف است که ظرف یکماه پرونده را بررسی و حکم قطعی را صادر نماید.

صفحه ۷۷

ج - دادگاه محلی:

در این دادگاه معمولاً فقط يك قاضي انجام وظیفه می نماید که آن هم از طرف وزیر امور دادگستری معرفی می شود. فقط در صورتی که رسیدگی به پرونده ای که منجر به رجم، بریدن دست و اعدام باشد، تعداد قضات آن به سه نفر افزایش خواهد یافت که آن هم با هماهنگی وزیر امور دادگستری با دیوان عالی می باشد.

کیفیت کار در این دادگاه: قاضي مطالب را نزد خود جمع آوری می نماید و در صورتی که جرم جنایی باشد، پلیس به منظور بررسی حقایق اقدام سریع بعمل می آورد و اگر نیازی به بررسی نباشد مراتب به دادگاه ارجاع می گردد. پس از صحت ادعای مدعی، مدعی علیه طی نامه کتبی احضار می گردد. احضار این فرد توسط پلیس پیگیری می شود که در شهرهای کوچک و روستاها توسط کلانتری انجام می شود و در شهرهای بزرگ توسط رئیس اداره پلیس. در صورت عدم حضور مدعی یا مدعی علیه در دادگاه، جلسه تعطیل و بعد از سه روز مجدداً تشکیل می گردد. اگر چنانچه باز هم در این جلسه یکی از طرفین شرکت نکرد و فعالیت اداره امنیت عمومی و پلیس هم جهت احضار آنان به نتیجه ای نرسید، دادگاه مذکور پس از بررسی دعوی به طور يك جانبه تصمیم

گيري مي کند. اما اين تصميم گيري تا وقتي که از طرف محکمة التميز " دادگاه عالی " تأييد نشود، قابل اجرا نمي باشد. اگر مدعي عليه قبل از انقضاي مهلت دوم در دادگاه حاضر شود مي تواند از حق خود دفاع نمايد.

صفحه ۷۸

د - دادگاه ویژه " محکمة الجوزيه " : اين دادگاه از طرف وزير دادگستري و تحت نظر پادشاه مي باشد و جهت رسيدگي به امور ویژه تشكيل مي شود. يك قاضي دارد و کيفيت کار مثل دادگاههاي محلي است.

هـ - دادگاه خاص " المحکمة الخاصة للأحوال الشخصية " :

اين دادگاه مرجع رسيدگي به شکايات کسانی است که از پادشاه، استانداران، پليس يا دادگاه شکايت کرده اند مي باشد. بر طبق قانون سال ۱۹۷۵ قوه قضائيه عربستان، بررسي حق شاکیان دعاوي توسط دادگاههاي علنی، مستقل و بيطرف تضمين شده، اما در عمل اين قوه عربستان فاقد هر نوع استقلال و کاملاً در اختيار شخص شاه است. قضاات دادگاههاي عربستان و وزير دادگستري توسط شاه عزل و نصب مي شوند.

نفوذ خانواده سلطنتی در نظام قضايی در حد اعلي مي باشد و در اين زمان انتظار هيچگونه بيطرفی در نتیجه دادگاه را نمي توان داشت. در اين کشور اشخاص صاحب نفوذ و اعضاي خانواده سلطنتی مي توانند قانون را به نفع خود مورد استفاده قرار دهند و شکايت کردن از آنان به مراجع قضايی تقريباً ناممکن است.

مسأله مهم درباره قوه قضائيه عربستان اعمال نابرابر قانون در مورد بيگانگان و اتباع کشور است و اشکال وارده ديگر فقدان نظام حقوق مدوّن و شرح حق و حقوق شهروندان است که اين امر به دولت

صفحه ۷۹

اجازه می دهد طبق خواست خود بطور آزادانه هر عملی را که بخواهند غیر قانونی اعلام می کنند.

تقسیمات کشوری و اداری

پایتخت عربستان ریاض است، به جز ریاض شهرهای مکه مکرمه، جده، دمام و طائف دارای اهمیت خاصی هستند.

ریاض؛ این شهر پایتخت سیاسی عربستان می باشد و علت انتخاب آن هم، موقعیت استراتژیکی اش که نزدیک منطقه شرقیه و خلیج فارس می باشد. و مسأله دیگر این که عبدالعزیز مؤسس سلطنت آل سعود، پایه حکومت خود را در این شهر بنا نهاد.

مکه مکرمه؛ مکه در واقع پایتخت مذهبی عربستان است. اهمیت این شهر به علت وجود اماکن مقدسه است که از همه لحاظ به نفع دولت سعودی می باشد.

جده؛ بندر جده در ساحل دریای احمر واقع شده است و از نظر تجاری و بازرگانی دارای اهمیت بسیار زیادی برای عربستان می باشد. تعدادی از پایگاههای مهم نظامی و دریایی عربستان در این بندر قرار دارد. این شهر محل ورود زائران خانه خدا می باشد. در حال حاضر جده به عنوان یک بندر آزاد بازرگانی قلمداد و از مدرنترین شهرهای عربستان محسوب می شود. آل سعود سرمایه گذارهایی فراوانی جهت عمران و آبادی این شهر نمودند و فرودگاه بین المللی ملک عبدالعزیز در این شهر واقع است.

صفحه ۸۰

طائف؛ این شهر به علت دارا بودن آب و هوای خنک و در تابستان پایتخت بیلاقی سعودیها می باشد. بیشتر امرای این خاندان در طائف دارای کاخ می باشند.

از دیگر شهرهای مهم عربستان باید از مدینه که مدفن حضرت رسول و قبور پنج تن از معصومین - سلام الله علیهم - نام برد. طهران، دمام، ابها، جبیل، قصیم، جیزان و نجران از شهرهای مهم دیگر عربستان هستند.

اوضاع سياسي داخلي

اساس پادشاهي و ثروت ناشي از نفت، چهره قدرت را در شبه جزيره رقم زده است. مركز اقتصادي و سياسي از حجاز كه دربرگيرنده شهرهاي مقدس اسلامي و جده مهمترين قطب اقتصادي است در اثر توجه و تلاش عبدالعزيز - بنيانگذار حكومت آل سعود - به رياض منتقل گرديده و از اهميت سياسي حجاز كاسته شده است.

حكومت در عربستان به شدت متمرکز و تمامی تصمیمات مهم سياسي، مالی و اقتصادي در رياض اتخاذ مي گردد و دولت توجه خاصي به مركز كشور دارد. اين توجه به دليل وجود منابع با امكانات اقتصادي نيست؛ بلكه صرفاً از جهت اين است كه منطقه نجد خاستگاه سعودياني بوده است.

منطقه شرقيه از مناطق پر اهميت كشور است كه عمده منابع نفت و تأسيسات مربوط به آن در اين منطقه واقع است. اين منطقه كه محل

صفحه ۸۱

زندگي اقليت شيعه كشور نيز هست، پس از چند گاهي شاهد برخوردهاي مردم با مأموران حكومتي بوده است. قدرت اجرايي مؤثر در كشور در دست هيأت وزيران است ولي علي رغم وجود وزيران و ساير مظاهر بوروكراسي، عربستان كشوري با حكومت مطلقه سلطنتي باقي مانده است. وزيران در مقابل شاه مسؤول هستند و شاه قادر است تا سي روز پس از تصميم هيأت وزيران تصميمات آنها را وتو كند.

در عربستان فعاليت احزاب ممنوع و با هر گونه حركت سياسي به شدت برخورد مي شود. هيچ گونه انتخاباتي در كشور وجود نداشته و كلييه مطبوعات تحت نظارت شديد دولت قرار دارند.

يكي از اهداف حكومت ساختن يك ملت، يك مليت و به عبارتي سعودي كردن مردم است. جاگزيني كارگران سعودي با خارجيها، يكي از اين قدمهاست.

حوادثی چون اشغال کعبه در سال ۱۹۷۹ و کشتار اشغال کنندگان، کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) و نیز سوء مدیریت عربستان در حج سال ۱۹۹۰ که باعث خفه شدن هزاران حاجی در تونلهای مکه شد موقعیت این کشور را در توانایی اداره حرمین شریفین زیر سؤال برده و حکومت را در موضع تدافعی قرار داده است. علاوه بر این ترویج و هواداری صریح حکومت از مسلک وهابی نه تنها مردم مسلمان شیعه بلکه دیگر سنی مذهبان را نیز تحت فشار قرار داده و در نتیجه مخالف ساخته است.

صفحه ۸۲

تحركات مخالفان سياسي

ثروت ناشی از نفت توقع مردم را در بهبود شرایط اجتماعی بالا برده و مسائلی مانند دعوت عربستان از غریبان (بخصوص آمریکا) جهت دفاع از کشور در مقابل عراق، اعتراضاتی را در کشور برانگیخته است که از مهمترین این مخالفتها می توان از نامه های اعتراضیه علمای عربستان خطاب به سردمداران حکومت نام برد. در این نامه ها حکومت عربستان به نادیده گرفتن مسائل اسلامی، پنهان نگهداشتن زد و بندهای سیاسی خارجی، عدم آزادی بیان، آوردن مسیحیان و غیر مسلمانان به کشور برای حمله به يك کشور اسلامی (عراق)، برخورد نامناسب دولت با علمای مخالف حکومت، اعتراض شده است. این نامه ها انعکاس بسیار وسیعی در کشور داشته و از آن جهت که هیأت حاکمه خود را متشرع و اسلامی می داند مخالفت علمای دین برای حکومت بسیار گران تمام شده است. نوع دیگری از اعتراضات مانند اعتراضات زنان به مقرراتی که رانندگی را برای آنها ممنوع می داند، حرکات جدیدی هستند که پس از آمدن نیروهای غربی به عربستان در این کشور رخ داده اند که قبلاً انجام آنها ناممکن می نمود.

برنامه اصلاحات سياسي

در پی بالا رفتن توقعات مردم و توصیه کشورهای غربی مبنی بر دموکراتیزه کردن کشور، شاه فهد اخیراً طرح اصلاحات سیاسی و تغییرات را در قوانین کشور ارائه داده است. در این طرح يك شورای

مشورتي حكومتی و يك قانون اساسي براي کشور پيش بينی شده است. علاوه بر آن يك نظام و تشکيلات جديد بر دستگاهاي اجرايی کشور سايه خواهد افکند.

مجلس وعده داده شده، حدود پنجاه تا هفتاد نفر عضو خواهد داشت که اعضاي آن هر چهار سال (هجري) يك بار انتخاب مي شوند. سي تن از اعضا توسط پادشاه انتخاب مي شوند.

قانون اساسي پيشنهادي در اين زمينه ها نظر خواهد داد:

۱ - سيستم حكومتی

۲ - آينده خاندان سعودي

۳ - اصول اقتصادي

۴ - حقوق و وظائف حكومت

۵ - نحوه اداره دولت

۶ - امور مالی و اقتصادي

در اين قانون در خصوص نحوه جانشینی شاه گفته شده است که تعيين وليعهد و جانشين از طرف شاه صورت مي گيرد با اين شرط که ديگر پسران عبدالعزيز با آن مخالفت نکنند. گذاشتن شرط اخير سؤالات بسياري را ايجاد کرده و بنظر مي رسد با اين ابهامات، رسيدن امير عبدالله بن عبدالعزيز وليعهد فعلي به قدرت در هاله اي از ترديد قرار گيرد.

تقسيمات کشوري

کشور عربستان به سیزده استان تقسیم شده است که در رأس هر

صفحه ۸۴

استان یکی از خانواده سلطنتی سعودی بنام «امیر» قرار گرفته است. این امیر از اختیارات تام برخوردار است. در زیر نام سیزده امیرنشین (استان) عربستان سعودی می آید:

۱ - شرقیه ۲ - ریاض ۳ - حائل ۴ - قصیم ۵ - تبوک ۶ - مدینه منوره ۷ - مکه مکرمه ۸ - باحه ۹ - عسیر ۱۰ - نجران ۱۱ - جوف ۱۲ - جیزان ۱۳ - الحدود الشمالی.

احزاب قانونی و غیر قانونی

در عربستان هیچ حزب سیاسی حق فعالیت ندارد. لیکن احزاب سیاسی علی رغم ممنوعیت رسمی بطور زیرزمینی به فعالیت مشغول هستند. این احزاب و گروهها بدین شرح می باشند:

۱ - اخوان المسلمین؛ این گروه منشعب از اخوان المسلمین مصر است و بطور کلی مخالف حکومت آل سعود می باشد. سابقه تشکیل این گروه به اوایل قرن بیستم میلادی باز می گردد و در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری جنبش به عهده «عتبی» قرار گرفت. این شخص ۱۸ سال در ارتش کار نمود و تحصیلات خود را در دانشگاه مدینه به پایان رسانید. افکار و عقاید اسلامی داشته و اندیشه قیامی تازه را در سر می پروراند.

۲ - سازمان اتحاد اسلامی دانشجویان؛

۳ - مجتمع کارگران اسلامی آرامکو؛

۴ - سازمان گروه اسلامی زنان؛

صفحه ۸۵

۵ - حزب دمکرات عربستان؛ تأسیس به سال ۱۹۷۰، تشکیل شده از ناسیونالیستها و بعثیها و دارای خط مشی مارکسیستی - لنینیستی؛

۶ - حزب بعث طرفدار عراق؛

۷ - حزب بعث طرفدار سوریه؛

۸ - جبهه آزادیبخش ملی "کمونیستی"؛ تأسیس در سال ۱۹۶۹؛

۹ - حزب دمکراتیک خلق؛ "این حزب از ادغام دو گروه تندرو ناسیونالیستها و بعثیها تشکیل شده است که خواهان گسترش مبارزات مسلحانه می باشد."

۱۰ - حزب کمونیست؛

۱۱ - اتحاد خلق جزیره العرب؛ این حزب در اواخر سال ۱۹۶۰م. تأسیس گردید. از بنیانگذاران آن ناصرالسعید است که از آگاهان سیاسی و نویسندگان خاورمیانه محسوب می شود. افکار این حزب در ارتش و قبیله شمر نفوذ دارد و دارای خط مشی ناسیونالیستی است؛

۱۲ - جامعه جزیره العرب؛ اعضای این حزب بیشتر در خارج از کشور فعالیت دارند، این جامعه در سال ۱۹۷۲م. اولین کنگره اش را در خارج از کشور تشکیل داد و در پایان این کنگره از عربستان به عنوان جزیره العرب نام برد و به شدت به پادشاهی عربستان حمله کرد.

۱۳ - سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان؛ اعضای این سازمان پیش از اعلام رسمی پراکنده فعالیتهایی داشتند و لیکن از سال ۱۹۷۵ بعد از قیامهای منطقه شرقیه و قیام مکه به طور رسمی اعلام موجودیت نمودند. سازمان مذکور از آغاز بر هدف آموزش و نشر فرهنگ اصیل

انقلاب اسلامی تکیه نموده و بیشتر اعضای آن را شیعه تشکیل می‌دهد؛ ولی اهل تسنن را نیز در خود جای داده است. این سازمان معتقد است که دو خطر یکی غرب زدگی توسط آمریکاییها و دیگری فرهنگ ارتجاعی توسط عمال مذهبی برای مردم وجود دارد. سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان تلاش خود را برای رشد فرهنگ مردم و ارتقای آگاهی آنها مصروف داشته و به آرمانهای انقلاب اسلامی ایران معتقد است و علیه استکبار جهانی با شعار نه شرقی، نه غربی مبارزه می‌کند.

البته لازم به ذکر است این سازمان بعد از بحران خلیج فارس به سال ۱۳۷۲ با تغییر نام خود به «حرکت الاصلاحیه» اقدام به مذاکره و کسب موافقتهایی از جانب دولت نمود و بعد از موفقیت خود در این مذاکرات موضعگیری‌های قبلی خود را نسبت به دولت تغییر داد.

۱۴ - جنبش اخوان؛ با اوج گرفتن تسلط عثمانیها و انگلیس بر شبه جزیره عربستان، جنبش اخوان بر پایه مقابله با سلطه دو کشور فوق بوجود آمد. در سال ۱۹۰۶ عبدالعزیز جهت تسلط بر عربستان از این جنبش که به نام ارتش اخوان معروف شد و رهبری آن به دست شیخ عبدالکریم مغربی بود کمک خواست اما عبدالعزیز بعد از جلب حمایت انگلیس با این ارتش مخالفت نمود، چرا که در هدف با یکدیگر مخالف بودند.

هدف ارتش اخوان دفع سلطه بیگانگان و تشکیل حکومت بر اساس قوانین اسلام بود و عبدالعزیز می‌خواست حکومت سلطنتی

تشکیل دهد. در نتیجه در سال ۱۹۲۶ جنگی بین دو طرف درگرفت و عبدالعزیز در سال ۱۹۲۷ با کمک انگلیس و با مساعدت هواپیماهای جنگنده این کشور توانست جنبش اخوان را سرکوب و رهبران آن را دستگیر نماید. در سال ۱۹۶۰ اعضای جنبش مذکور به کمک خالد بن مساعد بن عبدالعزیز قیام نمودند، اما در نهایت قیام وی سرکوب و در سال ۱۹۶۵ به دستور فهد به قتل رسید.

۱۵ - کمیته حقوق شرعی " لجنة الحقوق الشرعیه "؛ مجمعی از قضات عالی رتبه و استادان دانشگاههای عربستان سعودی در اواخر سال ۷۱ و اوائل ۷۲ اقدام به تشکیل کمیته حقوق شرعی نمودند که هدف از تشکیل آن این بود که چون در کشور قانون شرعی جاری نمی باشد، کمیته مزبور جهت رسیدگی به امور مردم تشکیل گردید.

این امر برای دولت سعودی بسیار گران تمام شد، چون نمی توانست اقدامی علیه این کمیته انجام دهد؛ لذا متشکلین کمیته را از کار برکنار نمود.

۱۶ - از دیگر گروههایی که بعد از بحران خلیج فارس و حضور نیروهای بیگانه در عربستان تشکیل گردید، گروهی به عضویت جمعی از وهابیان تندرو بود. آنان به مخالفت با اقدامات دولت پرداخته و حضور آمریکاییان را در کشور مردود اعلام نمودند. در مساجد و منابر اقدامات دولت سعودی را محکوم می نمودند، با گروه حماس (فلسطین) رابطه نزدیک برقرار و حتی به آنان کمک کردند که البته دولت و وهابیان از اقدامات و تفکرات آنها هیچگونه رضایتی ندارند.

صفحه ۸۸

سیستم دفاعی

ارتش در کشورهای جهان چه پیشرفته و چه جهان سوم دارای نقش ویژه ای می باشد که مهمترین هدف آن ابقای سران حاکم آن کشورها است. به همین جهت توجه به مسائل نظامی و تقویت آن جزو مهمترین اهداف سیاستهای داخلی و خارجی سران قرار دارد، و در راستای این هدف سهم قابل توجهی از بودجه سالانه کشور صرف هزینه های دفاعی و نظامی می گردد. از جمله این کشورها، عربستان که دارای قدرت مالی فراوانی است و به علت قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ادعای رهبری جهان عرب توجه خاصی به امور نظامی می نماید. این کشور تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان پایه و ستون آمریکا به همراه شاه ایران عمل می نمود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تهدید منافع غرب خصوصاً آمریکا، سعودیها اهمیت خاصی نسبت به بنیه دفاعی و نظامی خود مبذول می نمایند که این کار هم با تشویق آمریکا و دیگر کشورهای غربی همراه است.

ارتش عربستان شامل سازمانهای متعددی می باشد. نیروهای نظامی تحت فرمان پادشاه هستند. با وجود این که شاه فرمانده کل نیروهای مسلح می باشد، اما هیچگونه اختیارات عملیاتی ندارد. بلکه رئیس ستاد نیروهای ارتش این کار را عهده دار است و بر هر چهار نیروی هوایی، دریایی، زمینی، ضد هوایی فرمان می راند. ستاد کل دارای چهار بخش است:

صفحه ۸۹

۱ - بخشهای عملیاتی و آموزشی ۲ - جاسوسی ۳ - نظامی ۴ - انسانی و لجستیکی.

از نظر نظامی، عربستان به هفت منطقه فرماندهی تقسیم می شود:

۱ - شمالی به مرکزیت تبوک ۲ - جنوبی به مرکزیت ابها ۳ - مرکزی به مرکزیت ریاض ۴ - مدینه به مرکزیت مدینه ۵ - غربی به مرکزیت جدّه ۶ - طائف به مرکزیت طائف ۷ - شرقی به مرکزیت ظهران.

سیاست خارجی و اصول آن

سیاست خارجی عربستان همواره تابعی از سیاست خارجی آمریکا و کشورهای غربی بوده و پیوندهای قوی اقتصادی دولتهای غربی با عربستان زمینه ساز این روابط بوده است. در حال حاضر مهمترین شرکای تجاری آمریکا در حقیقت همان مهمترین رفقای سیاسی این کشور هستند. وضعیت خاص عربستان این موقعیت را برای کشورهای غربی فراهم آورده تا بتوانند توسط این کشور سیاستهای منطقه ای خود را اعمال نمایند. جهت گیریهای عربستان در اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت) قبل از آن که نشانگر تمایلات و خواستههای کشور باشد، انعکاس نظریات و خواستههای آمریکا و دول غربی است. عربستان نیز برای اجرای مقاصد خود از رابطه نزدیک با دول غربی نهایت بهره برداری را نموده است. تمایل عربستان برای پرچمداری اسلام در بین کشورهای مسلمان، رهبری جهان عرب، تسلط بر کشورهای واقع در شبه جزیره عربستان و حوزه

خلیج فارس از مواردی است که عربستان همواره برای دستیابی به آنها فعال بوده است.

حکومت عربستان برای ترویج اسلام سطحی و قشری و به قول امام راحل - ره - اسلام آمریکایی با استفاده از دلارهای نفتی سعی در جذب مسلمانان دیگر کشورها به آیین وهابیت نموده است.

ساختن مساجد مجلل در کشورهای مختلف و گماردن ائمه جماعت وابسته و ایجاد گروههای هوادار؛ مانند سپاه صحابه در پاکستان، حمایت از مجاهدین افغانی، چاپ و انتشار قرآن و کتب دینی در تیراژهای بالا، از جمله این موارد است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سیاست خارجی عربستان جهت گیری سیاسی خود را از همراهی به ضدیت تبدیل نمود. اسلام انقلابی که با منافع غرب و آمریکا برخورد داشت طبعاً نمی توانست مطلوب نظر عربستان باشد. علاوه بر آن، حکومت ایران که در زمان شاه به عنوان ژاندارم منطقه، حفظ منافع آمریکا و غریبان را به عهده داشت، به دولتی مخالف غرب تبدیل شده و منطقه از حضور يك نماینده قوی غرب خالی مانده بود. لذا آمریکا و متحدانش با انتخاب عربستان به عنوان پایگاهی قوی برای اجرای سیاستهایشان عنصری را برای این منظور برگزیدند که دارای عوامل مطلوبی چون وجود کعبه و اماکن مقدسه، موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی، ذخایر غنی و گسترده نفتی بود.

نزدیکی سیاست خارجی عربستان به آمریکا و غریبان که از زمان

فیصل رو به گسترش نهاده بود، در زمان فهد (شاه فعلی) به بالاترین حد خود رسید به نحوی که عربستان به اشاره آمریکا دست اندرکار نزدیکی اعراب و رژیم اشغالگر قدس و حل و فصل ماجرای اشغال فلسطین شد.

برای تحقق این منظور فهد طرح هشت ماده ای خود را جهت شناسایی رژیم اشغالگر قدس ارائه نمود. مفاد طرح مذکور به شرح زیر است:

ماده يك: خروج رژیم اشغالگر قدس از همه سرزمینهای اشغالی اعراب در سال ۱۹۶۷. (این ماده فاقد تضمین اجرایی بود).

ماده دو: برجیده شدن همه آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اشغالی.

ماده سه: تضمین آزادی مذهب در سرزمین های مقدس فلسطین.

ماده چهار: شناسایی حقوق فلسطینیان در مورد بازگشت و پرداخت غرامت به کسانی که مایل به مراجعت نیستند.

ماده پنج: کرانه باختری رود اردن (که در حال حاضر تحت اشغال رژیم اشغالگر قدس است) برای يك دوره انتقالی چند ماهه زیر نظر سازمان ملل قرار گیرد.

ماده شش: طرح تأسیس يك کشور فلسطینی که پایتخت آن فلسطین باشد.

ماده هفت: صلح و ادامه حیات همه کشورهای خاورمیانه. (مهمترین بند و اصلی ترین قسمت طرح این بند است که متضمن شناسایی رژیم اشغالگر قدس است).

ماده هشت: تضمین سازمان ملل و گروهی از کشورهای عضو برای اجرای پیمان.

در این طرح هیچگونه تضمینی جهت انجام تعهدات توسط رژیم اشغالگر قدس وجود نداشت و برنده اصلی این طرح، رژیم مذکور بود. گرچه این طرح در مراحل اولیه آن شکست خورد ولی فایده آن برای رژیم اشغالگر

قدس این بود که قبیح اعلان صلح با رژیم مذکور را از بین برد تا جایی که امروزه مذاکره رو در روی گروه‌های عربی و رژیم اشغالگر قدس تحقق یافته است.

موضع گیری عربستان در قبال تجاوز عراق به کویت

در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ شمسی) عربستان تلاش‌های گسترده‌ای را برای کنترل بحران و حل اختلاف بین عراق و کویت آغاز نمود. اما صدام که به اتکای نیروی نظامی و تسلیحات اهدایی غرب قصد باجگیری از کویت و حل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ هشت ساله خود با جمهوری اسلامی ایران را داشت، با طرح موضوعات ارضی و این که کویت باعث سقوط قیمت نفت شده است، به این کشور حمله کرد و آن را یکروزه به تصرف درآورد. بدین ترتیب نیروهای عراقی در کویت به مرزهای عربستان رسیدند و در آنجا مستقر شدند. و شبح جنگ بر عربستان سایه افکند. حکومت سعودی که به عجز و ناتوانی نیروهای نظامی خود در مقابله با صدام واقف بود، بدون فوت وقت دست کمک به سوی آمریکا و همپیمانانش دراز کرد و از

صفحه ۹۳

آنها خواست مستقیماً برای مقابله با نیروهای عراقی و آزادسازی کویت وارد عمل شوند.

روابط با کشورهای مسلمان

رژیم عربستان با تمامی کشورهای مسلمان رابطه سیاسی دارد و با توجه به واقع بودن حرمین شریفین در این کشور، حکام آن سعی دارند خود را تنها کشور واقعی مسلمان بدانند. عربستان کوشش می کند علاوه بر استفاده از موقعیت اماکن مقدسه، با استفاده از درآمدهای نفتی، نظر حکام کشورهای مسلمان؛ بخصوص کشورهای فاقد درآمد نفت، را به خود جلب نماید.

کشورهای مسلمان آفریقایی؛ نظیر سومالی، مراکش، چاد، نیجر، مالی، سنگال و موریتانی به علت نیازهای مالی از کمک‌های عربستان برخوردارند و یا نفت ارزان دریافت می کنند و عربستان در مقابل، ضمن ترویج اسلام مطلوب خود (وهابیت) از آرای موافق این کشورها در مجامع بین المللی بهره می برد.

علاوه بر کمکهای رسمی به دولتها، عربستان از طرفداران مسلک وهابی در کشورها، حمایت نموده و مخارج فعالیت های آنها را پرداخت می کند (از نمونه های بارز این امر تشکیل گروه وهابی سپاه صحابه در پاکستان است).

تلاش آمریکا برای معرفی عربستان به عنوان پرچمدار اسلام واقعی، به دلیل ترس هر دو کشور از نفوذ و گسترش اسلام ناب

صفحه ۹۴

محمدی - ص - است.

عربستان به گروهی از مجاهدان افغانی، متمایل به سیاستهای آمریکا، در مقابل دولت کمونیستی کابل، حمایت مالی و تسلیحاتی بعمل آورده تا هم از نفوذ اسلام اصیل و انقلابی جلوگیری نماید و هم در حکومت آتی افغانستان حضور داشته باشد.

حمایت این کشور از آرمان فلسطین و فلسطینیان، حداکثر از کمکهای مالی محدود، آن هم به جناح سازشکار عرفات فراتر نرفته که در حال حاضر نیز این کمک ها به دلیل حمایت عرفات از صدام در جریان جنگ با آمریکا و متحدانش قطع شده است.

عربستان در جریان پیروزی مردم مسلمان الجزایر در انتخابات پارلمانی، همسو با کشورهای غربی جانب مخالفان مردم و گروههای اسلامی را گرفت و از رژیم غیر قانونی کودتا حمایت کرد.

جنگ نفت، اشغال کویت توسط عراق

عراق از دیرباز نسبت به کشور کویت و نحوه تشکیل آن توسط انگلستان معترض بوده و آن را قسمتی از خاک خود می دانسته است. در زمان رؤسای جمهور قبلی رژیم عراق نیز این ادعاها تکرار شده و بارها تا آستانه جنگ و اشغال کویت پیش رفته است که با دخالت و یا تهدید کشورهای غربی این کشور کوچک و ثروتمند، توانسته است به حیات خود ادامه دهد.

در سال ۱۳۶۹ عراق که تازه از جنگ با ایران فارغ شده بود، دست

صفحه ۹۵

به گریبان مشکلات اقتصادی بسیار حادی بود. تنها قسمتی که در کشور رشد کرده بود بخش نظامی این کشور بود که با نیروهای جنگ دیده و تسلیحات مدرن خود، توانایی انجام عملیات نظامی را داشتند. این امر صدام را به فکر تجدید ادعاهای تاریخی خود در مورد کویت انداخت. او محاسبه کرده بود که با اشغال کویت، که ذخایر عظیم نفتی آن در جهان رتبه سوم را دارد، از لحاظ ذخایر نفتی در جهان جایگاه ویژه‌ای را به دست آورده و با کسب ذخایر ارزی و طلا و سپرده‌های بانکی کویت و سرمایه‌گذاریهای آن، که بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار می‌شد، مشکلات اقتصادی خود را کاملاً حل می‌کند. با این محاسبات، صدام شروع به بهانه جویی از کویت نمود و ابتدا اعلام کرد که کویت در هنگام جنگ عراق و ایران از حوزه‌های نفتی متعلق به عراق نفت برداشت نموده و فروخته و همچنین در اثر افزایش عرضه، باعث سقوط قیمت نفت و در نتیجه تضعیف حکومت عراق شده است؛ لذا این اعمال، خصمانه بوده و عراق طالب جبران خسارت است.

عربستان در این مرحله به شدت فعال شد و چندین جلسه مذاکره را بین هیأت‌های عراقی و کویتی ترتیب داد. اما عراق به دنبال چیز دیگری غیر از حل ماجرا بود. لذا در حالی که مذاکرات عزت‌الله ابراهیم - معاون صدام - با هیأت کویتی به ریاست ولیعهد این کشور در عربستان نیمه تمام اعلام شده بود. صدام با نیروهای آماده خود از زمین و هوا به کویت حمله کرد و این کشور را ظرف یک روز به تصرف خود درآورد. امیر کویت و خانواده سلطنتی توانستند ساعاتی قبل از سقوط

صفحه ۹۶

پایتخت، از کشور خارج شده، وارد عربستان شوند. مقاومت قابل توجهی از سوی مدافعین کویتی صورت نگرفت و کشور به راحتی به تصرف ارتش عراق درآمد.

عربستان دست به دامن آمریکا و متحدین غربی او شد و سرانجام نیروهای غربی و متحدین عرب آنها، که از کشورهای مصر، سوریه، مراکش و ... تشکیل شده بود، نیروهای عراقی را طی عملیات «طوفان صحرا» شکست داده و کویت را از نیروهای عراقی باز پس گرفتند. پی آمدهای جنگ نفت بسیار مهم بود و اثرات زیادی بر کشورهای منطقه داشت. برخی از این پیامدها عبارتند از:

الف - سلطه کامل آمریکا و متحدین غربی بر میادین نفتی عربستان و کشورهای عرب نفت خیز.

ب - حضور قوی و فعال نیروهای نظامی آمریکا و غرب در منطقه به بهانه دفاع از کشورهای عرب.

در همین رابطه غرب از سقوط کامل صدام از قدرت، جلوگیری کرده و او را چون مترسکی برای ترساندن کشورهای عرب نفت خیز نگهداشته است.

ج - استفاده آمریکا از فرصت طلایی بدست آمده برای مصالحه اعراب و اسرائیل که طی چند دور مذاکره تا کنون حاصلی جز به رسمیت شناختن اسرائیل غاصب نداشته است.

د - فروش سلاحهای نظامی جدید و یا خارج از رده آمریکا و کشورهای غربی برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه های

اسلحه سازی خود که پس از جنگ سرد با رکود مواجه شده بودند.

ه - شکاف در جامعه عرب و برهم خوردن صف کشورهای عربی. در جریان اشغال کویت، عربستان از نظر سیاسی دچار مشکل شد؛ زیرا گروهی از کشورهای عرب جانب صدام را گرفتند. اردن و یمن که متمایل به غرب بودند در کنار سودان و لیبی و جبهه آزادیبخش فلسطین با دخالت نیروهای غربی و حضور آنها در عربستان

مخالفت نموده و کشور سوریه که جزء کشورهای تندرو عرب بود، با شرکت در نیروهای چند ملیتی در کنار مصر و عربستان قرار گرفت. در نتیجه عربستان گروهی از دیپلمات‌های کشورهای مخالف عرب را اخراج و صدور نفت به اردن را قطع نمود و بیش از سیصد هزار نفر از اتباع یمن را که در عربستان بکار اشتغال داشتند از کشور خود اخراج کرد.

و - اعتراف رژیم عربستان و کویت به اشتباه خود در ارائه کمک‌های مالی و پشتیبانی به صدام حسین در جنگ با جمهوری اسلامی ایران و درخواست تقویت رابطه ایران و عربستان.

لازم به ذکر است که هزینه های سنگین عملیات طوفان صحرا تماماً توسط کویت و عربستان به کشورهای غربی و متحدین عرب پرداخت گردید و هزینه های این جنگ برای عربستان حدود ۶۰ میلیارد دلار تمام شد. البته کل خسارات وارده به اقتصاد جهان عرب

صفحه ۹۸

مخصوصاً عراق و کویت بالغ بر ۶۲۰ میلیارد دلار بوده است.

مشکلات مرزی عربستان با همسایگان

عربستان با چند کشور همسایه خود دارای اختلافات مرزی است. اختلاف این کشور با یمن بر سر منطقه نجران و جیزان که منطقه حاصلخیز جنوب کشور است. مسأله مرزی این کشور با کویت و عراق بر سر مناطق بیطرف بینابین که هر از چند گاهی مشکل آفرین می شود. آخرین اختلاف بین عربستان و قطر که منجر به درگیری مرزی و اشغال پاسگاه الحفوس قطر توسط عربستان گردید و باعث تیرگی شدید روابط بین دو کشور شد. در حقیقت مشکل از دو سال قبل شروع شد که عربستان بزرگراه دوحه - ابوظبی را که ۸۰٪ از مایحتاج قطر از آن تأمین می شد در نزدیکی مرز خود با امارات قطع کرد و بدین ترتیب راه خشکی قطر به امارات متحده عربی غیر قابل استفاده گردید. با توجه به سکوت دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس و عدم اعتراض به

عربستان، قطر مدتی از شرکت در اجلاس سران و وزرای شورای همکاری خودداری نمود، لیکن با تلاش گسترده کویت و فشار کشورهای غربی اخیراً روابط دو کشور بهبود یافته است.

روابط با کشورهای غربی

از زمان تشکیل عربستان این کشور همواره روابط بسیار نزدیکی با دول غربی؛ بخصوص انگلیس و آمریکا، داشته است. رابطه بسیار

صفحه ۹۹

نزدیک با انگلیس پس از جنگ جهانی دوم جای خود را به آمریکا داد. آمریکا که برای اجرای سیاستهای منطقه ای خود و تماس با اعراب نیاز به متحدی قابل اتکا داشت در بین کشورهای عرب، عربستان را به دلایل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی انتخاب نمود و بیش از پنج دهه است که این روابط در بالاترین سطح خود ادامه داشته و دارد. پیوند با آمریکا که همزمان با اکتشاف و بهره برداری وسیع از منابع نفتی عربستان شروع شد، با ایجاد شرکت آرامکو، حیات اقتصادی عربستان را در قبضه گرفته و روز به روز عرصه های دیگر کشور؛ از جمله نظامی، سیاسی، فرهنگی و ... را فتح کرده است.

عضویت عربستان در اوپک این کشور را به سخنگوی آمریکا و غرب در این سازمان تبدیل نموده است.

عربستان روابط نزدیکی با کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان و ژاپن دارد و از متخصصین و مستشاران این کشورها، هم در صنایع کشور و هم برای آموزش و تربیت نیروهای نظامی خود استفاده می کند.

آمریکا اخیراً رئیس سابق کمپانی شل در آمریکا - جان بوکات - را که فاقد هر گونه تجربه دیپلماتیک است به عنوان سفیر خود در عربستان منصوب نموده است. این انتصاب از نظر ناظران نفتی بسیار با اهمیت تلقی شده و تعیین چنین فردی برای این سمت بدان معنا است که از نظر دولت آمریکا مسأله نفت بیش از مسائل سیاسی خاورمیانه حائز اهمیت است.

رابطه با چین و شوروی سابق (کشورهای مشترک المنافع)

عربستان در تمام دوران جنگ سرد، از ایجاد رابطه سیاسی با اردوگاه سوسیالیسم خودداری نمود و با کمونیسم به عنوان مسلک الحاد مخالف شدیدی داشت. پس از پایان جنگ سرد، عربستان نسبت به این رویداد مهم، واکنش فعالانه‌ای از خود نشان نداد و تنها در این میان خرید برخی از موشک‌های میان برد از چین قابل ذکر است.

در مورد ارتباط با جمهوری‌های مسلمان تازه استقلال یافته شوروی سابق، عربستان نیز همراه با ترکیه و با اشاره آمریکا فعالیت‌هایی را شروع نموده که مهمترین هدف آنها جلوگیری از انتشار اندیشه‌های راستین و ناب اسلامی و سد نفوذ ایران در این کشورهاست.

عضویت در سازمانها و اتحادیه‌های سیاسی

عربستان علاوه بر مشارکت در مجامع بین‌المللی عمومی؛ مانند سازمان ملل و جنبش عدم تعهد، در پاره‌ای از مجامع خاص عضویت دارد که اهم آنها عبارتند از:

۱- اتحادیه عرب

عربستان مانند دیگر کشورهای عرب عضو اتحادیه عرب است. این اتحادیه که مهمترین هدفش دفاع مشترک از امت عرب است و هر گونه حمله به یک کشور عربی را حمله به تمام کشورهای عرب

می‌داند. به علت گرایش‌های سیاسی مختلف کشورهای عضو، هیچگاه موضع واحد و قاطعی نداشته و عدم کارآیی خود را بارها به اثبات رسانده است. ضعف بنیادین این شورا باعث شد که در جریان اشغال کویت، اتحادیه دچار دودستگی شدید شود؛ زیرا هم کشور متجاوز عرب بود و هم کشور مورد تجاوز. ولی سرانجام با اکثریت اعضا، اتحادیه علیه عراق موضع گرفت. اشکال دیگر اتحادیه در این است که درباره هجوم يك کشور عربی به يك کشور غیر عرب نیز مسکوت است و معلوم نیست اگر يك کشور عرب بدون حق، جنگی را بر کشور دیگر تحمیل کرد، اتحادیه چه موضعی باید بگیرد.

۲- شورای همکاری خلیج فارس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اثر خلأ بوجود آمده ناشی از حذف شاه، عربستان و برخی از کشورهای همسایه حوزه خلیج فارس به فکر ایجاد يك اتحادیه امنیتی یا سازمان مشترك برای مقابله با تهدیدات احتمالی افتادند. این فکر چند ماه پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هنگامی که کم‌کم موضع تهاجمی ارتش عراق تبدیل به موضع تدافعی می‌شد، جامه عمل به خود پوشید. آغازگر این پیمان عربستان بود که به دو منظور اصلی، دست به این اقدام زد:

الف - مقابله با نفوذ حرکت اسلامی و دفاع مشترك از کشورهای عضو شورا.

صفحه ۱۰۲

ب - بسط تسلط و نفوذ عربستان بر پنج کشور دیگر عضو پیمان و گام نهادن در راه قبضه کامل شبه جزیره عربستان.

در زمستان سال ۱۳۵۹ عربستان طرح خود را به نام «نقشه امنیت گروهی» که هدفش تشکیل اتحادیه‌ای برای امنیت جمعی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بود، به شرح زیر ارائه نمود:

۱ - حفظ امنیت کشورهای عرب حوزه خلیج فارس وقتی تحقق پیدا می‌کند که تمامی این کشورها از امنیت محلی برخوردار باشند.

۲ - كمك فوري به كشوري كه در هنگام بروز آشوبهاي داخلي به كمك نياز دارد.

۳ - گسترش همكاريهاي امنيتی بين نيروهاي پليسي و امنيتی اين كشورها.

۴ - اعلام عربستان مبنی بر اين كه: هر آسپي به يكي از كشورهاي عضو، به امنيت تامي كشورهاي عضو لطمه خواهد زد؛ لذا بايد بر گسترش همكاري بين اين كشورها تأكيد كرد.

۵ - اعلام آمادگي عربستان براي كمك به كشورهاي عربي، جهت رويارويي با هر گونه توطئه و در تمام سطوح و حفظ امنيت و استقرار اين كشورها.

پس از بررسيها و تشكيل جلسات و گفتگوهاي اوليه شش كشور عربستان، كويت، قطر، بحرين، عمان و امارات متحده عربي، سرانجام شوراي همكاري خليج فارس را تشكيل و توافقنامه مذكور در ديمه

صفحه ۱۰۳

سال ۱۳۶۰ در رياض به امضاي وزراي خارجه كشورهاي عضو رسيد.

پس از تصويب اساسنامه هيچده ماده اي شورا، عربستان به عنوان مركز فعاليت هاي اين پيمان اعلام گرديد كه اين موضوع يكي از امتيازاتي بود كه عربستان به دنبال آن بود. پيمان در وهله اول، جنبه نظامي - امنيتی داشت ولی سعي بر آن بود تا شامل همكاريهاي سياسي، فرهنگي و اقتصادي نيز بشود. يكي از برنامه هاي شورا حذف ويزا بين كشورهاي عضو و تسهيلات ويژه گمركي بوده است، ليكن در زمينه اقتصادي با توجه به سقوط قيمت نفت در سال ۱۹۸۶ و مشكلات بوجود آمده، پيشرفت چندانی حاصل نشده است.

تهاجم صدام به كويت و اشغال آن، پوشالی بودن نيروهاي نظامي شورا و ناتوانی كشورهاي عضو را در مقابل با تهاجم خارجي كه هدف اوليه شوراي مذكور بود، كاملاً عيان ساخت. اين شورا تا كنون چندين اجلاس در سطح سران داشته است. در اجلاس سوم سران در سال ۱۳۶۲ در بحرين يك قرارداد دفاعي مشترك به تصويب رسيد

که به موجب آن يك شبکه بزرگ دفاعي هوايي با سرمايه عربستان براي پوشش منطقه ايجاد خواهد شد. در اين اواخر اختلاف مرزي عربستان و قطر باعث تضعيف موقعيت شوراي همکاري خليج فارس شده است.

صفحه ۱۰۴

صفحه ۱۰۵

فصل چهارم

مذهب و تشکيلات مذهبي

صفحه ۱۰۶

صفحه ۱۰۷

مذهب اهل حديث پيشينه مذهب وهابيت

مذهب تسنن در دوره های مختلف تاریخ خود، شاهد چند تحول و دگرگونی مهم بوده است. تحولات مزبور در هر برهه ای، شغل ویژه ای به این مذهب بخشیده و جریانات مختلفی را تولید کرده است. نقاط اشتراك و افتراق جریانهایی مزبور، سلسله ای از تعارضات و تفاهمات را در میان این جریانات ایجاد کرده است. تعارضات و تفاهمات مورد نظر، بیشتر در بخش عقاید جلوه گر شده و در مواردی در فقه نیز تبلور داشته است. بررسی جریانات مزبور تنها بر پایه مسائل فکری آنها نیست بلکه سیر تاریخی آنها و مواضع ایشان در هر دوره به فهم درست این جریانات کمک شایسته ای می کند. در اصل، جدایی از شیعیان، معتزله و خوارج، دیگر مسلمانان اختلاف و اتحادشان تابع دو امر مهم بود؛ یکی آن که در چه شهری زندگی کنند و دیگر آن که چه نسبتی با دستگاه حاکم و احیاناً شورشهای محلی و منطقه ای داشته باشند. زندگی آنان در مدینه، مکه، کوفه، بصره

صفحه ۱۰۸

و شام تابعیت از «مرجعیت دینی محلی» را به همراه داشت. هرکدام از این شهرها با توجه به پیشینه حضور برخی صحابه و مسایل سیاسی اش، نگرش دینی و فقهی ویژه خود را عرضه می کرد. به مرور که مناسبات میان شهرها توسعه یافت و رحلات علمی شکل گرفت، از یکسو برداشته این تعارضات افزوده شد و از سوی دیگر نوعی تداخل میان افکار و اندیشه های شهرها بوجود آمد بطوری که ممکن بود کسی در مدینه چون اهل عراق بیاندیشد و بالعکس؛ با این حال تا قرن سوم، «مرجعیت محلی» هنوز شکل غالب مذهبی میان کسانی بود که در دوره متأخر بعنوان اهل سنت و جماعت شناخته شدند. بطور عمده، مرجعیت محلی دو نوع جریان مخالف را شکل داد؛ یکی «اصحاب حدیث» که بیشترین آنها مدنی بودند و دوم «اصحاب رأی» که اصولاً عراقی بوده و بعدها در برخی شهرهای ایران نیز هواداران جدی بدست آوردند، گویا اصطلاح رایج در برابر اهل حدیث، «اهل کلام» بوده است (۱). تقریباً می توان گفت، رشد همه جریانات مخالف اهل حدیث، در عراق و ایران بوده است؛ با این حال نفوذ اصحاب حدیث به تدریج، در عراق و ایران نیز فزونی گرفت و اندک اندک توانست در برابر گروههایی دیگر، خود را نماینده رسمی تسنن مطرح کند. این در حالی بود که شمار زیادی از کسانی که عملاً جزو گروههایی چون معتزله و مرجئه و اصحاب رأی نبودند، رسماً به

۱. نک: السنّه، عبدالله بن احمد، ج ۱، ص ۱۵۱، ش ۱۳۱

صفحه ۱۰۹

عقاید اهل حدیث باور نداشتند و با این حال نام خاص فرقه ای نیز داشتند، اینها نیز نوع خاصی از سنیان بودند. در واقع اهل حدیث، مذهب تسنن را که شامل جریانات محدودی در درون خود بود به صورت يك فرقه با عقاید در آورد. افرادی که این جریان را شکل دادند، شماری از محدثان بودند که بطور عمده در نیمه دوم قرن دوم هجری تا قرن سوم هجری در مدینه و بغداد زندگی می کردند. مهمترین چهرگان آنها ابن مبارک (م ۱۸۱) نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۸) ابن راهویه (م ۲۳۸) عثمان بن سعید دارمی (م ۲۸۰) و مهمتر از همه اینها احمد بن حنبل (م ۲۴۱) می باشند. مهمترین آثاری که این افراد در این تشخص فرقه ای تألیف کرده اند، کتابهایی است با عنوان: «الرد علی الجهمیه و الزنادقه» و «کتاب السنّه». بعنوان نمونه احمد بن حنبل، دارمی، عبدالله بن محمد جعفی (م ۲۲۹) رد بر جهمیه نوشته اند. مقصود آنان از جهمیه، معتزله و قدریه و یا به تعبیر دیگر کسانی است که قائل به روایات تشبیه نیستند و در اثبات تنزیه می کوشند. گروه دیگری از آنها «کتاب السنّه» نوشته اند؛ از جمله: عبدالله فرزند احمد بن حنبل (م ۲۹۰)، ابوبکر احمد بن عمرو شیبانی (م ۲۷۷)، ابوعلی حنبل بن اسحاق (م ۲۷۳)، ابوبکر احمد بن محمد الأشرم (م ۲۷۳)، ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۲۵) و ابن ابی عاصم (م ۲۸۷). در این آثار، اقوال عالمان بنام اهل حدیث و نیز کسانی از سلف که موافقت با آنان - ولو در عقیده خاص - دارند، در زمینه های مختلف گردآوری شده است. جالب آن که بعنوان نمونه کتاب السنه فرزند

صفحه ۱۱۰

احمد بن حنبل، عنوان الرد علي الجهميه نیز دارد. البته در مواردی درباره موضوعات خاص مورد تأکید اهل حدیث نیز عناوینی شایع وجود دارد؛ نظیر کتاب «الایمان» که چندین کتاب تحت این نام منتشر شده است، درباره رؤیت باری تعالی نیز در محدوده کمتری تألیفاتی صورت گرفته است. به هر روی آثاری که بعنوان «کتاب السنه» تألیف شده مأخذ بسیار مهمی برای بدست آوردن مواضع اهل حدیث و همچنین آگاهیهای درباره فرق دیگر می باشد. گرچه باید دانست که جعل و افراط گری در این آثار، به قدری زیاد است که اهل حدیث جدید، که متفکران دانشگاه اسلامی مدینه و ام القریاء مکه از جمله آنها هستند، مجبورند تا در کنار تصحیح آثار مزبور، فصلی را به نقد این کتابها اختصاص دهند و به رد نقلهای چند بیرازند. حدیث گرایی این گروه در عقاید و فقه و پذیرفتن اخبار رسیده، سبب نفی هرگونه عقل گرایی، ضدیت با رأی و مخالفت با هرگونه چند و چون در احادیث موجود بود، تحلیل اصلی آنها از جریانات مخالف آن است که از گرایشات غیراسلامی تغذیه شده و اسلامشان التقاطی از آثار اسلامی و عقاید مجوسی و فلسفی است. نسل نخست اهل حدیث از استنباطهای فقهی نیز پرهیز داشتند و بطور عمده، خود را محدث می شناختند. این مسأله درباره احمد بن حنبل کاملاً صادق است. به مرور اهل حدیث در دیدگاههای فقهی خود نیز حنبلی شدند. به این ترتیب حنابلّه حتی پیش از آن که فرقه ای فقهی باشند، فرقه ای کلامی بودند و خود را نماینده اصلی تفکری نامیدند که اهل سنت

صفحه ۱۱۱

و جماعت نامیده می شد. این «اهل سنت» نام دیگر «اهل حدیث» بود. البته اهل حدیث به صورت يك گروه مستقل جز تا قرن چهارم دوامی نیاورده و از قرن پنجم بدین سو زیر فشار گروههای دیگر سنی همچون اشاعره و مرجئه و حتی معتزله تا اندازه ای از نگرش اهل حدیثی خود جدا شد و چهره بازتری به خود گرفت. نزاع میان سنیان که تا قرن پنجم بیشتر «کلامی» بود، بتدریج به صورت يك نزاع «فقهی» درآمد و بعدها جز خط محدود ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم، تسنن تا دوره اخیر که اهل حدیث در عربستان سعودی مسلط شدند، به مواضع افراطی اهل حدیث نگرایید. اکنون چند سالی است که آثار اهل حدیث، که تاکنون مورد بی اعتنائی قرار گرفته بود، تحقیق و نشر می شود. تعداد زیادی از آنها بعنوان پایان نامه فوق لیسانس و حتی دکترا توسط دانشجویان دانشگاه اسلامی مدینه و دانشگاه ام القریاء مکه تحقیق شده و با سرمایه ناشرین سعودی به چاپ رسیده است. آثار کلامی و فقهی آن در اندیشه علمی موجود در کشور مزبور بخوبی حاکم شده و علی رغم

تفاوت‌های مختصری که با شکل کهن آن وجود دارد، سر جمع، احیای همان سلف و همان گرایش اهل حدیث است. در بخش کلام، مهمترین اثر، نفی فلسفه و کلام و گرایش‌ات عقلانی، و در فقه، نفی مذاهب فقهی پیشین و ترویج حدیث و نوعی «اجتهاد اخباری» است. تا پیش از سه دهه قبل، چهار امام از چهار مذهب فقهی در مسجدالحرام نماز می‌گزاردند اما با غلبه این نگرش فقهی جدید، يك امام برای تمام مسجد برگزیده شد.

صفحه ۱۱۲

در آثار فقهی جدید هیچ‌گونه اشاره‌ای به آراء و اقوال مذاهب اربعه نشده و تنها برپایه احادیث، فتاوایی ارائه گردیده است. محورهای بحث در عقاید اهل حدیث، در زمینه مسایل کلامی که در قرن سوم اهمیت تام داشته و اصولاً مسائل فقهی نسبت به آنها، و در نظر آنان، از اهمیت بسیار پایینی برخوردار بود، شامل چند مسأله می‌شد: اعتنای کامل به احادیث و دوری از عقل و رأی و پرهیز از هر نوع اجتهاد، احادیثی که مورد قبول آنها قرار می‌گرفت روایاتی بود که تنها از طریق محدثین مورد اعتماد آنان نقل شده و به هیچ روی به روایانی که اندک گرایش‌ات معتزلی یا شیعی داشتند بهایی داده نمی‌شد. حنا بله برای دقت در این کار شروع به کار رجالی گسترده کرده و تمامی کسانی را که مخالف آنها بودند متهم به ضعف در نقل و جعل حدیث کردند. آنان کوفه را به دلیل داشتن همین گرایش‌ات مورد بی‌اعتنایی قرار داده و آن را «دارالضرب حدیث» لقب داده بودند. ابوحنیفه را نیز به دلیل استفاده از رأی، مورد شدیدترین اتهامات قرار دادند. این امر جز این دلیلی نداشت که او احادیث موجود در کتب محدثین را معمول دانسته قابل اعتماد نمی‌دید. نتیجه برخورد مزبور از طرف اهل حدیث آن شد که آنچه روایت در باب تجسیم و تشبیه بود پذیرفتند و در عقاید کلامی خود در دام سختی گرفتار شدند. اکنون نیز این روایات در کتب صحاح موجود است. رکن دیگر عقاید اهل حدیث اعتنای کامل به صحابه رسول خدا - ص - بود؛ از نگاه آنان همه صحابه عادل بودند و نمی‌بایست هیچکدام آنها مورد طعن قرار گیرند، آنها در

صفحه ۱۱۳

جواب این قبیل سؤالات که چرا خود صحابه با یکدیگر درگیر شده و آیا کدامیک بر حقند، به راحتی می‌گویند: آنها همه برحقند و همه اهل اجتهاد، به علاوه رسول خدا - ص - از این فتنه‌ها خبر داده بود و چاره‌ای جز رخ دادن این تحولات نبوده است. البته این امر شامل امیرالمؤمنین - ع - نمی‌شد زیرا اکثر اهل حدیث عثمانی مذهب بوده و حکومت امام را به رسمیت نمی‌شناختند. آنها تنها سه خلیفه اول را بر حق می‌شناختند، تنها احمد حنبل بود که به اصرار توانست امام را نیز بر آنها بیفزاید. البته خلفای اموی را نیز برحق می‌دانستند اما اعتقاد به آنها ربطی به عقاید دینی آنها نداشت. بی دلیل نیست که میراث این عقیده هنوز نیز در سعودیها وجود دارد و کتاب «فضایل امیرالمؤمنین یزید!» در آنجا چاپ می‌شود. بد نیست اشاره کنیم که در میان خلفای عباسی، تنها مدافع حنابل، متوکل عباسی بود که برای راضی کردن آنها دست به کشتار شیعیان زده و جهت جلوگیری از زیارت قبر امام حسین - ع - دستور داد تا کربلا را شخم بزنند و بر آن آب بینند. این همان اعتقادی است که اکنون در عربستان احیا شده است. متوکل عباسی در مجالس جشن و سرور، خود را شبیه امام علی - ع - در می‌آورد و مسخره می‌کرد. همین شخص هدایایی برای احمد حنبل می‌فرستاد و با اهل حدیث همدلی و همراهی می‌کرد. حنابل به تدریج از بین رفتند تا آن که ابن تیمیه در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم مجدداً عقاید آنها را با افراط بیشتری احیا کرد. بعدها در قرن دوازدهم بار دیگر محمد بن

عبدالوهاب همین حرفها را تکرار کرد و امروز اعقاب او دست در دست آل سعود می‌کوشند تا با استفاده از امکانات موجود در عربستان این عقیده را بر مسلمانان عالم تحمیل کنند. اخباری گری سعودیها سبب شد تا در آغاز قرن جدید و حتی تا چند دهه قبل، عالمان وهابی با هر پدیده تازه‌ای حتی صنایع و اختراعات جدید به عنوان بدعت برخورد کرده و با هر چیزی به این عنوان که بدعت است مخالفت کنند. اگر روحیه بادیه گرایی وهابیها را نیز ضمیمه این نگرش کنیم می‌توانیم تصور کنیم که در چند دهه قبل، این افراد چه تصویری از دین و دینداری داشته‌اند! علاوه بر این، مجموعه برداشتهای افراطی آنها از دین و نیز روحیه سختگیرانه‌شان، برای آنان وضعیتی شبیه به خوارج ایجاد کرده و هنوز نیز افراطیون وهابی چنین روحیه‌ای را دارند، آنها گرچه اکنون زیر بار پذیرش این سخن نمی‌روند که روزگاری همه مسلمانان جز خود را کافر قلمداد می‌کردند اما مدارک زیادی وجود دارد که این سخن را تأیید می‌کند، پیشینه این روش در تاریخ اسلام، با این شدت، تنها در میان خوارج

دیده شده است. حرکت «اخوان» که در نجد شکل گرفته و بطور مداوم به عراق و کویت و نقاط دیگر حمله کرده و به اندک امري ديگران را متهم به کفر و نفاق مي کردند از جمله اين گروههاي افراطي وهابی به شمار مي روند. زمانی که نخستین بار ابن سعود فواید تلفن را در مکه دیده و گفت که تا خطي از مکه با مقر او حدّا بکشند با مخالفت همین جنبش افراطي اخوان وهابی روبرو شد که آن را بدعت دانستند! يك بار

صفحه ۱۱۵

نیز يکي از نوکران ابن سعود که سوار بر موتورسیکلت شده بود مورد ضرب و شتم اخوانی ها قرار گرفت، آنها موتور را عربة الشيطان (درشکه شيطان) و حصان ابليس! نامیدند و سوار شدن بر آن را بدعت خواندند. در سال ۱۹۲۶ شاه سعودي مجبور شد تا تلگرافخانه مدینه را در کنار برخي مساجدي که در کنار قبور ساخته شده بود به خاطر اعتراض افراطیون وهابی تعطیل کند زیرا آن را بدعت دانسته بودند. هم آنان در کنگره اي که در عيد فطر سال ۱۳۴۳ قمری برگزار کردند يکي از درخواستهایشان از شاه سعودي اين بود که استفاده از ماشین و تلگراف و تلفن را ممنوع نماید. همانطور که از او خواستند تا شیعیان احساء و قطیف را به اجبار سنی کند. بعد از تلاش ملك عبدالعزيز که خود بخاطر این امور مورد طعن قرار گرفته بود، آنها با شرایطی راضی به حمایت از وي شدند، در متنی که علمای موافق صادر کردند، ضمن اعلام اطاعت خود از او، تعهداتی مبنی بر سخت گیری بر شیعیان و هدم اماکن مقدسه آنها را مطرح کردند؛ از جمله درباره تلگراف عجلتاً سکوت کردند؛ «اما مسألة البرقي فهو امر حادث في آخر الزمان و لانعلم حقيقته». با این حال عبدالعزيز شرایط را بگونه اي دید که موقتاً آن را تعطیل کرد. نویسنده «تاریخ الحجاز» می گوید که در سال ۱۳۴۶ قمری (۱۹۲۸ م.) از طرف سلطان عبدالعزيز با يکي از علما برای تفتیش در امور اداري و دینی مسؤولیتی یافت که در اثنای کار، صحبت از تلگراف و دیگر مسائل جدید شد. شیخ به من گفت: شکی وجود ندارد که این امور ناشی از

صفحه ۱۱۶

استخدام جن است و فرد موثقی به او گفته است که این دستگاه کار نمی کند مگر آن که در کنار آنها گوسفندی را ذبح کرده و نام شیطان را ببرند. مؤلف می گوید: توضیحات من در باره اختراع تلگراف و تاریخ پیدایش آن، نتوانست وی را قانع کند، بنابر این در راه، ماشین را در کنار يك تلگرافخانه نگه داشتم و به او نشان دادم که هیچ اثری از ذبیحه گوسفند و سایر چیزها نیست. او می افزاید: شیخ گمان کرده بود که من این اقدام را از طرف ملك برای فریب او انجام داده ام و لذا بعدها خودش بارها برای مشاهده واقیعت به تلگرافخانه ها رفته بود. مؤلف می گوید: شخص ملك در سال ۱۳۵۱ (۱۹۳۲ م.) در جریان سفرم به ریاض به من گفت: زمانی که علما متوجه شدند که وی می خواهد در ریاض و سایر نقاط تلگرافخانه افتتاح کند، اعتراض کرده و گفتند: ای ملك! کسانی که تو را به این امر توصیه کرده اند خواسته اند تو را فریب دهند. او می گوید: بعد از تأسیس، علما مکرر کسانی را به تلگرافخانه ها می فرستادند تا ببینند که آیا در آنجا گوسفندی ذبح می شود یا نه. مؤلف می افزاید که یکی از مسوولان تلگرافخانه به من گفت: زمانی عده ای از مشایخ نزد من آمدند و از محل زیارت شیاطین سؤال می کردند و این که شیطان بزرگ در ریاض است یا در مکه؟ و این که تعداد آنها چه مقدار است؟! (۱)

۱. تاریخ الحجاز، صص ۳۰۹ - ۳۰۸. بحث پیشینه مذهب وهابیت از کتاب بسوی ام القری (اثر رسول جعفریان) گرفته شده است.

شکل گیری مذهب وهابیت و اتحاد رهبران آن با آل سعود

در سال ۱۹۰۲/۱۳۲۰ عبدالعزیز بن عبدالرحمان معروف به ابن سعود (۱) و ملقب به شاهین صحرا (۲) در بیست سالگی خود با اقدامی اسطوره مانند موفق شد ریاض را تصرف کند و سلطنت عربستان سعودی را بنیان نهد. مبانی دولتی که وی تأسیس کرد - و پیشینه آن به قرن هجدهم میلادی می پیوندد - بر شمشیر و محمل حکومت او ترویج مذهب حنبلی وهابی بود. (۳) يك روحانی متعصب نجدی به نام شیخ محمد بن عبدالوهاب در اواسط قرن هجدهم موفق شد تحصیلات «سلفی» (۴) و نظرات نوظهور خود را در نجد ترویج کند و امیر شهر درعیّه را مرید

و طرفدار خود سازد. در سال ۱۷۴۴/۱۱۵۷ بین این عالم نجدی و امیر محمد ابن سعود، (۵) امیر درعیه پیمانی بسته شد که

۱ - سُعود (به ضم اول) در لغت مصدر است به معنی میمنت و مبارکی و نام جدّ خاندان سعودی است.

۲ - صقرا الجزيرة، که نام کتاب احمد عبدالغفور عطار است.

۳ - برای اطلاع از عقاید وهابیّه رجوع شود به: ابجد العلوم، ص ۸۷۱؛ ابن بشر/ ۱ و ۸۹؛ تاریخ نجد الحديث ۲۱؛ الفكر السّامي، ج ۴، ص ۱۹۶؛ الأعلام، ج ۷، ص ۱۳۷؛ عبدالوهاب ۱۰...

۴ - سلفیّه یا اصحاب سلف صالح فرقه ای از مسلمانانند که فقط به سنّت و سیره بزرگان صدر اسلام عمل می کنند و از تجدد و تغییر و تبدیل سنّت رسول الله - ص - و صحابه اجتناب می ورزند. معروفترین علمای این فرقه ابن تیمیه (شیخ الاسلام احمد بن عبدالحلیم ۶۶۱ - ۷۲۸ هـ . ق.) است که شیخ محمد بن عبدالوهاب از او پیروی کرده است.

۵ - محمد بن سعود بن محمد بن مرخان (فرحان) - ف ۱۱۷۹ هـ . ق. - نخستین امیر معروف سعودی - صقرا الجزيرة، ج ۱، ص ۵۲؛ قلب جزيرة العرب ۳۲۷...

به موجب آن، امیر سعودی از سوی خود و اعقاب خویش پشتیبانی و اطاعت از شیخ و اعقاب او و سایر علمای وهابی را برعهده گرفت و شیخ نیز قبول کرد که خود و اولاد و پیروانش پیوسته راهنما و مدافع و یاور امیر سعودی باشند و تمام نیرو و نفوذ خود را در حمایت از آن خاندان به کار برند. این همان پیمان است که عبدالعزیز و سایر ملوک سعودی و نیز مشایخ آل شیخ پیوسته محترم شمرده اند. ابن عبدالوهاب و فرزندانش تا امروز حامی جدی سلطنت سعودی و عهده دار امور شرعی و فرهنگی و قانونی و قضائی بوده اند و شاهان

سعودی پیوسته فرمان پذیر ایشان بوده و به حکم و فتوای شورای دینی وهابی به شاه‌ی می رسند یا از سلطنت - چنانکه درباره سعود بن عبدالعزیز عمل شد - خلع می گردند.

شیخ محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶/۱۰۷۳ - ۱۷۹۲)

محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان بن علی نجدی تمیمی مکتبی به ابن عبدالوهاب، در تاریکترین ادوار تاریخ نجد در شهرکی به نام عَیْنَه - نزدیک ریاض - در خانواده اهل علم متولد شد. او بنیانگذار یک فرقه مذهبی حنبلی است که مخالفانش پیروان او را مُدَّیْنَه - یعنی دین سازان - یا وهابیّه خواندند ولی خود شیخ نام هم مسلکان خویش را اهل توحید و موحّدین گذاشت. پدرش شیخ عبدالوهاب عالمی نیکنام بود و در عیینه امور شرعی و قضایی و تدریس را برعهده داشت. او شخصاً تعلیم و تربیت محمد را زیر نظر گرفت و محمد که هوش و استعداد

صفحه ۱۱۹

بسیار داشت هنوز ده ساله نشده بود که تمامی قرآن و بسیاری از احادیث صحاح سته را از بر کرد و وقتی بیست ساله شد تمامی علوم شرعی و ادبی رایج در نجد را فراگرفته بود. در آن موقع توجهش به محیط وحشی و عقاید جاهلی و بدوی اعراب درنده خوی خونخوار عَیْنَه و سایر بلاد نجد جلب شد و معتقد گردید که معتقدات اعراب حجاز از اسلام به دور و پست ترین نوع بت پرستی و خرافه گرایی است. پس تصمیم جدّی به مبارزه مسلحانه و بی امان با بعضی رسوم و کارهای رایج در بلاد اسلامی گرفت. او ساختن بقعه و گنبد بر مزارات و پا گرفتن و گچ کاری و سنگ انداختن بر قبور و ایستادن و زیارت خواندن در مقابر و سفرهای زیارتی - غیر از سفر مکه و مدینه و بیت المقدس (۱) - و استعمال دخانیات و سینه زنی و قمه زنی و زنجیرزنی... و بطور کلی هر رسم و عادت که به تشخیص وی در عهد رسول الله و سلف صالح نبوده، بدعت و حرام و مرتکب آن را واجب القتل دانست و فتوا داد که برای محو این عادات و رسوم باید

۱ - روایت کرده اند که رسول الله - ص - در مرض موت فرمود: «لعنة الله علي اليهود و النصاري اتخذوا قبور انبيائهم مساجد» یعنی لعنت خدای بر یهود و نصارا باد که قبور پیغمبران خویش را مسجد گرفتند، محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، جلد اول، از کتاب دوم ص ۵۴۴، تهران ۱۳۱۴ هـ. ق.، عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب، مختصر سیره الرسول، ص ۴۶۱، قاهره، ۱۳۷۹ هـ. ق. ... و سایر منابع و اهل سنت ادعا می کنند که در حدیث نبوی است: «لا تُشَدُّ الرحالُ الا لثلاثة، مسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی» یعنی جز برای مسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجد من نباید بار سفر بست - وهابیه و حنابله از این گونه احادیث استفاده کرده بنای بر قبور و وقوف بر قبور را جایز نمی دانند.

صفحه ۱۲۰

شمشیر به دست گرفت و جهاد کرد.

رؤسای قبایل و شیوخ و علمای نجد - از جمله برادر شیخ محمد که شیخ سلیمان نام داشت - با او به مخالفت پرداختند و کار را چنان بر او تنگ کردند که مجبور شد زادگاه خویش را ترک کند و به «حُرَیْمَاء» برود (۱۷۲۶/۱۱۳۹) ولی در حریماء هم کسی گوش به حرف او نداد و ناگزیر شد به حجاز سفر کند. در مکه حج را به سنت حنابله سلفی ادا کرد و در مدینه چندی در حوزه درس عبدالله بن ابراهیم بن سیف نجدی و محمد حیات سِنْدی حضور می یافت. بعد از راه شام به نجد بازآمد و سپس به بصره رفت. بصریان که سخنان شیخ را مخالف معتقدات خود دیدند، بر او شوریدند و او را مجبور ساختند با پای برهنه و شکم گرسنه راه صحرا در پیش گیرد. اگر مردی به نام ابو حُمَیْدان به داد او نرسیده و بر خر خود سوارش نکرده بود در بیابان تلف می شد. بعد به ایران آمد و چندی در اصفهان به تحصیل ادامه داد. سپس به کربلا و نجف رفت. گرچه در ایران و عراق زمینه مساعدی برای قبول دعوت وهابی نیافت اما دیدن پاره ای رسوم مذهبی، او را در پیکاری که در پیش داشت استوارتر ساخت. مورخان نجدی چیزی از سفر ابن عبدالوهاب به ایران ننوشته اند و گویند وی از بصره به زیبر و احسا و از آنجا به حریماء بازگشت. (۱)

اما علمای اسلام در حریماء در صدد قتل وی برآمدند و محمد

۱ - صقر جزيرة العرب، ج ۱، ص ۲۸.

صفحه ۱۲۱

ناچار گریخته و به عیینّه پناه برد. در عیینّه بخت به او روی آورد و عثمان بن حَمَد بن مَعْمَر امیر آن شهر او را در خانه خود پذیرفته خواهرش را به همسری وی داد و او پس از سالها رنج و مجاهده در عمر سی و هشت - نه سالگی سر بر بالین آسایش نهاده صاحب خانه و خانواده و پشتیبان گردید. اتفاقاً همسرش نیز زنی باهوش و کارآمد بود و به شوهرش کمک بسیار کرد.

شیخ در عیینّه مذهب خود را آشکار کرد و جمعی به دعوت او درآمدند. او اعلان کرد هرکس از مذهب حنبلی سلفی پیروی نکند از اسلام خارج و واجب القتل است. نخستین اقدام او آن بود که به دستگیری پیروانش درختهای مقدسی را که زنان بر آنها دخیل می بستند کند و سوخت. بعد بقعه زید بن الخطاب (۱) - برادر عمر بن الخطاب - را که در جنگ با مسلمیه کذاب شهید شده و زیارتگاه بود ویران کرد. زن شوهرداری هم نزد شیخ به گناه زنا اعتراف کرد که به حکم وی سنگسار شد. او در عیینّه حوزه درس فقه دایر کرد و خود به تدریس پرداخت ... علمای عیینّه و سایر بلاد نجد که دعوت شیخ را در حال پیشرفت دیدند نامه هایی به سلیمان بن محمد امیر احساء نوشته خطر روزافزون

۱ - ابو عبدالرحمان زید بن الخطاب - برادر بزرگ عمر بن خطاب - از اجلّه صحابه رسول الله بود و قبل از عمر مسلمان شد. در غزوات رسول الله حضور داشت و در جنگ با مسیلمه کذاب در عهد خلافت ابوبکر به شهادت رسید (۱۲ هـ . ق.). قبرش در یمامه تا زمان ابن عبدالوهاب زیارتگاه بود؛ طبقات ابن سعد، ج ۳ ص ۲۷۴ در هشت مجلد با فهرست، ایران ۱۳۲۱ هـ . ق.

صفحه ۱۲۲

وهابیان را گوشزد و رفع این غائله را تقاضا کردند. سلیمان نامه ای به امیر عیینه - که از امیر احساء مدد مالی می گرفت - نوشته دستور تبعید شیخ و قتل او را در صورت مقاومت صادر کرد. محمد بن عبدالوهاب وقتی از این دستور خبر یافت و دانست که دیگر کاری از دست برادر همسرش ساخته نیست ناچار به درعیه گریخت و مقدر بود که آن شهر موطن و مدفن او باشد و در آنجا سنگ بنای دولت سعودی را کار بگذارد (۱۷۴۴/۱۱۵۷) امیر درعیه محمد بن سعود - بنیان گذار سلطنت سعودی - وجود شیخ را وسیله مناسبی برای دست اندازی به شهرهای همسایه و امتداد قدرت در نجد یافت. او به دیدار شیخ رفت و به تشویق همسرش (موضی) پیمانی با او منعقد کرد که خود و جانشینانش پیوسته حامی و مبلغ مذهب وهابی باشند. شیخ نیز از سوی خود و اعقابش قول داد که هرگز دست از یاری و پشتیبانی سعودیان برندارند. ابن عبدالوهاب بعد از امضای این پیمان تا نزدیک نیم قرن که زنده بود در درعیه ماند و در آنجا خط و قواعد خروج هول انگیز وهابی را مشخص کرد. در چارچوب مسلک ابداعی خود پایه های سلطنت سعودی را محکم ساخت و به تأیید محمد بن سعود و بعد از او پسرش عبدالعزيز و سپس سعود بن عبدالعزيز همت گماشت و آنان را به جنگ و کشتار مخالفان برانگیخت و موجب پرشدن خزانه سعودی و وسعت قلمرو سعودیان در نجد و حجاز و عراق و خلیج فارس و سایر بلاد عرب گردید. خود شیخ در بیشتر جنگهای وهابیان سلاح در دست شرکت می کرد او هنوز زنده بود که هیبت وهابیان سراسر عربستان و

خاورمیانه را فراگرفته بود. و پیروان بی ترحم خود را - که مانند خوارج یا قرامطه یا پیروان صاحب الزنج کوچکترین نشانی از مهر و شفقت نداشتند - «الاخوان» یا «إخوانُ مَنْ اطاعَ الله» (۱) می نامید و موفق شد از راهزنان نجدی دستجاتی با انضباط و جنگاورانی وحشت آفرین بسازد که توانستند مسیر تاریخ را در عربستان تغییر دهند. او روز آخر ذی قعدة سال ۱۷۹۲/۱۲۰۶ بعد از عمری دراز، بیش از نود و یک سال، (۲) در درعیه فوت کرد و همانجا به خاک سپرده شد، بدون این که بر قبرش بقعه ای بسازند یا امروز مکان دفن او معلوم باشد.

تألیفات بسیاری از محمد بن عبدالوهاب برجای مانده که مشهورترین آنها به عناوین ذیل است: کتاب التوحید، رساله کشف الشبهات، تفسیر سورة الفاتحة، اصول الايمان، تفسیر شهادة أن لا إله الا الله، معرفة العبد ربّه و دینه، المسائل التي خالف فيها رسول الله اهل الجاهلية، فضل الاسلام، نصيحة المسلمين، معنى الكلمة الطيبة، الأمر بالمعروف و النهي عن المنکر، مفید المستفید، مجموعة الخطب، رسالة في أن التقيد جائز لا واجب، کتاب الكبائر... که همه به چاپ رسیده و جملگی در اثبات مذهب حنبلی سلفی است. اولاد شیخ - معروف به آل الشيخ - پیوسته مورد احترام شاهان سعودی بوده و سمت مفتی بزرگ و وزیر فرهنگ و آموزش و رئیس دانشگاه و قاضی محاکم دادرسی را برعهده دارند.

۱ - یعنی برادران کسی که از خدای اطاعت کند.

۲ - ابن بشر سال ولادت شیخ محمد را - ۱۱۱۱ - نوشته و بنابراین هنگام مرگ ۹۷ سال داشته است.

صفحه ۱۲۴

دعوت وهابی و چگونگی انتشار و آثار آن از زمان حیات شیخ تا امروز پیوسته از مسائل بحث انگیز دنیای اسلام بوده است. پیروانش او را پیشوای انقلاب فکری مسلمانان و راه گشای مصلحانی چون شهاب الدین آلوسی و سید جمال الدین افغانی و شیخ محمد عبده مصري و جمال الدین قاسمی شامی و خیرالدین تونسلی و صدیق حسن خان بهوپالی هندی و امیر علی هندی و شیخ محمد اقبال لاهوری و أبوالأعلی مودودی لاهوری(۱)... می دانند ولی سایر مسلمانان، بخصوص شیعیان، بشدت با این عقیدت و مؤسس آن مخالفت می‌ورزند، بخصوص بعد از آن که وهابیان به سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ کربلا را قتل عام و ویران کردند و حرم مطهر حسین بن علی - ع - و عباس بن علی - ع - را به آتش کشیدند. کینه مسلمانان نسبت به آنان شدت یافته کتابهای بسیار در ردّ و طعن بر فرقه وهابیّه به رشته تحریر درآورده اند. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعة الى تصانیف الشیعه»(۲) برخی از این رده ها را به شرح ذیل نام برده است:

۱ - الاوراق البغداديه، تأليف شيخ ابراهيم راوي عراقي.

۲ - الفجر الصادق في الرد علي منكري التوسل والكرامات و الخوارق، تأليف جميل صدقي زهاوي شاعر معاصر عراقي.

۳ - دليل واقعي.

۴ - صلح اخوان، تأليف شيخ داوود نقشبندي بغداداي.

۱ - الأعلام زرکلي، ج ۷، ص ۱۳۷.

۲ - ج ۱۰، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

صفحه ۱۲۵

۵ - المنحة الوهيّيه.

۶ - الصواعق الإلهيّه، تأليف شيخ سليمان بن عبدالوهاب برادر شيخ محمد بن عبدالوهاب...

اينها ردّيّه هاي علماي اهل سنت است. اما بعضي ردّيّه هاي علماي شيعه به اين شرح است:

۷ - الآيات البيّنات.

۸ - البراهين الجليلّه في دفع شبهات الوهايّيه، تأليف سيد حسين قزويني.

۹ - المشاهد المشرّقه و الوهايون، تأليف شيخ محمد علي بن محمد جعفر.

۱۰ - منهج الرّشاد، تاليف شيخ جعفر كاشف الغطاء.

۱۱ - الهادی، تألیف محمد بن حسین فارسی در ردّ کتاب کشف الشبهات ابن عبدالوهاب که غیر از پیروان خود را در آن کتاب کافر شمرده است.

۱۲ - الردّ علی الوهابیّه، تألیف شیخ محمد جواد بلاغی.

۱۳ - الردّ علی الوهابیّه، تألیف میرزا محمد علی اردوبادی.

۱۴ - الردّ علی الوهابیّه، تألیف سید محمود لواسانی عصار.

۱۵ - الردّ علی الوهابیّه، تألیف شیخ مهدی اصفهانی.

۱۶ - الردّ علی الوهابیّه، تألیف شیخ هادی کاشف الغطاء.

۱۷ - کشف الإرتیاب فی اشیاع محمد بن عبدالوهاب، تألیف سید

صفحه ۱۲۶

محسن امین عاملی (۱).

شیخ عبدالله قصیمی بغدادی ردّی بر این کتاب با عنوان «الصراع بین الاسلام والوثنیة» نوشته که آن هم در مصر به چاپ رسیده است.

اخیراً نیز استاد جعفر سبحانی کتابی در باره وهابیت نوشته و فهرستی از اشکالات این مذهب نوظهور را بیان کرده است.

× × ×

وقتی وهابی‌ان از قتل عام مدینه و طائف فراغت یافتند و ابن سعود با قوه قهریه پای به حرم امن الهی نهاد جرأت نداشت خود را فاتح و سلطان مکه بخواند و در روز دوازدهم جمادی الأولى ۱۳۴۳ هـ. ق. طی منشوری که در مکه صادر کرد به صراحت نوشت:

«سَنَجْعَلُ الأمر في هذه البلاد المقدسة بعد هذا، شوري بين المسلمين لقد أبرقنا لكافة المسلمين في سائر الأنحاء أن يرسلوا وفودهم لعقد مؤتمر إسلامي عام، يُقرّر شكل الحكومة التي يرونها صالحة لإنفاذ أحكام الله في هذه البلاد.»

«اداره شهرهاي مقدس را واگذار به رأي شورايي از مسلمانان خواهيم كرد. به همه مسلمانان در ساير كشورها تلگراف كرده ايم هيأتهاي نمايندگي خود را براي تشكيل يك كنفرانس عام اسلامي اعزام دارند تا هر شكل حكومت را كه براي اجراي احكام خدا در اين بلاد مقدسه شايستهديدند تعيين نمايند.»

۱ - امين عاملي، علاوه بر كتاب كشف الإرتياب قصيده اي هم در ۴۰۶ بيت در ردّ بر هاييه نوشته است. اعيان الشيعة ج ۱، ص ۳۷۳.

صفحه ۱۲۷

ليكن فاصله بين قول و فعل بسيار است و به قول طغرایی اصفهانی: غاض الوفاء و فاض الغدر و انفرجتمسافة الخلف بين القول و العمل (۱) نه تنها به اين وعده عمل نکردند - و تنها به تشكيل يك كنفرانس سالانه فرمايشي از وهابی‌ان و طرفداران ايشان اکتفا کردند که نامش «رابطة العالم الاسلامي» است - بلکه خشن ترين روش استبدادي را در اداره حرمين اعمال مي کنند. گواه آن رفتاري بود که در حج سال ۱۴۰۷ هـ. ق. پشت ديوار مسجد الحرام با حاجيان ايران کردند و نشان دادند که نه تنها خادم امين حرمين نيستند بلکه از خصال و اخلاق اسلامي نيز بويي نبرده اند. يکي از رجال غير وهابی عربستان روش حکام آن کشور را در اين بيت براي نويسنده اين سطور خلاصه کرد: قد بلينا بأمر يقتل الناس و يسبحفهمو كالجزار فينا يذكر الله و يذبح (۲) سازمانهاي مذهبي عربستان سعودي

با توجه به ساختار حکومت آل سعود که بر اساس توافق رهبر مذهبی وهابیت و بزرگ خاندان آل سعود بوده است، سعودیها حاکمیت مذهبی بر کشور را نیز تبلیغ می نمایند که در این راستا به جز

۱ - وفا اندك شده و فروکش کرده و خیانت و پیمان شکنی فراوان و لبریز گشته و مسافت بین گفتار و کردار فراخ گشته است. ۲ - ما گرفتار امیری شده ایم که مردم را می کشد و تسبیح می گوید. او مثل قصاب است که نام خدا می برد و سر گوسفند را می برد.

صفحه ۱۲۸

تشکیلات حکومتی و وزارت شؤون اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد، سازمانهای دیگری در این رابطه به امور مذهبی می پردازند که عبارتند از:

الف - سازمان رابطه العالم الاسلامي

این سازمان حدود ۳۲ سال قبل با عضویت نمایندگانی از سایر کشورها تشکیل گردید و از پر قدرت ترین سازمانهای مذهبی در عربستان محسوب می شود. بودجه سالانه این سازمان معادل یکصد و سی میلیون ریال سعودی می باشد. همچنین، در بیشتر کشورهای جهان شعبه دارد. وظایف این سازمان عبارت است از:

آموزشهای اسلامی، توزیع کتب اسلامی و قرآن، آموزش زبان عربی، کمک به مؤسسات اسلامی.

مؤسسات وابسته به این سازمان را در زیر می آوریم:

۱ - مجمع فقه اسلامی ۲ - شورای عالی جهانی مساجد ۳ - سمینار زیربنایی تربیت اسلامی ۴ - مجالس قاریه المساجد ۵ - سازمان جوانان اسلامی.

این سازمان طی ۱۰ سال گذشته حدود ۱ میلیارد ریال صرف ساختمان بناهای اسلامی و ترویج اسلام نمود و دولت نیز در ده سال اخیر ۱۱ میلیون ریال جهت ترویج اسلام، ۳۵ میلیون ریال به سازمانهای خیریه، بیمارستانها و درمانگاهها در خارج از کشور، ۲۰ میلیون ریال به نشر و حفظ قرآن و مؤسسه ائمه ارشاد کمک کرده است.

صفحه ۱۲۹

همچنین تعداد یکهزار مسجد در جهان و صدها مرکز اسلامی زیر نظر این سازمان مشغول فعالیت می باشند. میزان کمک عربستان سعودی به کشورهای دیگر تا کنون بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار بوده است که بخشی از آن در این موارد هزینه شده است:

احداث ۲۰ مرکز اسلامی؛ احداث ۱۲۵۹ باب مسجد؛ احداث ۱۰۶۹ باب مدرسه؛ احداث ۲۰۰ باب مؤسسه مذهبی؛ احداث ۱۳۴ دانشگاه؛ احداث ۴۱ باب درمانگاه؛ احداث ۷۶ باب بیمارستان؛ احداث ۱ باب انستیتو جهان عرب در پاریس.

ب - سازمان علمای بزرگ " کبار العلماء "

این سازمان به ریاست شیخ عبد العزیز بن باز اداره می شود که مرکب از ۲۱ تن از علمای طراز اول کشور می باشد. عمده فعالیت اعضای این سازمان صدور فتاوی است و می توان گفت در مسائل مذهبی و سیاسی این فتاوی نقش مهمی در کشور دارند. گفتنی است که در کشور سعودی از هیچ يك از مذاهب فقهی مشهور در میان سنیان یعنی حنبلی، شافعی، حنفی، و مالکی پیروی نمی شود بلکه بر اساس فتاوی همین سازمان و نیز فتاوی رئیس آن که ساهاست بن باز است، عمل می شود.

ج - سازمان امر به معروف و نهی از منکر

این سازمان با سابقه طولانی در کشور نقش مهمی را ایفا می کند.

فعالیت‌های اصلی آن شامل: دعوت مردم برای برگزاری نمازهای جماعت و جمعه؛ دعوت برای رعایت شؤونات اسلامی و حجاب برای بانوان و جلوگیری از فعالیت مراکز غیر شرعی می باشد.

دیگر نهادهایی که به امور مذهبی می پردازند عبارتند از:

ریاست عام اداره تحقیقات علمی و مذهبی و صدور فتاوی و دعوت به ارشاد؛ جمعیت حفظ قرآن؛ المجمع الفقهي؛ ریاست عام امور حرم مکی و حرم نبوی؛ شورای عالی مساجد جهانی؛ سازمان رسیدگی به وضع اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی.

به علت این که کشور عربستان يك کشور اسلامی و مذهبی است و همواره دارای فرهنگی آمیخته به دین و مذهب طی تاریخ بوده است مردمان این کشور نیز پابندی زیادی به انجام فرایض دینی و آداب و سنن مربوط به مذهب را دارا می باشند. البته در کنار مسأله مذهب و انجام به دستورات آن، فرهنگ قبیله ای و آداب و رسوم قبیله ای نیز بر اعمال و رفتار مردم تأثیر بسیار گذاشته است که این دو را نمی توان جدا از یکدیگر بیان نمود. اگر چه مذهب نقش بسیار بالایی را دارا می باشد؛ اما نقش فرهنگ قبیله ای را نیز نباید فراموش کرد.

حوزه های دینی و رهبران مذهبی

حوزه های دینی عربستان به شکل دانشگاهی تکامل یافته است. دانشگاه‌های اسلامی که مروج آیین رسمی کشور نیز می باشد دانشجویان خارجی خصوصاً کشورهای اسلامی با هزینه دولت

عربستان مقاطع تحصیلي خود را ادامه مي دهند.

دانشگاه اسلامي در مدینه منوره " تأسيس در سال ۱۳۸۱ " ؛ این دانشگاه به منزله يك مركز اسلامي جهاني درآمده و داراي پنج دانشکده است که هر کدام از ۱۳ بخش تشکیل شده است. این دانشکده ها عبارتند از:

دانشکده شریعت، دانشکده تبلیغ و اصول دین، دانشکده قرآن و مطالعات سیاسي، دانشکده روایات شریفه و مطالعات اسلامي، دانشکده زبان عربي.

ام القرائ طائف؛ این مرکز علمي در سال ۱۹۸۱ تأسيس گردید. ریاست این مکان به عهده دکتر رشید بن راجي و معاونت آن به عهده دکتر محمد ابراهیم عمید علي مي باشد. شمار استادان ۹۰ نفر و شمار دانشجویان شاغل به تحصیل ۲۰/۰۰۰ نفر مي باشد، از جمله دانشکده هاي وابسته به آن: دانشکده تعلیم و تربیت و دانشکده مطالعات کتابداري مي باشد. تعداد کتابهاي موجود در کتابخانه مرکز علمي فوق ۵۰/۰۰۰ جلد است.

در عربستان، ۳۰ هزار باب مسجد و مسجد جامع وجود دارد که در ۶/۵۳۵ مسجد آن نماز جمعه برگزار مي شود و در ۲۳/۶۶۹ مسجد ۹۰ هزار امام جماعت و مؤذن وجود دارد.

رهبران مذهبي این کشور که همان علماي وهابی هستند نقش مهمي در کشور دارا مي باشند، و از این جهت که کشور بر پایه اسلام و مذهب استوار است، علما و مفتيهاي عربستان داراي قدرت بسیار

صفحه ۱۳۲

زیادي هستند. آنان اجتهاد آزاد را سرلوحه کار خویش قرار داده اند.

اکنون کشور عربستان به دلیل قدرت مالی خود و نیز مراسم سالانه حج، و همچنین ضعف اسلامیت در میان دولتهای حاکم بر کشورهای اسلامي، نفوذ فراوانی در میان مسلمانان داشته و از این نفوذ بشدت بهره مي برد. مشکل عمده عربستان وابستگی او به دولتهای خارجي بویژه آمریکاست که وجهه او را در میان مبارزان مسلمان از بین برده و لازم است تا از این زمینه علیه آن استفاده شود.

گفتنی است که در شرایط حاضر در میان وهابیان اختلافاتی وجود دارد. برخی از تندروها که بقایای گرایش اخوان هستند، مخالف دولت سعودی اند و گرچه در میان دانشجویان دانشگاه مدینه هواداران زیادی دارند اما از نظر سیاسی قدرت بالفعلی ندارند. ارتباط نزدیک عربستان با آمریکا در جریان جنگ خلیج فارس، قدرت این نیروی مخالف را افزایش داده است. به علاوه دولت سعودی، بنابر جوّ عمومی حاکم بر جهان، بر آن نیست تا به دیدگاههای مذهبی این افراطیها واقعی بگذارد، به همین دلیل از این جهت نیز در فشار این گروه افراطی قرار دارد.

دولت عربستان و مذهب تشیع

از مباحث پیشین، بویژه سوابق برخورد وهابیان با شهرهای مقدس نجف و کربلا، دانسته شد که وهابیان دشمنی عمیقی با تشیع دارند. آنچه در پی می آید گزارشی است از چگونگی وضع شیعیان در عربستان و برخورد دولت عربستان با تشیع و شیعیان، که بر اساس

صفحه ۱۳۳

آگاهیهای برگرفته شده از شاهدان عینی و شیعیان آن دیار و گفتگو با مردمان آن سامان به قلم آمده است؛ از این رو نمی توان از آن انتظار پژوهشی دقیق و مستند بر آمار و واقعیتهای ملموس و با دقت در همه جوانب را انتظار برد.

برای آگاهی از چگونگی وضع شیعیان در آن دیار، خواندن کتاب «الشیعة فی المملكة العربیة السعودیة» جلد دوم «العهد السعودی ۱۹۱۳ - ۱۹۹۰» سودمند است.

در مدینه شهر پیامبر - ص - شهر رسالت، شهر امامت، دیاری که قرنهای چهاره های بلند تشیع و سنی اندیشان علوی را در کوی و برزنش جای داده بود. شهری که روزگاری کوچه بنی هاشم در قلب آن چونان دُر می درخشید، زمانی فاطمیان بر آن سلطه داشتند و مدتی زیدیان بر آن دیار حکم می راندند.

آری این شهر که روزگاری آمیخته بود با یاد علی و آل علی - علیهم السلام - اکنون چگونه است؟ شیعیان در آن دیار چه می کنند؟ جمعیت شیعیان چه اندازه است و چگونه روز می گذرانند، در گوشه و کنار دیگر حجاز و

عربستان چگونه اند و بر شیعیان چه می‌گذرد؟! شیعیان در این دیار همواره استقلال مذهبی و هویت مکتبی خویش را حفظ کرده‌اند؛ و علی‌رغم محدودیتها و دشواریهایی که در حاکمیت آل سعود بر آنها روا شده است، همچنان استوار و با صلابت ایستاده‌اند. یکی از آشنایان به وضع شیعیان در مدینه - و از شیعیان این دیار - در گفتگویی مستقیم می‌گوید:

صفحه ۱۳۴

تعداد شیعیان مدینه حدود سی هزار نفر و تعداد سادات مدینه حدود سیزده هزار نفر است در مدینه حدود ۲۰ حسینیّه وجود دارد. بسیاری از شیعیان مدینه تهیدست هستند. وضعیت به جهات گونه‌گون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چندان مناسب نیست. شیعیان «احساء»، «قطیف»، و «دمّام» نیز وضع بهتری از اینان ندارند. گو این که آنان از آزادی عمل و فعالیت بیشتری برخوردارند. شیعیان مناطق یاد شده به لحاظ حضور عالمان شیعه در آن دیار، آگاهیهای فرهنگی خوبی دارند. گفتگو با آنان بویژه تحصیل کرده هایشان، نشان می‌دهد که در آگاهی از جاریهای جهان اسلام از سطح مطلوبی برخوردارند. پی‌گیری آنان از مسائل و مواضع سیاسی - فرهنگی ایران و آگاهیهایشان از تحولات درونی جامعه ایرانی و حتی تحولات حوزوی، اعجاب آور است. سؤالها از چگونگی مرجعیت و رهبری، تفکیک وظایف این دو نهاد، تحولات حوزه علمیّه قم و... همه نشانگر حساسیت و اطلاعات بالایی آنان از ایران و مسائل ایران است. آشنایی آنان با وضع اجتماعی و سیاسی خودشان و لزوم موضع گیریهای مناسب نیز نشان می‌دهد که دست کم نسل تحصیلکرده آنان موضع اجتماعی و سیاسی خود را بدرستی درمی‌یابند. دانشجویی می‌گفت: ما در دبیرستانها در نماز جماعت شرکت می‌کردیم و به فتوای امام عمل می‌کردیم و مهر نمی‌گذاشتیم تا هماهنگی خود را با آنان حفظ کنیم

صفحه ۱۳۵

ولی آنان برخورد مناسبی با ما نداشتند و هیچگاه بدیده اعتماد بر ما نمی نگریستند، و با ما گرم نمی گرفتند. بهر حال شیعیان هوشمند و آگاه آن دیار؛ بویژه در سه منطقه یاد شده، به نیکی دریافته اند که برای حضور عینی در اجتماع و تداوم حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، باید حزم، دوراندیشی و استوارنگری را پیشه سازند و چنین نیز کرده اند. آنان در موضع مذهبی با صلابت هستند اما در برخورد، با تسامح و هوشمند. در مدینه، شیعیان در قسمتهای مختلف شهر سکونت دارند، آنان پیشتر و قبل از توسعه جدید شهر در بخشهای جنوبی و شرقی، در حاشیه مسجدالنبی نیز زندگی می کردند؛ اما اکنون بیشتر در محله عزیات، خیابان علی بن ابیطالب، حوالی مسجد قبا، خیابانهای قربان، گاز و طالع ساکن هستند. هنگامه حج و فرا رسیدن ایّام مراسم حج، همه ساله سبب خوشنودی آنان است، آنان در این روزها کسانی را می نگرند که براحتی می توانند در برابر آنها راز دل بکشایند و از آرمانها، دردها ورنج هایشان سخن بگویند. در سعی صفا و مروه متوجه شدم حج گزارانی که در پیش رویم حرکت می کند، از دیار دیرپای قطیف است، دست بر شانه اش نهادم و گفتم: «بارک الله بقطیف»، نگاهم کرد، چهره اش شکفت و گفت: ایرانی هستی؟ گویا انتظار نداشت کسی جز ایرانی بر او و سرزمینش درود بفرستد. آغوشش را باز کرد و چون برادری که سالها هجران کشیده، مرا

صفحه ۱۳۶

بغل گرفت، راز دل گشود و از حقایق تلخ و شیرین بسیاری گفتگو کرد. جوانی بسیار مطلع و آگاه با درد دلهای بسیار در مقابل حجر اسماعیل با ما سخن گفت. او بر این باور بود که هوشمندی شیعیان می تواند در چگونگی روابط آنان با حکومت و ایجاد مناسبات درست و سودمند کمک شایان توجهی کند. گزارش دیگر نشانگر آن است که: رفتار اصولی و استوار شیعیان عربستان بسیاری از تبلیغات سوء وهابیّان علیه آنان را خنثی کرده است. این مطلب تا بدان حدّ است که حساسیت های منفی، علیه شیعه در دانشگاه ریاض کم رنگ شده است. برخی دیگر از گزارش ها نیز نشانگر آن بود که: وضع اقتصادی شیعیان رو به بهبودی است و بعضاً از گرفتن کمکها خودداری کرده اند. شیعیان قطیف و احساء از روحیه حماسی بالایی برخوردارند. جوانی به نام «علی» از دیار قطیف که در دعای کمیل مدینه شرکت کرده بود، می گفت: من می دانم که اینها فیلم برداری می کنند و حضور ما را کنترل می کنند، اما من هراسی ندارم. او با این که از عدم امکان سفر به مکه اندوهگین بود اما به موضع قاطع و

انقلابی‌ش افتنخار می کرد. امسال از آغاز ایام حج بر در حسینیه شیعیان در نگاشته کوچک نوشته شده بود: که شیعیان ایران به آنجا مراجعه نکنند. این تشدید و منع در روزهای پایانی سال گذشته ایام حج

صفحه ۱۳۷

نیز اعمال شده بود، (۱) اما امسال از آغاز گویا چنین سختگیریها اعمال می شده است. دو نفر از روحانیون به قصد شرکت در نماز جماعت آقای عمرای به مسجد وی می روند از آنها خواسته می شود که در آنجا نمانند، آنان می گویند قبل از ایام حج از آقای عمرای خواسته اند که در ایام حج، وی با ایرانیان ارتباط نداشته باشد. دانشجویی از دّام، نیز گزارش می دهد که: فشار بر شیعیان عربستان بسیار زیاد است و آنها بخاطر شیعه بودن از بسیاری از حقوق و موقعیتهای اجتماعی محرومند. در گفتگویی دیگر شیعیان مدینه اظهار می کنند: وضع ما در این دیار خوب نیست و ما در حالت بسیار بدی بسر می بریم، البته امسال از جهاتی وضع بهتر است و در نهایت باید بگوییم که چگونگی اوضاع ما و رفتار حکومت با ما تا حدود زیادی بستگی به چگونگی ارتباط ایران با عربستان دارد. چند تن از شیعیان را دستگیر کرده بودند که با بهبودی روابط رها کردند. همه چیز ما، حرکت، زندگی و اجتماعات ما زیر نظر است. ما نیاز شدید به کتابهای شیعی و آثار اسلامی داریم و نمی توانیم به دست بیاوریم، ما شرایط شما (ایرانیان) را درک می کنیم ولی شما هم ما را فراموش نکنید. روزی در جمع برخی از استادان و دانشوران به آهنگ دیدار از آثار تاریخی در مدینه، به گشت و گذار پرداختیم و برای ردیابی

۱ - با کاروان ابراهیم، ص ۲۳۰.

صفحه ۱۳۸

«مسجدالشمس» به منطقه‌ای که آن مسجد واقع بوده است رفتیم. در کناری تنی چند از پیرمردان حصیری گسترده بودند، و با قلیانی که در وسط نهاده بودند لحظه‌ها را می‌گذراندند، از جمع ما استقبال خوشی کردند و سؤالات ما را با دقت جواب دادند، آنان می‌گفتند در ایام سوگواری ما به سختی جمع می‌شویم یکی از این خانه‌ها را حسینیه قرار داده ایم و عزاداری می‌کنیم. پس از اندکی گفتگو از چگونگی حال و هوای آنان، دریافتیم که از توقف بسیار ما بیم دارند برای آنان آرزوی توفیق کرده و جدا شدیم. چنان که در برخی بخشهای این گزارش آورده ایم (۱) وهابیان با ذهنی آلوده و تفکر انحرافی با شیعه برخورد می‌کنند، آنان به هیچ روی از حقیقت اندیشه شیعی آگاهی ندارند. یکی از عالمان سنگال در مدینه به کتابفروشی مراجعه می‌کند و از کتابهای شیعی جستجو می‌کند، او در پاسخ می‌گوید: اینجا مدینه است، شهری مقدس، در این شهر مقدس اسم شیعه را که کافر هستند بزبان نیاور. با این پندار طبیعی است که شیعیان وضع مناسبی در محیط عربستان که در نهایت در سیطره فکری وهابیان است، نداشته باشند. در پایان این گزارش گونه، گفتگوی تنبه آفرینی را که نویسنده‌ای به قلم کشیده است می‌آوریم:

۱ - مراد کتاب «با کاروان عشق» است که گزارشی است از حج سال ۷۲.

صفحه ۱۳۹

از یکی از کتابفروشیهای اطراف مسجدالحرام، سراغ «سفینه البحار» را گرفتیم. گفت: چنین کتابی را ندیده‌ام، از کیست؟ گفتیم: از محدث قمی. گفت: از ائمه اهل سنت و جماعت هرچه بخواهی داریم، صحیح بخاری، سنن بیهقی و... گفتیم: ما در ایران، در کتابفروشیها و کتابخانه‌هایمان به وفور، کتب شما را داریم. هم مطالعه می‌شود و هم خرید و فروش، شما چطور از کتب شیعه هیچ ندارید؟ گفت: ما کتب مجوسیان را توزیع نمی‌کنیم. من که انتظار چنین سخنی را از یک فرد آشنا به کتاب نداشتم، گفتیم: اعتقاد و دین، مربوط به کشور و شهر خاصی نیست، به صرف ایرانی بودن نمی‌توان کسی را مجوس دانست. درست است که ایران، قبل از اسلام دین زردشتی داشت، ولی ایرانیان از آیین حضرت رسول - ص - استقبال کردند و از مسلمانان راستین شدند. از جمله سلمان فارسی که از

ایران بود. گفت: پیامبر او را «سلمان محمدی» خطاب کرد. گفتیم: این از شدّت ایمان و بخاطر فضیلت بسیار و قرب سلمان به حضرت رسول بود. گفت: ایرانی مجوس است.

صفحه ۱۴۰

گفتم: اولاً - ما مسلمانیم و از ایران برای زیارت خانه خدا و مرقد مطهر پیامبر - ص - آمده ایم. مجوسیه‌ها کجا به حج می‌آیند؟! ثانیاً - بسیاری از دانشمندان بزرگ شما اهل سنت، ایرانی بوده‌اند. مثلاً بعضی از نویسندگان صحاح و سنن شما، مثل بیهقی، بخاری، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و... ایرانی هستند. ابو حنیفه، پیشوای مذهب حنفی، ایرانی است. مفسرین مشهوری چون طبری، زمخشری، فخر رازی و... همه ایرانی بودند. اگر صرف ایرانی بودن دلیل بر مجوسیّت است، پس باید این علما هم مجوسی باشند! صدای اذان برخاست، خداحافظی کردم و به طرف مسجدالحرام روانه شدم. بهر حال در فضا و محیطی که بگفته‌اند دانشمند و دانشجویی هوشمند و شیعی، حقد، کینه و یکسر کذب و جعل از شیعه در دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی تدریس و عرضه می‌شود و به گفته دانشجویی منصف و کتابخوان - پس از گفتگو و مباحثه - : متأسفانه همه آگاهی ما - دانشجویان دانشگاه‌های سعودی - از شیعه مستند است به منابع فرقه شناسی که هیچکدام از آنها به منابع اصیل خود شیعه مستند نیست. باری، آیا در چنین فضایی جز این می‌توان انتظار داشت؟ خوب است اینجا خاطره‌ای دیگر را نیز نقل کنم: در يك کتابفروشی بسیار بزرگ در مدینه که کتاب‌های متعدّدی علیه شیعه داشت، با جوانی افغانی که دانشجوی دانشگاه مدینه بود سخن گفتیم. از کشورم سؤال کرد، گفتیم: ایرانیم، از مذهبم سؤال کرد، گفتیم:

صفحه ۱۴۱

شیعی هستیم. شانه‌هایش را بالا انداخت و با بی‌اعتنایی سخنی ناروا گفت. من با خوشرویی گفتم چرا چنین داوری می‌کنی، او سخنان تباه بسیاری را که از استادانش فراگرفته بود برای من بافت و در نهایت گفت شما

معتقد به تحریف قرآن هستید، قرآنی جز این قرآن دارید، و روایات در منابع شما درباره تحریف بسیار است من پاسخ گفتم، و تأکید کردم که عالمان محقق شیعه بر این باور نیستند و این روایات را قبول ندارند، او گفت وعده می گذاریم و من فردا کتابی می آورم که این مطالب از منابع مهم شما نقل کرده است. گفتم: لازم نیست بیاورید، من آن کتاب را دیده ام، خوانده ام سخن استواری ندارد، گفت: من نگفته ام چه کتابی، چگونه می گویی من آن را دیده ام. گفتم: مگر مراد کتاب «الشیعه والقرآن» احسان ظهیر الهی نیست؟! جوان بهتش زد، و بالمره آرام شد و من ادامه دادم و آنگاه گفتم: اکنون با هم فارسی حرف می زنیم؛ و فارسی حرف زدیم و او سبکبال از آنچه فهمیده و شرمسار از داوری پیشین، مدّت زیاد با من به گفتگو نشست و برای روز بعد وعده دیدار نهاد و ... کتابهای ضد شیعی در عربستان

مظلومیت شیعه در گستره تاریخ اسلام قصه پر غصه تاریخ اسلام و مسأله همیشه تازه آن بوده است. اتهامات متوجه به آن، از خاستگاه آن گرفته تا مباحث کلامی، فقهی و اخلاقی را شامل می شده است. کسان بسیاری در این راه شهد شهادت نوشیدند و جهل مداران فراوانی با این

صفحه ۱۴۲

پندارهای ناصواب، بسیاری را علیه شیعه شوراندند. مکه و مدینه سرزمین وحی و جایگاه تابش های انوار الهی است. در این سرزمین نیز شیعه همواره مظلوم بوده است، حوادثی که علیه شیعه در این دیار رخ داده است، نیز فصل جانشوزی از تاریخ اسلام را تشکیل می دهد. در گشت و گذاری که در کتابفروشیهای این دیار داشتیم عناوین گونه گونی علیه شیعه دیدیم که پس از این می آوریم. سالها پیش در مسجدالنبی با جوانی «احسائی» آشنا شدم که نسبت به مسائل جهان اسلام آگاهی های جالبی داشت و به وظایف اسلامی و فرهنگی خود کاملاً آشنا بود، و از جریانهای فرهنگی، سیاسی و انقلابی ایران نیز آگاهی هایی داشت و درباره مسائل فرهنگی عربستان نیز دارای اطلاعاتی سودمند بود، می گفت:

در مدارس و دانشگاه های اینجا کینه شیعه را درس داده و چهره ای به تمام معنا وارونه از آن جلوه می دهند. این مطلب کاملاً درست است، اخیراً کتابی با عنوان «الموسوعة المیسره، للأدیان و المذاهب المعاصره» نشر یافته

است. این کتاب دائرة المعارف واره ای است که ادیان و مذاهب و جریانهای فکری گونه گون را برای تدریس در دانشگاه نوشته است و دانشگاه مدینه آن را چاپ کرده است.

در این کتاب چهره ای که از شیعه نمایانده، یکسر وارونه است و منابع و مصادری که در پایان مقاله ارائه شده، بعضی در نقد و ردّ شیعه است، و حتی به یک کتاب شیعی استناد نشده است.

از شیعه چهره ای مخالف اسلام ترسیم کردن و مردم عادی و دانش پژوهان را از ارتباط با آنان برحذر داشتن، شیوه عام جریان

صفحه ۱۴۳

فکری این دیار است. گفتگوی تأمل برانگیز ذیل می تواند دلیلی بر این مدعا باشد. کارمندی از وزارت نیرو یکی از عالمان را در یکی از خیابان های مدینه سوار می کند و از او می پرسد: در ایران غیر از مذهب جعفری مذاهب دیگر هم تدریس می شود؟ وی پاسخ می دهد: که چنین است آنان مدرسه دارند. نه تنها مذاهب اربعه که اقلیتهای مذهبی نیز در ایران آزادانه و در چهارچوب مقررات فعالیت می کنند.

جوانی از یوگسلاوی پیشین که در مدینه مشغول تحصیل بوده، ضمن مراجعه به برخی از عالمان شیعه ایرانی، از آنان درباره سبّ و شتم شیعه نسبت به اصحاب پیامبر، تحریف قرآن و نقش عقل در شیعه سؤال می کند. او از این که در دانشگاه حقایق را به وی وارونه القا کرده بودند، ناراحت بود.

برخورد تند و بی پایه برخی از خطیبان در خطبه های نماز جمعه، نشانگر نگاه وارونه اینان به شیعه و اندیشه آنان است و نیز تعلیمات تحریف گرانه ای که در صفحه ذهن اینان نقش بسته است. گزارش زیر نمونه ای از اینگونه داوریه و برخوردها است:

یکی از شبها که به مسجد عمر بن خطاب شارع شیخ عبدالله خیاط برای نماز جماعت رفته بودم. بعد از نماز مغرب مشاهده کردم که خطیبی جوان، پشت تریبون ایستاد، پس از این که شرافت مکانی مکه و شرافت زمانی ایام ذی

حجه را بیان کرد، اشاره به تولّی و تبرّی نمود و با زمینه سازی و مقدمه ای چند دقیقه ای گفت: مردم! چرا غافلید؟ چرا تولی و تبری را از دست داده اید؟! تولی دوستی پیامبر و اصحاب کبار

صفحه ۱۴۴

او و تبري تنفر و بيزاري جستن از دشمنان آنهاست، متأسفانه در اين بلد امين كه نبايد كفر باشد، كافرانى كه دينشان تقيه است معتقدند جبرئيل امين خيانت کرده و بجاي اين كه وحى را به علي - ع - نازل كند به محمد - ص - نازل کرده است و علي - ع - بايد پيامبر مي بود. و معتقدند كه سبّ و لعن وزراءالرسول ابوبكر و عمر واجب است. او با لحن خاص و تحريك كننده و با هنرنمايى خاص در فنّ خطابه، اعلام كرد: آيا كسانى كه به وزراءالرسول لعن مي كنند كافر نيستند؟ اگر از آنها راجع به ابوبكر و عمر سؤال شود مي گويند: رضى الله عنهما و پشت سر آنها را لعن مي كنند. آيا اينها كافر نيستند؟ آيا كسانى كه به ام المؤمنين عايشه تهمت زنا مي زنند و او را زانيه مي دانند! و لعن مي كنند در حالى كه قرآن او را مبرّاً دانسته (و اشاره به آيه افك در قرآن كرد) آيا اينها كافر نيستند؟! حال مي خواهيد بدانيد اينها كيستند؟ اينها كسانى هستند كه در صفوف نماز جماعت شما شركت کرده و كنارتان مي نشينند و دينشان تقيه و نمازشان منافقانه است. اينها اشدّ كفراً و نفاقاً مي باشند و سپس بطور صريح گفت: رافضه را مي گويم. اينها كافرند! شيطانند! خذهم الله، قاتلهم الله! آنها شما را قبول دارند و نه دين شما را. و براي مصلحت و از روي نفاق در نماز شما شركت مي كنند. مردم! دوستان! چرا شما ساكتيد در مقابل لعن كنندگان به وزراءالرسول؟

دوستان! با اينها معامله نكنيد و آنها را از جمع خود بيرون كنيد. آيا بعد از اين صحبتها باز هم امر به معروف و نهى از منكر نمي كنيد؟ و با اين كافران كنار مي آييد؟ اينجا بلد امن است. سرزمين با شرافت مكه

صفحه ۱۴۵

است و جای کفار نیست! و سپس با اشاره به ایام ذی حجه و اهمیت آن مطالبی را بیان کرد و صحبت را خاتمه داد.

وضعیت مجلس بسیار استثنایی و جنجالی شده بود و با مهارت خاصی که در خطابه داشت مجلس را به خود متوجه کرده بود. زمینه برای بحث مناسب نبود، با روحانیون دیگری که در مسجد بودند قرار گذاشتیم که در چگونگی برخورد منطقی صحبت کنیم که بعداً با امام جماعت یکی دیگر از مساجد، که مصری الاصل و ظاهراً جوانی مؤدب و بشاش و خوش برخورد بود، صحبت شد و او اظهار نگرانی و تأسف نمود بسیار و گفت: ما همه با یکدیگر برادریم، این حرفها صحیح نیست و

چهار روز بعد از این قضیه برای نماز صبح با لباس و عمامه به مسجد عثمان رفته بودم که خطیب فوق الذکر برای نماز به آن مسجد آمده بود. در پایان نماز با امام جماعت دست داده خداحافظی کردم، در این هنگام ناگهان، آن شخص (خطیب) خطاب به امام جماعت فریاد برآورد که: «لا تسلّموا علی الشیاطین، اَثم شیاطین!» وقتی پرسیدم: لماذا؟ بر خشونت افزود و

روزی به دیدار مزار شهدای اُحد رفتیم، برای بررسی دقیق محل وقوع نبرد و مسائل پس از آن، با دانشجویی به گفتگو نشستیم. او توضیحات جالبی درباره اُحد و کوههای آن ارائه داد، پس از آن که فهمید ما شیعه هستیم و ایرانی، پرسید:

آیا درست است که شیعیان به فرزندی از علی - ع - معتقد هستند

صفحه ۱۴۶

بنام مهدی، که به سردابی رفت و دیگر برنیامد و در آخرالزمان خواهد آمد؟ و آیا درست است که شما معتقدید جبرئیل در ارائه وحی خیانت کرده و به جای علی به پیامبر وحی را ابلاغ کرده است؟ و درست است که شما عقیده و کتابهای خود را مخفی نگاه می دارید و از این که کسی بدان آگاهی یابد جلو می گیرید؟ (این را یکی از اساتید در دانشگاه به ما می گفت).

اینها همه اتهامات واهی بسیار کهنه و زنگ زده ای است که هر روز به وسیله نشخواران جهل جویده و ارائه می شود. دوستان به وی جوابهای لازم را دادند، او در پایان گفت:

حقیقت این است که من از شیعه چیزی نمی دانم و با این که حدود ۲۰ کتاب درباره عقاید فرق خوانده ام از شیعه اطلاعات درستی ندارم و آنچه می دانم، از منابع غیر شیعی است.

این دیدار گویای آن است که در محیط تعلیمی و فرهنگی این دیار، درباره شیعه چه می گذرد، و عقاید شیعیان چگونه به دانشجو القا می شود.

با توجه به آنچه آمده – که نمونه ای است اندک – می توان فهمید که نشر آثار علیه شیعه در این دیار طبیعی است، کتابهایی که ذیلاً می آوریم، برخی سالها پیش چاپ شده، برخی دیگر چاپ سال جاری است و همه نشانگر کین توزی، و عصبیت پراکنی علیه شیعه است.

کتابهای احسان ظهیر الهی از جمله:

۱ – الشیعه و اهل البیت؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور

صفحه ۱۴۷

پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره.

۲ – الشیعه و القرآن؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره.

۳ – الشیعه و التشیع (فرق و تاریخ)؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره و

و کتابهایی چون:

۴ - الشيعة و تحريف القرآن؛ محمد مال الله.

۵ - كلمات في كشف أباطيل و افتراءات؛ عبدالفتاح ابو غُدّه، الاستاذ في الدراسات العلمي في قسم السنة بكلية التربية بجامعة الملك سعود بالرياض.

۶ - و جاء دور المجوس؛ عبدالله محمد الغريب.

کتابي است سرشار از دروغ و آکنده از تهمت و

۷ - سراب في ايران؛ دکتر احمد الأفغانی، به زبان انگلیسی.

۸ - وجاءوا یرکضون؛ ابوبکر جابر الجزائري. مهلا یادعاة الضلالة، المدرس بالجامعة الاسلاميه، الواعظ بالمسجد النبوي الشريف.

۹ - حوار هادئ بين السنة و الشيعة؛ عبدالله بن سعيد الجنيد.

۱۰ - مسألة التقريب بين الشيعة و السنة؛ ناصر بن عبدالله بن علي القفاري، دار طيبة.

۱۱ - تبديد الظلام و تنبيه النيام الى خطر التشيع علي المسلمين و الاسلام؛ ابراهيم سليمان الجبهان.

صفحه ۱۴۸

۱۲ - بطلان عقائد الشيعة و بيان ضيق معتنقيها و مفترياتهم علي الاسلام من مراجعهم الأساسيه؛ محمد عبدالستار التونسي.

۱۳ - الشيعة و المتعه؛ محمد مال الله.

۱۴ - عقيدة الاماميه عند الشيعة الاثني عشر، دراسة في ضوء الكتاب و السنة؛ السالوس، مكتبة ابن تيميه.

۱۵ - الخطوط العريضة؛ محب الدين الخطيب.

این اثر از دیرینه ترین آثار علیه شیعه در این قرن است و عالمان شیعه آثار منقدانه ای علیه آن نگاشته و بافته هایش را رشته کرده اند اما باز هم سعودی هر سال چاپ و نشر می کند.

۱۶ - الثورة الايرانية في ميزان الاسلام؛ الشيخ محمد منظور النعماني.

۱۷ - بين الشيعة و اصوله، دراسة مقارنة في التفسير؛ علي السالوس.

۱۸ - عبدالله بن سبأ و أثره في احداث الفتنة في صدر الاسلام؛ سليمان بن حمد العود.

و کتابهای دیگر چون:

۱۹ - رجال الشيعة في الميزان؛ ۲۰ - الشيعة و السنة؛ ۲۱ - احوال اهل السنة في ايران؛ ۲۲ - الشيعة في الميزان؛ ۲۳ - التحذير من البداء؛ ۲۴ - النهي عن سبّ الأصحاب؛ ۲۵ - النبذة الشريفة في الردّ علي القبورين؛ ۲۶ - بين الشيعة و السنة؛ ۲۷ - ما يجب أن يعرف المسلم عن عقائد الروافض الامامية؛ ۲۸ - أضواء علي الشيعة؛ ۲۹ - الحميني و الوجه

صفحه ۱۴۹

الآخر؛ ۳۰ - مسألة التقريب بين أهل السنة و الشيعة؛ ۳۱ - السنن و المبتدعات؛ ۳۲ - رساله في تحريم اتخاذ الضرائح؛ ۳۳ - التشيع بين مفهوم الأئمة و المفهوم الفارسي؛ ۳۴ - صورتان متضادتان عند أهل السنة و الشيعة؛ ۳۵ - الجواب الباهر في زوار المقابر؛ ۳۶ - الشيعة و تحريف القرآن؛ ۳۷ - نقد ولاية الفقيه؛ ۳۸ - الموازنة بين السنة و الرافضة؛ ۳۹ - الفرقان بين الحق و الباطل؛ ۴۰ - رسالة الرد علي الرافضة؛ ۴۱ - أباطيل يجب أن تُمحي من التاريخ؛ ۴۲ - الحميني بين التطرف و الاعتدال؛ ۴۳ - المؤامرة علي الكعبه من القرامطة الى الحميني؛ ۴۴ - بطلان عقائد الشيعة و أهل البيت؛ ۴۵ - بين الشيعة و أهل السنة؛ ۴۶ - تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد؛ ۴۷ - نكاح المتعة في الاسلام؛ ۴۸ - البيّنات؛ ۴۹ - أصول مذهب الشيعة.

فصل پنجم

اوضاع اجتماعي، فرهنگي و آموزشي

صفحه ۱۵۲

صفحه ۱۵۳

گذار از جامعه قبیله اي

جامعه عربستان بر پایه روابط قبیله اي استوار است. وجود تعصب و علقه نیرومند قبیله اي به علاوه مذهب شکل دهنده کلي فرهنگ جامعه مي باشد. این ساختار جامعه عربستان، مانع از بوجود آمدن فرهنگي یگانه شده است. با این که دین اسلام در این سرزمین ظهور نمود و مدت زمانی این سرزمین مرکزیت جهان اسلام را به عهده داشت اما از آنجا که در سرزمین فوق قبیله هاي زیادی زندگی مي کنند و هر کدام آداب و رسوم خاص خود را به عنوان يك میراث نگهداري مي کنند نتوانستند با بهره گیری از آیین اسلام به تقدنی که کشورهای چون ایران، مصر و پاکستان در سایه فرهنگ اسلامي بدست آوردند، دست یابند. با خارج شدن مرکزیت خلافت از عربستان در زمان امویان، این کشور به عنوان گوشه اي از جهان اسلام درآمد که با اضمحلال خلافت عباسي و آشفتگی در دستگاه مزبور دوباره این سرزمین به فرهنگ قبیله اي به شکل ملوک الطوائفي رو آورد. این

صفحه ۱۵۴

فرهنگ به وجود آمده فاقد هر گونه بالندگی و پیچیدگی خاص فرهنگهای کهن بود. در حال حاضر در عربستان سعودی مردم به دو گروه عمده تقسیم شده اند: گروه سنت گرا، گروه متجددین، سنت گرایان معتقد به حفظ ارزشهای بومی و اسلامی بوده و با هر نوع افزایش نفوذ فرهنگ غربی و خارجی مخالفت می نمایند. متجددین در راه هر چه وابسته تر شدن به غرب خصوصاً آمریکا سعی و تلاش می نمایند. علت این مسأله را هم باید حضور گسترده کارشناسان و اتباع خارجی و تکنولوژی غرب در این کشور دانست که بطور طبیعی با ورود خود به کشور عربستان فرهنگ خاص خود را نیز به همراه می آورند و با گسترش فرهنگ مهاجران، جوانان کشور اولین طعمه آنها می باشند.

خصایص ویژه اجتماعی

جامعه عربستان يك جامعه سنتی است که با روشهای غیر معقول در حال مدرنیزه شدن است. از خصایص ویژه این جامعه به مانند دیگر جوامع جهان سوم تبعیض طبقاتی فاحش آن می باشد. اختلاط مردم بومی کشور با مهاجران يك بافت اجتماعی ناهمبستگی را تشکیل داده است. این طبقه به وجود آمده به همراه کسبه، کارگران و کشاورزان در مقابل طبقه اشرافی و مرفه و وابستگان دولتی کمتر مورد حمایت حکومت قرار می گیرند. طبقه مرفه و اشرافی کشور، نقشهای اصلی و کلیدی را در سیاست، تجارت و صنعت به عهده داشته و جزء طبقه

صفحه ۱۵۵

ممتاز محسوب می شوند. در عربستان سعودی اختلاف درآمد به وضوح نمایان است. از سویی نظام سنتی قبیله ای و از سویی دیگر حاکمیت طبقه اشراف مانع ایجاد تعادل اقتصادی بین اقشار مردم شده است. در شهر مظاهر تمدن و پیشرفت و بیشترین امکانات رفاهی وجود داشته و در روستاها و مراکز دور از شهر مردم با کمترین امکانات دست و پنجه نرم می کنند. بطور کلی آداب و رسوم مردم عربستان تحت تأثیر فرهنگ اسلامی قرار دارد. در کنار آداب و رسوم به جا مانده از فرهنگ اسلامی، فرهنگ قبیله ای و بیابانی نیز در میان مردم دیده می شود.

گرایشهای فرهنگی، اجتماعی نسل جوان

عربستان به علت کمبود نیروی انسانی فعال و کارآمد، کشوری مهاجرپذیر شده است، این خصیصه اجتماعی، جامعه عربستان را در برابر فرهنگ بیگانگان خصوصاً غریبان قرار داده است. دو طیف مخالف در عربستان زندگی می‌کنند. گروه اکثریت که پایبند به اصول مذهب و شریعت خویش می‌باشند و با هر گونه مظاهر و تمدن غربی مخالف هستند و گروه اقلیت که تحت تأثیر مظاهر تمدن غربی، فرهنگ مصرفی، آداب و رسوم غریبان قرار گرفته و رسیدن به این فرهنگ و حل شدن در آن را آمال خود قرار داده اند. بیشتر گروه اقلیت را نسل جوان تشکیل می‌دهد. این در حالی است که اولیای آموزشی و خانواده ها نگرانی خود را از توجه زیاد جوانان به فیلمهای مبتذل بیان

صفحه ۱۵۶

نموده اند. در راستای این علاقمندی، بی توجهی به درس و آموزش نیز در پی می‌باشد. همچنین، در تابستان با توجه به هزینه بالای استفاده از امکانات تفریحی و ورزشی برای جوانان بیشتر محصلان اوقات فراغت خود را صرف تماشای فیلمهای ویدیویی مبتذل در منازل می‌نمایند. به همین دلیل بطور متناوب خانواده ها با ارسال نامه به مطبوعات خواستار برنامه ریزی از سوی مقامات کشور جهت گذراندن صحیح دوران تعطیلات تابستانی محصلان با برنامه های سالم شده اند. بطور کلی باید گفت که در بیشتر کشورهای جهان سوم سردمداران غربی با منحرف نمودن افکار سازندگان جامعه سعی در هر چه بیشتر وابسته نمودن آن کشور و نابود کردن فرهنگ اصیل کشورها را دارد که عربستان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

وضعیت زنان در جامعه

در این کشور هیچ زن عربستانی حق ازدواج با مرد غیر عربستانی را ندارد. این امر بندرت آن هم با مجوز دولتی انجام می‌گیرد. همچنین يك مرد در این کشور می‌تواند به سادگی همسر خود را طلاق دهد. اما زنان باید برای طلاق از شوهران خود به نظام حقوقی پیچیده ای متوسل شوند. با گذشت زمان این محدودیتها افزایش یافته تا حدی که تمام ساختمانهای مسکونی دولتی موظف به ساختن زمینهای تفریحی برای زنان و مردان بطور جداگانه هستند و استخدام زنان در فروشگاهها و اداره ها ممنوع می‌باشد. پلیس مذهبی «مطوّع» در عربستان سعودی

مسئول اعمال قوانین مربوط به زنان در ملأ عام هستند، چنانچه زنی بدن خود را به خوبی نپوشانیده باشد توسط مطاوعه ها مورد آزار قرار می گیرد. همچنین به زنان در این جامعه اجازه داده نمی شود به تنهایی از خانه یا کشور خارج شوند و این کار حتماً باید با اجازه مرد ارشد خانواده باشد. در این کشور رانندگی برای زنان ممنوع است. فقط زنان ارتشی آمریکا مجاز هستند که در داخل مناطق نظامی، رانندگی نمایند و حق رانندگی در ملأ عام را ندارند. در این کشور زنان از امکانات آموزشی یکسانی با مردان برخوردار نیستند. در بعضی از رشته ها فقط مردان حق ثبت نام دارند، در بعضی از دانشگاههای عربستان از ثبت نام زنان خودداری می شود. زنان از دریافت بورس برای تحصیل در خارج از کشور محروم هستند.

نظام آموزشی

اولین مدرسه به سبک امروزی در عربستان در دوران حکومت ملک عبدالعزیز تأسیس گردید، قبل از آن مدارس دینی و مساجد تعلیم علوم دینی و خواندن و نوشتن را به عهده داشتند، بعد از این زمان اقدامات جهت گسترش و توسعه فرهنگی کشور رو به افزایش نهاد، که تا سال ۱۹۵۱ به ۲۱ باب مدرسه انجامید و شمار دانش آموزان از ۲۳۱۹ در سال ۱۹۳۹ به ۲۸ هزار نفر رسید. در سال ۱۹۵۳ به فرمان ملک سعود وزارت فرهنگ تأسیس گردید. در این کشور مؤسسات آموزشی توسط دولت اداره می شود،

آموزش قبل از دوره ابتدایی و آمادگی در این سطوح فقط در مناطق شهری انجام می گیرد. دوره آموزش دبیرستان سه سال می باشد که بعد از سال اول دانش آموزان به دو گروه علوم و هنر تقسیم می شوند. مدارس

صنعتی، بازرگانی و کشاورزی در عربستان وجود دارد که دانش آموزان پس از طی دوره میانی می‌توانند تحصیلات خود را در این مدارس ادامه دهند. سال تحصیلی در عربستان از اواخر سپتامبر یعنی اوایل مهرماه آغاز شده و در اواخر ژوئن؛ یعنی اوایل تیر ماه به اتمام می‌رسد. در این کشور مدت دوران تحصیلی به دو دوره نیم سال اول و دوم تقسیم می‌گردد. پس از نیم سال اول، تعطیلات عربستان بنام «اجازة الربیع» آغاز می‌گردد که به مدت دو هفته می‌باشد. در عید فطر و عید قربان، هر کدام بیست روز تعطیلی برای محصلان قرار داده شده که اگر این زمان با دوره تحصیلی دانش آموزان مصادف شود، يك عدم پیوستگی در دوران تحصیلی به وجود می‌آورد که موجب افول سطح آموزشی می‌گردد. دوران تحصیلی در عربستان ۱۲ سال است.

در این کشور مدیریت آموزش و پرورش به دو بخش دختران و پسران تقسیم شده است. مدیریت بخش دختران به عهده ریاست کل آموزش دختران می‌باشد و مدیریت بخش پسران به عهده وزارت معارف (آموزش و پرورش) است و هر کدام از دو بخش دارای دانشکده‌های تربیت معلم مختص به خود، با سیستم آموزشی مشترك است.

مدارس عربستان در بخش پسران و دختران به دو نوع دولتی

صفحه ۱۵۹

و ملی تقسیم می‌شود. در مدارس دولتی ثبت نام، رایگان و کلیه هزینه‌ها و امکانات آموزشی از سوی دولت پرداخت می‌شود. محصلان این مدارس از افراد متوسط جامعه و قشر کم درآمدند. در این مدارس شمار دانش آموزان بسیار و کیفیت و امکانات آموزشی ناچیز است؛ اما مدارس ملی با دریافت شهریه‌های مختلف و زیاد، دارای امکانات آموزشی بیشتر و کیفیت بالاتری است؛ بطوری که در مقطع دبستان به آموزش زبان انگلیسی و کامپیوتر می‌پردازند.

علاوه بر مدارس ملی و دولتی تعداد ۲۲۲ مدرسه زیر نظر وزارت معارف و ریاست تعلیم دختران و مناطق مختلف کشور جهت حفظ قرآن کریم مشغول به کار هستند. ۳۸۰ هزار نفر در این مدارس در ساعات مختلف شبانه روز مشغول فراگیری و حفظ قرآن می‌باشند. اولین مدرسه آموزش قرآن کریم در سال ۱۳۶۷ هـ. ق.

تأسیس گردید. همچنین مدارسی جهت روشندان در مقاطع مختلف تحصیلی در عربستان وجود دارد که ۱۶۹ کتاب کلام الله مجید به خط بریل جهت استفاده این افراد در دسترس می باشد. تعداد کتابخانه های عمومی عربستان در سال ۱۳۹۰ هـ. ق. ۱۳ عدد و در سال ۱۴۱۰ به ۶۰ عدد افزایش یافت که در حال حاضر بیش از یک میلیون جلد کتاب در این کتابخانه ها موجود است. دانشگاههای عربستان به طور رایگان خوابگاه در اختیار دانشجویان خود قرار می دهد. شهرکهای برای اسکان استادان و دانشجویان مجهز به بیمارستان و امکانات ویژه وجود دارد. در دانشگاهها، مراکزی برای آموزش زبان عربی برای خارجیان،

صفحه ۱۶۰

کتابخانه های مجهز به مدرنترین وسایل جهت استفاده از کتب و مراجع و لوازم آزمایشگاهی جهت تحقیقات علمی وجود دارد.

آمار کل محصلان عربستان در سال ۱۳۹۰ هـ. ق. ۵۴۰ هزار نفر بوده و در سال ۱۴۱۰ هـ. ق. به ۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر رسید. در حال حاضر ۱/۵ میلیون پسر و ۱/۳ میلیون دختر در این کشور مشغول به تحصیل هستند. در سال ۱۴۱۰ تعداد مدارس عربستان به ۱۶/۴۷۶ باب در برابر ۲/۹۴۹ باب در سال ۱۳۹۰ رسید. عربستان دارای هفت دانشگاه می باشد. همچنین دانشکده های تعلیم و تربیت برای دختران در ریاض و دمام و یک دانشکده علوم در دمام، یک دانشکده خدمات اجتماعی در ریاض برای دختران تأسیس شده است.

کتاب در عربستان

عناوین کتابهای نشر یافته در سالهای اخیر در عربستان سعودی، نشانگر تحول مطبوعاتی و فرهنگی این دیار است. جلب و جذب متفکران و اهل قلم کشورهای اسلامی و نشر آثار آنان در عربستان، به این تحول و گسترده یاری شایان توجهی رسانده است. بر روی هم، سرعت قابل ملاحظه ای در گستراندن ابعاد پژوهش و نشر در پهنه فعالیت های فرهنگی می توان دید. چرایی این مسأله نیز قابل توجه است. یکی از استادان دانشگاه که آگاهیهای شایسته ای از چگونگی نشر در جهان عرب دارد، ضمن گزارش کیفیت کتاب و نشر در عربستان به عوامل و زمینه های این تحول، بدین سان پرداخته است:

به نظر می‌رسد که دولت عربستان از دو جهت مجبور است که به این کار؛ یعنی پخش و نشر کتاب روی بیاورد.

۱ - جهت نخست آن که سعودی‌ها در جبهه سیاسی یارای مقابله با جمهوری اسلامی و جهان اسلام را در خود نمی‌یابند؛ در نتیجه برای این که در مسیر سیاست خارجی بین‌المللی خود دچار مشکل نشوند و تناقض قول و عمل را برای جهانیان آشکار نکنند، از این کار؛ یعنی تبلیغ رسمی مستقیم تحاشی می‌کنند.

۲ - جهت دیگر این که سعودیان از نفوذ بیش از حدّ مفتیان و مبلغان وهابیت ناخرسندند و برای آن که، توازن حفظ سلطه را برای خویش مصون دارند، مجادله‌ها و شعارهای توخالی و سرگرم‌کننده نجدیان را به آنان سپرده‌اند تا در نتیجه، هم حکومت را از دخالت آنان دور نگهدارند و هم برای مماشات سیاسی در صحنه سیاست جهانی پیوسته برای خود دری مفتوح نگهدارند؛ از این روی و با انتخاب چنین رویه‌ای، به صحنه فرهنگی و علمی عنایت خاص مبذول می‌شود.

البته نباید از نظر دور داشت که سعودیان اکنون داعیه رهبری جهان اسلام را دارند، آنان با فراخوانی بسیاری از متفکران و گسترش دامنه نشر، در جهت حاکمیت فکری جهان اسلام نیز گام برمی‌دارند و این شاید مهمترین و یا یکی از مهمترین عوامل رویکرد اینان به فرهنگ و کتاب باشد.

نگرش کوتاهی به محتوای آثار نشر شده، نشان می‌دهد که جهت‌گیری کلی آثار نشر یافته؛ اعم از تحقیق متون، تصحیح آثار کهن و تک‌نگاریهای موضوعی، بیشتر بر محور اندیشه حاکم، سلفی‌گری

تنگ اندیشانه و وهابی مآبی موجود دور می زند. تحقیق و نشر آثاری مانند کتاب «التوحید» ابن خزیمه، «العظمه» ابوالشیخ و ... در جهت یاد شده است. البته در کنار این مجموعه، آثار مهم تاریخی، رجال و تفسیری دیگر نیز نشر یافته است.

نگارش آثاری مانند «صفات الله بین الاثبات و التأویل» و «رؤیة الله» که از آثار نشر یافته «جامعة امّ القری» است و ... نیز با این آهنگ به قلم آمده است.

می توان گفت که نویسندگان سعودی حضوری جدّی در صحنه اندیشه و فرهنگ دارند، امّا باز هم در جهت به اصطلاح سلفی گری و دفاع از موضع سلف و برنتابیدن سخن نو و اندیشه تازه و گر چه در چگونگی میراث گذشته باشد.

موضع گیری تنّیدی در این آثار درباره دگراندیشان به روشنی پیداست، نقدهای تند علیه «ناصرالدین البانی» - که از سلفیان شام و مخالف اینان است - نشانگر این جریان تواند بود.

تجدید نظر در تفکر دینی و طرحی نو در انداختن در ساختار فکری موجود را نیز هرگز بر نمی تابند و گرایش هایی از این دست را در قالب های گونه گونی محکوم می کنند؛ و گاهی با تیغ بی دریغ تکفیر کردن می زنند.

در این میان کسانی که در بازسازی اندیشه دینی، به عقل بهره ای دهند نیز سالم از میان در نخواهند رفت و نیز کسانی که به شیعه به عنوان مذهب اسلامی بها دهند. یکی از نمونه های عینی این ماجرا، نقد

و اعتراض اینان به محمد غزالی نویسنده پرآوازه مصری، بویژه کتاب وی با عنوان «السنة النبویة بین اهل الفقه و اهل الحديث» است، نویسنده ای به نام «سلمان بن فهد العوده» بدان نقّدی نگاشته است با عنوان «حوار هادی مع محمد الغزالی، وقفات مع کتاب السنة النبویه ...» و «دارالوطن» در ریاض آن را منتشر کرده است.

بیت الغزل این اثر در نقد غزالی بهایی است که او در تحلیل نصوص به علم و عقل داده است و موضعی است که وی درباره شیعه داشته است. او ابتدا سخن غزالی را نقل می‌کند که نوشته است:

«شیعه با جمهور مسلمانان در اصول بنیادی دین تفاوت جوهری ندارد و...»

و آنگاه با تکرار آنچه بارها و بارها غوغاسالاران علیه شیعه تکرار کرده اند می‌نویسد:

با شیعه به هیچ روی نمی‌توان کنار آمد؛ چرا که آنان در مسائل بنیادی مربوط به قرآن، توحید، صفات خدا، فقه و اصول فقه با اهل السنه و الجماعه (بخوان: سلفی‌گری و هابی‌مآبانه) در تضاد و اختلاف است. (کتاب پیشگفته، ص ۷۱-۷۰)

نمونه روشن دیگر، کتابی است با عنوان «البيان لأخطاء بعض الكتاب». این اثر را صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان یکی از استادان دانشگاه‌های این دیار نگاشته است. این کتاب یکسر به دفاع از سلفی‌گری پرداخته و ظاهر گرایی خشک و تنگ مایه را، اسلام ناب معرفی کرده است، و با این نگرش آثار بسیاری از عالمان و مفکران

صفحه ۱۶۴

معاصر اهل سنت را نقد کرده است. به مثال او از مقاله‌های شیخ محمد علی صابونی - از عالمان حلب که اینک در مکه و از استادان دانشگاه است - برآشفته است که چرا در شماره‌های مجله «المجتمع» به مقاله‌هایش عنوان «عقیده اهل السنه فی میزان الشرع» داده است. به دیده او عقیده «اهل السنه» صحیح و استوار است و این عنوان نشانگر ارزیابی در صحت و سقم آن است و درست نیست. به دکتر سعید رمضان بوطی نویسنده پرآوازه سوری و کتابش «السلفیّه مرحله زمنیّه» هجوم برده که چرا «سلفیّه» را مرحله‌ای تاریخی پنداشته و در چگونگی و چندی و چونی آن سخن گفته و چون و چرا درباره آن را روا دانسته است، و چرا شیعیان را با اعتقاد به «عصمت» علی - ع - تکفیر نکرده و گفته است: «اینگونه باورها باعث خروج از دین نمی‌شود.»

و به دکتر احمد جمال العمری انتقاد کرده که چرا، زیارت قبور صالحان را یکی از سنت‌های اسلامی تلقی کرده و نوشته است که پیامبر بدان امر می‌کرده و اصحاب را به زیارت قبور نیکان فرا می‌خوانده است.

در این کتاب با همان دو جهت گیری یاد شده، آثار محمد ابوزهره، شیخ محمد مجذوب، محمد عبده یمانی نویسنده «علّموا اولادکم حب رسول الله» و ... نقد شده است.

در کشور عربستان تك نگاریهای مختلف درباره مسائل فقهی نیز رو به افزایش است. در مسائل تئوریک فقهی و اصول فقهی نیز عناوین قابل توجهی دیده شده. نشر مجله «البحوث الفقهیه» که مباحث بسیار

صفحه ۱۶۵

نو و مورد ابتلاي جهان اسلام را طرح می کند جالب است، گو این که این مجموعه حاصل رایزنی و همکاری فقیهان و عالمان بیش از هفتاد کشور اسلامی است و نتیجه جلسات کنفرانس «المجمع الفقهی الاسلامی» می باشد ولی نشر آن در این دیار می تواند به فضای اندیشه کشور یاری رساند و زمینه های تحقیق در مسائل فقهی را بگستراند.

هیأت ظاهری کتابها نیز جالب و چشم نواز است، در این جهت نیز گویا ساخت و پرداخت زیبا را از کشورهای چون لبنان وام گرفته و گسترانده اند. گسترش مراکز نشر و فروش در مدینه نیز چشمگیر بود. یکی از استادان آشنا به مسائل نشر در جهان عرب نوشته اند:

یاد دارم که در مدینه سال ۶۳ جز چند کتابفروشی، آن هم تنها با فروش و عرضه کتابهای چاپ لبنان و مصر و در سطحی ناقص و محدود یافت نمی شد. ولی اکنون در همین محدوده حرم و در خیابان ابوذر و عبدالعزیز چند کتابفروشی بزرگ که هم ناشرند و هم کتابفروش، تأسیس شده است. حتی کیفیت حروفچینی و صفحه بندی و طراحی جلد و صحافی فنی هم کاملاً رشد کرده است.

احیای متون فقهی، تفسیری و کلامی، چنانکه پیشتر گفتیم بسیار گسترده است و در این توجه، عالمانی که بگونه ای پی ساختهای فکری جریان وهابی گری را شکل می دهند، سهم بیشتری دارد، آثار ابن تیمیه، ابن قیم و ... اینگونه است. «بدائع التفسیر» پژوهشهای تفسیری پراکنده ابن قیم است در میان آثارش، که جمع و تدوین شده است در ۵ جلد، و دیگر آثار ...

در مجموعه های انتشاراتی مکه و مدینه نشر آثار جهان عرب بویژه مصر و لبنان و سوریه نیز وسیع و قابل توجه بود. به هر حال آنچه یاد شد، برای کسانی که به مسائل فرهنگی جهان اسلام به جدّ می اندیشند، تأمل برانگیز است. گسترش مسائل فرهنگی و علمی از این دیدگاه با تنگ مایگی و سطحی اندیشه بویژه در مسائل کلامی و مطالب بنیادی دین، می تواند پی آمدهای سوئی بر تفکر در جهان اسلام داشته باشد. نمونه هایی از این تأثیر هم اکنون در برخی از جوانان تحصیل کرده در این دیار - بومی و غیر بومی آن - دیده می شود. به گفته یکی از فاضلان:

این تصمیم (گستراندن فضای نشر فرهنگ در عربستان) زیانهای غیر قابل جبرانی خواهد داشت. نخست این که آزاداندیشی که خصیصه تمدن و فرهنگ اسلامی است و این امر در طول تاریخ اسلام، گاه در بغداد، گاه در بصره، گاه در مصر، گاه در نیشابور و گاه در اصفهان رخ می نموده است، از صحنه اندیشه اسلامی تا حدودی رخت خواهد بست و نیز اندیشه های راهگشا و کارساز، و رای مجادله های فرقه ای و کلامی و عقیدتی، جای خود را به بحث های کینه توزانه و تفرقه افکنانه در دوران امت اسلامی خواهد داد و این خود خسارتی است.

کتابخانه ها

۱ - کتابخانه شورای انگلیس؛ تأسیس در سال ۱۹۷۰، دارای ۹۰۰۰ جلد کتاب و ۵۹ مجله دوره ای است.

۲ - کتابخانه فرهنگی؛

۳ - کتابخانه انجمن اداره عمومی؛ تأسیس در سال ۱۹۶۲، دارای ۱/۷۷۰/۰۵۰ جلد کتاب عربی و انگلیسی و ۶۶۹ مجله دوره ای، ۹۵۱ نشریه دولتی.

۴ - کتابخانه دانشگاه اسلامی؛ واقع در مدینه منوره که به سال ۱۹۶۱ تأسیس گردید. دارای ۳۳۴/۰۰۰ جلد کتاب، ۲۶۰۰۰ MSS، ۸۹۷ پایان نامه، اسلاید و میکروفیلم.

۵ - کتابخانه عمومی ملک عبدالعزيز؛ تأسیس در سال ۱۹۸۵، این کتابخانه دارای ۱۳۹/۰۶۸ جلد کتاب " عربی " ۲۲/۲۹۳ جلد کتاب " اساساً انگلیسی " ۸۷۲ مجله ادواری " عربی و غیر عربی " . این کتابخانه همچنین دارای مجموعه کتب تاریخی، کتب کمیاب مرجع می باشد.

۶ - کتابخانه دانشگاه ملک سعود؛ این کتابخانه دارای یک واحد مرکزی با ۱۴ واحد فرعی است که سه واحد آن مخصوص دانشجویان دختر است. این کتابخانه جهت استفاده عموم به شرط ارائه معرفی نامه آزاد می باشد. در این کتابخانه تعدادی کتب ایرانی موجود است که اکثراً کتب شعر عمر خیام، رودکی، سعدی و حافظ می باشد. کتابخانه دارای ۱۱ میلیون جلد کتاب، ۳۰۰۰ نشریه ادواری، ۸۶۰۰۰ نشریه دولتی می باشد و به تعداد زیادی کتابهای خطی کمیاب و مرجع نیز زینت بخش این کتابخانه است.

۷ - کتابخانه الحرم " مکه " ؛ ۶۰۰۰ جلد کتاب.

۸ - کتابخانه مدرسه الحدیث " مکه " ؛

۹ - کتابخانه اوقاف مدینه؛ کتابخانه عارف حکمت ۶۰۰۰ جلد کتاب،

صفحه ۱۶۸

و کتابخانه محمودیه ۲۰۰۰ قرآن.

۱۰ - کتابخانه ملی " ملک فیصل " ؛ تأسیس در سال ۱۹۶۸. دارای ۳۷/۰۰۰ جلد کتاب به زبان عربی، انگلیسی و فرانسه می باشد.

۱۱ - مرکز اطلاعات سازمان استانداری عربستان سعودی؛

۱۲ - کتابخانه سرویس اطلاعاتی سازمان ایالات متحده "جده"؛ دارای ۲۰۰۰ جلد کتاب و ۶۵ نشریه ادواری.

۱۳ - کتابخانه دانشگاه امام محمد بن سعود؛

۱۴ - کتابخانه ملی ملک فهد؛ عملیات ساختمان سازی کتابخانه ملی ملک فهد در سال ۱۴۰۶ ق. آغاز و با صرف مبلغ ۸ میلیون ریال سعودی در سال ۱۴۰۹ ق. به پایان رسید. مساحت کتابخانه یاد شده ۵۸ هزار متر مربع که شامل ۳۰ هزار متر مربع پارک و فضای سبز و ۲۸ هزار متر مربع بنای سه طبقه می باشد. این کتابخانه در حال حاضر دارای تعداد ۳۰ هزار مدرک و سند پیرامون تاریخ و توسعه کشور است و تا پایان محرم ۱۴۱۲ ق. نیز تعداد ۲۷۵/۳۳۲ مخزن اطلاعات در بخشهای اطلاعات عمومی، کتابهای مرجع الف و ب، موجود بوده است. همچنین سالن مدارک، سالن کتب خطی و کمیاب، سالن سمعی و بصری، سالن مرکز اطلاعات و بخش زنان نیز وجود دارد.

این کتابخانه همچنین دارای ۲۱۰۶۴ نسخه اصلی مدارک و ۲۵۰۰ تصویر مدارک می باشد که در مناطق مختلف کشور نگهداری می شود. در این کتابخانه سکه های ضرب شده در دوران امویان، عباسیان، اشکانیان، سامانیان، غزنویان، آل بویه، فاطمیان، سلجوقیان، ایوبیان،

صفحه ۱۶۹

ایلخانیان، مملوکان عثمانی و همچنین سکه های برنزی مربوط به دوران قبل از اسلام ساسانیان و بیزانسی نیز وجود دارد.

مطبوعات

در کشور عربستان مطبوعات زیر نظر دولت می باشند. آنان در واقع بازگو کننده خط فکری و سیاست حاکم بر کشور می باشند و خط مشی دولت را تبلیغ می نمایند. روزنامه ها و دیگر جراید نیز وضعیتی مشابه دارند. چنانکه نویسندگان آنها نیز خط مشی خود را از دولت گرفته و به وسیله آنان تغذیه می شوند.

روزنامه های عربی زبان عربستان عبارتند از: الجزيرة، الرياض، المدينة المنورة، عكاظ، اليوم، البلاد، الندوة، المسایه، الشرق الاوسط و الحیات. (الشرق الاوسط و الحیات با سرمایه عربستان در لندن چاپ می شود).

روزنامه های انگلیسی زبان عربستان عبارتند از: عرب نیوز، سعودت گازت، ریاض، دیلی، سعودی ریویو.

عناوین مجلات هفتگی که به زبانهای عربی و انگلیسی چاپ می شوند عبارتند از:

عربی: الدعوه، المجتمع، المسلمون، الیمامه، اقراء، الشرق، اخبار العالم الاسلامي.

انگلیسی: Saudi Business، Arabian Sun، News From Saudi Arabia.

Saudi Economic Survey، Saudi Arabia Business Week.

صفحه ۱۷۰

خبرگزاری های داخلی و خارجی

خبرگزاریهای داخلی تحت عنوان واس " وكالة الانباء السعودية " می باشد که حرف اختصاری آن به انگلیسی «اس - پی - ای» است. این خبرگزاری در سال ۱۹۷۰م. تأسیس گردید، به جز این خبرگزاری خبرگزاری اسلامی " IPA " نیز در عربستان مشغول فعالیت می باشد. خبرگزاریهای خارجی فعال در عربستان سعودی رویتر و آسوشیتدپرس می باشند.

رادیو و تلویزیون

رادیو عربستان با برنامه های برون مرزی و درون مرزی زیر نظر کلی وزارت اطلاعات قرار دارد. برنامه های درون مرزی، به زبانهای عربی و انگلیسی پخش می شود و دارای فرستنده های رادیویی در شهرهای جدّه، ریاض، دمام و ابها است.

برنامه های برون مرزی عربستان به زبانهای بنگالی، انگلیسی، فارسی، فرانسوی، اندونزیایی، سومالیایی، سواحلی، ترکستانی، ترکی و اردو می باشد.

رادیو آرامکو: ایستگاه این رادیو در ظهران است و برنامه های آن به زبان انگلیسی و ظاهراً برای استفاده کارمندان شرکت مربوطه پخش می شود. در حال حاضر بیشتر از ۵ میلیون گیرنده رادیویی در عربستان مورد استفاده می باشد.

تلویزیون عربستان در سال ۱۹۶۷ راه اندازی گردید، ایستگاه

صفحه ۱۷۱

مرکزی آن در ریاض است و در شهرهای ریاض، جدّه، مدینه، دمام، قصیم، و ابها دارای ایستگاه می باشد. برنامه های این تلویزیون به دو زبان عربی و انگلیسی پخش می شود.

کانال تلویزیونی ظهران " آرامکو " : این دستگاه برنامه های خود را به زبان انگلیسی پخش می نماید. در حال حاضر بیش از ۴ میلیون دستگاه تلویزیون در عربستان مورد بهره برداری قرار گرفته است.

میزان کنترل دولت بر رسانه های گروهی

تمامی رسانه های گروهی عربستان تحت کنترل دولت است و به طور انگشت شماری مقالات و مطالب انتقاد آمیز در روزنامه ها درج می شود. رادیو و تلویزیون نیز دولتی است و خط مشی و سیاستهای تبلیغاتی دولت از کانال رادیو و تلویزیون برای مردم مشخص می شود. این کنترل تا حدی است که دولت طی فرمانی برای ادارات دولتی عنوان کرد که مسؤولان حق هیچگونه اظهار نظر مطبوعاتی را ندارند. همچنین مدیر کل آموزش منطقه الشرقیه،

دکتر عطیه ابوعالی دستورالعملی به تمامی مدارس دولتی و ملی صادر کرد که بر طبق آن مدیران مدارس حق هیچگونه اظهار نظر مطبوعاتی به روزنامه ها و مجلات را ندارند.

در سال ۱۹۹۲ دولت از ورود تعدادی از نشریات خارجی به علت انتشار برخی از مطالب انتقاد آمیز ممانعت کرد. در حال حاضر اعضای خاندان حاکم عربستان سعودی بر مؤسسه های خبری تسلط دارند.

صفحه ۱۷۲

بهداشت و درمان

کشور عربستان سعودی با بهره گیری از درآمد نفتی خود توانسته است یکی از بهترین و پیشرفته ترین سرویسهای بهداشتی و درمانی دنیا را در اختیار مردم خود و مهاجران خارجی قرار دهد. در سال ۱۹۸۰ در این کشور بیش از ۲۱ هزار پزشک در ۲۴۷ بیمارستان و ۱۶۶۰ مرکز بهداشتی مشغول به کار بودند. شهرک پزشکی ملک فیصل در حومه ریاض یکی از پیشرفته ترین مراکز پزشکی از لحاظ فنی و سرویس می باشد. در بودجه سال ۱۹۹۲ میلادی هزینه تأمین اجتماعی و بهداشتی در نظر گرفته شده ۱۲/۲۰۰ ریال (سعودی) و در سال ۱۹۹۳ م. ۱۴/۰۸۷ ریال بوده است. وزارت بهداشت عربستان سعودی تا سال ۱۹۹۲ مبلغ ۴/۲۳۵ میلیارد ریال صرف هزینه ساخت و راه اندازی ساختمانها و تأسیسات بهداشتی وابسته به آن نموده است، که بر طبق آن ۱۷۲ بیمارستان با داشتن ۲۷/۶۳۱ تخت بیمارستان و همچنین ۱/۶۶۸ مرکز بهداشتی تحت نظارت این وزارتخانه مشغول فعالیت می باشند. تعداد ۳۱ بیمارستان دیگر تحت نظر ادارات، سازمانهای دولتی اداره می شوند که ۴ بیمارستان که در ریاض، جده، دمام و ابها قرار دارند در امور آموزشی فعالیت داشته و با دانشکده های پزشکی همکاری دارند.

بیمارستان تخصصی چشم ملک خالد و تخصصی ملک فیصل از جمله بیمارستانهای این کشور به شمار می رود. علاوه بر آن ۶۴ بیمارستان، ۳۹۲ درمانگاه خصوصی متعلق به افراد و شرکتهای خصوصی نیز در عربستان سعودی به فعالیت مشغول هستند. در کل

تعداد تختهای بیمارستانی در بیمارستانهای کشور بالغ بر ۳۹ هزار عدد و شمار پزشکان نیز بالغ بر ۲۲ هزار نفر و تعداد مراقبین بهداشت حدود ۴۳ هزار نفر است.

سازمان هلال احمر سعودی دارای ۱۴۳ مرکز اورژانس در سراسر کشور می باشد، از کل مراکز آموزش بهداشت در کشور که ۳۳ مرکز می باشد ۱۶ مرکز متعلق به پسران و ۱۷ مرکز متعلق به دختران است که آنان پس از گذراندن دوره لازم، به عنوان پرستار و مراقبان بهداشت در بیمارستانها مشغول کار می شوند. از کل پزشکال شاغل در عربستان سعودی ۲/۶۰۰ نفر یعنی ۱۲٪ از کل پزشکان را اتباع عربستان تشکیل می دهند و مابقی از اتباع کشورهای خارجی هستند. در این کشور مرگ و میر کودکان حدود ۴۳/۸۳۶ نفر می باشد که از هر ۱۰۰۰ کودک ۶۵ نفر را شامل می شود. مهمترین امتیاز جغرافیایی و مذهبی کشور عربستان سعودی، وجود خانه خدا و قبر پیامبر اسلام در این کشور می باشد که ارزش بس والایی در بین تمامی مسلمانان جهان دارا است. مکه با داشتن کعبه " خانه خدا " که حضرت ابراهیم آن را بنا کرد و خانه ای در کنار آن ساخت تا پناهگاهی برای همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل باشد و حال مدفن هر دو تن می باشد به این شهر ارزشی والا داده است. مقام ابراهیم جایگاهی است که جای پای حضرت ابراهیم - ع - بر آن نمایان است و حال در میان صندوق بلوری ضخیمی بر ستونی از سنگ مرمر محفوظ است، چاه زمزم که برای فرونشاندن عطش اسماعیل به فرمان خداوند جاری گشت حال دارای قداست و حرمتی بس فراوان

است. صفا و مروه یادآورد خاطره سعی و تلاش هاجر، و جبرأت، همه اینها در مکه واقع شده که برای تمامی مسلمانان دارای احترام فراوانی می باشد. مدینه منوره که مدفن آخرین پیامبر اسلام و قبرستان بقیع محل دفن

سال ۸۷-۱۹۸۶-۱۹۸۵-۱۹۸۴

ہند ۴۰۸۵۴۳۹۳۴۴۳۳۶۹۱

جمهوری اسلامی ایران ۱۵۷۳۹۵۱۵۲۱۴۹۱۵۲۲۲۷

عراق ۲۹۵۲۲۱۴۵۵۱۳۳۸۵۶

۹۳۰۱۳۹۲۳۰۵۸۷۸۸۹ پاکستان

ترکیہ ۹۶۷۱۱۵۴۶۲۴۴۱۹۹۳

جمہوری عربی ین ۶۱۴۱۶۴۳۵۱۲۴۱۱۲۱